

# آموزش فا در کنفرانس کانادا

(تورنتو، ۲۳ مه، ۱۹۹۹)

لی هنگجی

درد بر همگی! زمان استراحت شاید بسیار کوتاه بوده است. برخی از شما ممکن است تازه ناهار را تمام کرده باشید، و برخی هنوز به سالن کنفرانس نیامده باشند. شنیدم که برخی از شاگردان کمی بعد از ساعت ۴ بعدازظهر اینجا را ترک می‌کنند، بنابراین کمی زودتر کنفرانس را ادامه می‌دهیم.

به نظر می‌رسد که گویا ما رسمی را شکل داده‌ایم که نزدیک به انتهای هر کنفرانس از استاد خواسته می‌شود که به سؤالات پاسخ دهد. امروز این را به همه شما یادآور می‌شوم که اغلب این نوع کنفرانس در مناطق مختلف وجود دارد. گاهی اوقات شما از من دعوت می‌کنید، اما ممکن است نتوانم شرکت کنم. از آنجاکه فا هم‌اکنون به همگی آموزش داده شده است، در واقعیت تا زمانی که تمرین تزکیه را انجام می‌دهید، پاسخ تمام سؤالاتی که جواب می‌دهم را خواهید دانست. معمولاً بیشتر سؤالات هم توسط شاگردان جدید یا توسط آنهایی که به هنگام تحمل سختی‌ها در یک سطح «گیر کرده‌اند» مطرح می‌شوند. از نظر من، تا وقتی تلاشی هماهنگ برای تزکیه انجام می‌دهید، هر مشکلی می‌تواند حل شود و در نهایت تمام آن چیزهایی که برای مدت زمانی درک نکرده‌اید را خواهید فهمید. کنفرانس تبادل تجربه‌ای که امروز اینجا داریم توسط شاگردان سازمان یافته و شروع به کار کرد، زیرا تزکیه کاری است که شما خودتان انجام می‌دهید - من هرگز در موضوعات مربوط به شکل و فرم دخالتی نکرده‌ام. مخصوصاً از آنجاکه بسیاری از شاگردان نمی‌توانند مرا ببینند و من باید مسئول شما باشم، به همه شما می‌گویم که باید فا را معلم در نظر بگیرید. اگر کتاب را بیشتر بخوانید و فا را بیشتر مطالعه کنید، هر مشکلی می‌تواند حل و فصل شود. (تشویق) به‌خاطر اینکه امروز اینجا هستیم، به‌هرحال به سؤالات شما پاسخ می‌دهم.

ابتدا اجازه دهید درخواستی بکنم. برخی از شما شاگردان جدید هستید که برای اولین بار در کنفرانس تبادل تجربه شرکت می‌کنید، بنابراین شاید سؤالات زیادی داشته باشید. در حقیقت، پاسخ سؤالاتی که شما، همه در کتاب‌ها نوشته شده است. برای شاگردان آسان نیست که یک کنفرانس برگزار کرده و من حضور داشته باشم که در کنفرانس‌ها با شاگردان ملاقات کنم. به علاوه، زمان محدود است. سؤالاتی که شما [شاگردان جدید] مطرح می‌کنید قطعاً در سطحی بسیار ابتدایی است. برخی از سؤالاتی که شما شاید برگرفته از این حقیقت باشد که هنوز فالون دافا را کلاً درک نکرده‌اید. اگر کتاب‌ها را بخوانید سؤالات شما پاسخ داده خواهند شد. از آنجاکه زمان ارزشمند است فقط به موضوعاتی اشاره می‌کنم که در تزکیه با آنها مواجه شده‌اید. به علاوه، از آنجاکه برخی از شما توجه زیادی به اجتماع عادی بشری می‌کنید و احتمالاً می‌خواهید سؤالاتی درباره آن یا چیزهایی دیگر مطرح کنید. فکر می‌کنم نباید آن سؤالات را عنوان کنید زیرا من به هیچ وجه به امور اجتماع عادی بشری رسیدگی نمی‌کنم. به وضوح دیده‌اید که در حال حاضر فقط مسئول تزکیه‌کنندگان هستیم و در هیچ چیز دیگری به جز تزکیه درگیر نمی‌شوم و به سؤالات خارج از محدوده تزکیه پاسخ نخواهم داد. بسیار خوب، پس اجازه دهید پاسخ به سؤالات را شروع کنیم.

پرسش: شاگردی هست که برای مدتی طولانی متحمل سختی‌هایی شده است و هنوز نمی‌تواند بر آنها غلبه کند. آیا باید به او بگوییم یا اجازه دهیم خودش از طریق مطالعه فا آن را درک کند؟

**استاد:** از آنجاکه شما علتی که او را از پیشروی به جلو بازمی‌دارد پیدا کرده‌اید، چرا آن را به او نمی‌گویید؟ اگر با مهربانی به او بگویید نباید مشکلی باشد. آیا به خاطر این است که از اینکه از شما ناراحت شود کمی می‌ترسید؟ اما آیا طرز برخورد بد آن

شخص فرصت خوبی برای تزکیه شما نیست؟ حتی اگر او درک نکرد شما چه گفتید مهم نیست- آیا این احساسات (چینگ) افراد عادی نباید رها شود؟ اگر مشکلی می بینید باید به او بگویید. برخی افراد بعد از گیر کردن در یک سطح بخصوص صرفاً نمی توانند به جلو حرکت کنند. هر چه بیشتر در آن سطح درنگ کند، کمتر کتاب را می خواند، و به طور کوشا حرکت به سمت بالا را بیشتر فراموش می کند. آنوقت هر چه این آزمایش یا سختی بزرگتر می شود، احتمال بیشتری دارد که او تا نقطه ای متزلزل شود که در نهایت دیگر نتواند تزکیه کند. این نوع مسئله همیشه از ابتدا تا انتها خواهد بود. تزکیه موضوعی بسیار جدی است. آن نمی تواند با بی دقتی به سست ترین شکل انجام شود. شما هرگز نمی توانید به سطحی برسید مگر اینکه استاندارد آن سطح را برآورده کنید. به عنوان یک فرد عادی متوسط می خواهید به کمال برسید و به تقدس یک موجود روشن بین بزرگ باشید، اما اگر درکی روشن از این موضوع نداشته باشید و اهمیت آن را تشخیص ندهید چگونه آن امکان پذیر خواهد بود؟

پرسش: تصویرسازی های زیبایی بسیاری در کتاب هنگ بین وجود دارد. برطبق جوآن فالون دایره پیرامون بدن بودا مقام آن بودا را نشان می دهد. پس دایره اطراف سر بودا چه چیزی را نشان می دهد؟ چرا بیشتر از یک دایره در اطراف سر و بدن بودا وجود دارد؟

**استاد:** تصاویر بودا که در معابد یا یک نقاشی دیواری قدیمی دیده اید اغلب آثار مردم عادی هستند. اما بعضی از تصاویر به واقعیت بسیار نزدیک است، و آنها کم و بیش نقش یک بودا یا یک خدا را به تصویر می کشند. چرا این طور است؟ شما همگی می دانید که در جامعه مدرن اکثریت وسیعی از مردم توسط ایدئولوژی مدرن شکل گرفته اند، و به هر چیزی که علم نتواند مورد بررسی قرار دهد باور ندارند. به این شکل، خودشان را در یک حالت مهروموم شده به تله انداخته اند، بنابراین شرایط واقعی را که علم قادر نبوده کشف کند، کمتر و کمتر احتمال دارد که ببینند. اما آن پدیده های فوق طبیعی ممکن است خود را به خوبی آشکار کنند. هرگاه که آنان ظاهر می شوند یا به عموم نشان داده می شوند، اغلب به عنوان پدیده های ناشناخته یا پدیده های طبیعی، یا غیرقابل توضیح در نظر گرفته می شوند، و این پایان داستان است. آنان جرأت ندارند به آنها نزدیک شوند، چه برسد نگاهی به آنها بیندازند. تا کسی به آنها نظری می اندازد، کسانی که خودشان را بخشی از علم مسلم می دانند برخاسته و با آن مخالفت می کنند، که باعث می شود مردم به باور داشتن به آنها بی میل تر شوند.

همانطور که می دانید، چه کاتولیک باشد، مسیحیت، یا بودیسم، در اوج خود تقریباً هر عضوی از جامعه به آن باور داشتند. وقتی همه به وجود خدایان باور داشتند، یک نتیجه این بود که ذهنیت کفر مغلوب می شد، و برای موجودات بشری راحت بود که ظاهر حقیقی جهان و تصاویر خدایان را ببینند. این یک اصل در جهان است: ایمان پیش از دیدن می آید. هر چه بی اعتقادتر باشید، کمتر اجازه دیدن دارید. این توسط ذهن نادرست خودتان ایجاد می شود. در برخی کلیساهای قدیمی، و مخصوصاً در قصرهایی در پاریس نقاشی هایی با تصاویری از بهشت های آسمانی و موجودات الهی دیدم، که حقیقتاً بسیار نزدیک به واقعیت به نظر می رسیدند، بسیار شبیه چیزهای واقعی بودند. این همچنین در مورد نقاشی های تصاویر بودا در معابد قدیمی نیز صدق می کند. [شاید در این فکر باشید که،] «چگونه موجودات بشری چیزی شبیه آن را نقاشی می کنند؟ چگونه موجودات بشری می دانند که بوداها به آن شکل هستند؟» در دورانی که هر کسی به موجودات الهی باور داشت، بسیاری از مردم قادر به دیدن آنها بودند. آنهايي که می دیدند افرادی در حرفه های مختلف بودند، از جمله هنرمندان.

در میان تمرین کنندگان دافا که امروز اینجا نشسته اند نقاشان، مجسمه سازان، و افرادی با تخصص های گوناگون وجود دارند. به محض اینکه یک هنرمند برای یک صدم ثانیه تصویری را می بیند، می تواند آنچه را که دیده است به تصویر بکشد. در دوران اوج مذاهب، بسیاری از پیروان معتقد به مذهب وجود داشتند که هنرمند هم بودند، بنابراین می توانستند این نوع از تصاویر را دریافت کنند. در مورد نقاشی های بوداها که در شرق دور یافت شده است، چگونه مردم می توانستند بدانند که بوداها به آن شکل هستند؟ چگونه می توانستند بدانند که بوداها یک کاسایای زرد می پوشیدند و موهای آبی داشتند؟ پاسخ این است که برخی از افراد قادر به دیدن آن بودند. تا به آن سطح نرسید، تصاویر واقعی به شما نشان داده نخواهد شد. تصاویری که مردم دیدند بطور طبیعی چیزهایی بودند که آنها از هر یک از سطوح خود می توانستند ببینند. برای مثال بگوییم، شخصی بهشت های آسمانی

و خدایان را دید. و فردی دیگر بهشت‌های آسمانی و خدایان را دید. اما تصاویری که آنها دیدند به احتمال زیاد یکسان نیستند. یعنی، هیچ یک از شما در یک سطح نیستید. هیچ یک از شما که اینجا نشست‌اید در یک قلمروی ذهنی نیستید. حقیقت جهان بسیار پیچیده است. اندازه‌های مختلف ذرات منجر به ایجاد بُعدهای مختلف می‌شود؛ یک تفاوت کوچک، سطحی دیگر از ذرات را می‌سازد. خطوط جداکننده بین سطوح و قلمروهای متفاوت نیز بسیار پیچیده هستند؛ یک نفوذ کوچک آن را به یک سطح متفاوت هل می‌دهد. بنابراین وقتی شما پیش از رسیدن به سطح یک بودا، او را می‌بینید، آنچه او برای تان آشکار می‌کند فقط تصاویری است که می‌توانید از سطح خود ببینید.

هاله پشت بدن یک بودا به چه معناست؟ یک بودا در حقیقت، یک میدان انرژی عظیمی اطراف بدن خود دارد. وقتی درباره قراردعی گذر اسرارآمیز صحبت کردم، اصل و توسعه آن را توضیح دادم. در ابتدا آن به شکل یک گذر اسرارآمیز است. بعداً، با برگشت به مکان خود، گذر اسرارآمیز به تدریج خودش را درون بدن بشری گسترش داده و همراه با رشد بدن الماس‌گون تباهی‌ناپذیر، رشد می‌کند. سرانجام وقتی آن بدن بودا- یعنی بدن الهی که او تزکیه کرده است- به اندازه بدن فیزیکی خودش بزرگ می‌شود، گذر اسرارآمیز به بیرون از بدنش گسترده می‌شود. همزمان، آن منطقه‌ای کمی بزرگتر از بدنش را می‌پوشاند. من آن را بهشت یک بودا می‌نامم، بهشت خود او، که بسیار غنی است، با هر چیزی پر شده است، و می‌تواند هر چه را که او بخواهد تأمین کند. سپس همگی درباره آن فکر کنید: اگر هر آنچه که می‌خواهد فراهم شود، صحنه‌هایی که او آشکار می‌کند باید بزرگ، باشکوه و فوق‌العاده ورای توصیف باشد. او تمام آن را دارد، از ریز تا درشت. بنابراین وقتی شما آنها را می‌بینید تصاویر همیشه بسیار پرتالو، درخشان، و زیبا به نظر می‌آیند. برخی از شما نقاشی چیزی شبیه یک قایق در پشت مجسمه بودا را دیده‌اید (این نوع تصویر در پشت مجسمه یک بودای ایستاده نشان داده شده است). در حقیقت، آنچه شما دیده‌اید تصویری از یک مجسمه بودا است. اما اگر شما به آن سطح تاتاگاتا نرسید، نمی‌توانید بطور کامل تصویر حقیقی یک بودا را ببینید. این تمام چیزی خواهد بود که می‌توانید ببینید.

وجود واقعی شکل این میدان نمی‌تواند توسط موجودات بشری با به کار بردن یک قلم‌موی نقاشی به تصویر کشیده شود، زیرا موجودات بشری چنین رنگ‌هایی ندارند. تمام رنگ‌ها در این دنیا از ذرات مولکولی ساخته شده‌اند. هر چیزی در این بعد بشری از ذرات مولکولی ساخته شده است، و همین‌طور رنگ رنگدانه‌ها در این دنیا. اما رنگ رنگدانه‌های بُعدهای بوداها از ذرات ریزتری ساخته شده‌اند. بدون آن رنگ‌ها نقاشی کردن آنها غیرممکن است. وقتی موجودات بشری آن را می‌بینند فکر می‌کنند: «اوه، این حیرت‌آور است! این صحنه بسیار باشکوه است!» معمولاً این‌طور احساس می‌کنند. پس هاله پیرامون سر یک بودا چه چیزی را نشان می‌دهد؟ آن معمولاً سمبل خرد یک بودا یا یک خدا است؛ آن از خرد درون ذهن‌شان می‌درخشد. این ذهن که من می‌گویم مفهومی کاملاً متفاوت با مغزی که انسان‌ها می‌گویند دارد، زیرا ذهنی که من از آن صحبت می‌کنم ذهن خود واقعی شما است. آن منبع واقعی افکار و نیت‌های شما را می‌سازد. از سوی دیگر، یک مغز بشری، چیزی بیشتر از بخش فیزیکی کل موجود شما در این سطح بشری نیست. آن سطحی‌ترین است و کاملاً با ذهن بشر متفاوت است. در عین حال وقتی فردی چیزی را تشریح می‌کند، افکارش از طریق مغز بشری منتقل می‌شوند. البته شکل‌های بسیار دیگری از تجلی یک بودا وجود دارد؛ آن تقریباً بی‌شمار است.

*پرسش: با دیدن وابستگی‌های شاگردان دیگر، اغلب فکر می‌کنم بعد از یک مدت آن را تشخیص داده و خودشان آنها را اصلاح می‌کنند. اما اگر شرایط ادامه یابد، آیا می‌تواند اثری منفی بر رشد تمرین‌کنندگان به‌عنوان یک کل بگذارد؟*

**استاد:** آن اثری منفی بر تزکیه افراد دیگر ندارد. این صرفاً وضعیت انفرادی اوست. اما بگذارید برایتان مثالی بزنم: وقتی استاد وابستگی‌های فردی را می‌بیند، عمداً آنها را به شما نشان می‌دهد و می‌گذارد که آنها را ببینید تا بتوانید به آن شخص بگویید. پس آیا به او خواهید گفت؟ از آنجاکه همه شما جن-شن-رن را تزکیه می‌کنید، باید در هر شرایطی فرد خوبی باشید. اگر کوتاهی‌های او را می‌بینید و متوجه هستید که نمی‌تواند به بالا حرکت کند، چرا مهربانانه به او نمی‌گویید؟ البته، حالت‌های

مختلف در سطوح مختلف تزکیه وجود دارند. شاگردان همگی تجلیات مختلفی در سطوح مختلف دارند. هر موقعیت خاص را آن طور که مناسب می‌بینید اداره کنید.

پرسش: من بسیار خواب می‌بینم، اما گاهی اوقات نمی‌توانم تشخیص دهم که رؤیاهایم اشاراتی از جانب معلم است، وقایعی از زندگی‌های گذشته است، وقایع آینده است، یا صحنه‌هایی از بُعدهای دیگر است.

**استاد:** در مورد رؤیاهای آنها را بسیار واضح توضیح داده‌ام. در گذشته، هیچ کسی نمی‌توانست به وضوح تشریح کند که رؤیاهای چه بودند، بنابراین من تلاشی ویژه انجام دادم تا این موضوع را برای شما توضیح دهم. یک موجود بشری روح‌های متعددی دارد، و وجود خود او نیز موجودات زنده گوناگون در شکل‌های مختلف دارد. آن بی‌نهایت پیچیده است، بنابراین هیچ کسی درباره آن صحبت نمی‌کند. اما وقتی که موقعیت ذیل اتفاق می‌افتد آن یک رؤیا نیست: وقتی آگاهی ظاهری بدن بشری شما هشیار نیست، در حال استراحت است، یا در حالت سکون در مدیتیشن است، شما صحنه‌ای در بُعد دیگری می‌بینید، یا در حقیقت با موجودات از بعدی دیگر در تماس هستید. این تجربه بی‌نهایت واقعی است. آن یک رؤیا نیست، بلکه یک تجربه واقعی است. کارمای فکری در ذهن تان یا عقاید مختلف تان نیز شاید وقتی خواب هستید چیزهای مختلفی را به ذهن تان منعکس کند. آن چیزی از آگاهی اصلی شما نیست، پس نیازی نیست به آن رسیدگی کنید.

پرسش: چگونه فردی بدون تحصیلات می‌تواند فالون دافا را کاملاً درک کند؟ آیا می‌تواند تا کمال تزکیه کند؟

**استاد:** افراد بدون تحصیلات مطمئناً می‌توانند دافا را بفهمند. مثال‌های زیادی مانند این در چین وجود دارد. بسیاری از افراد مسن چینی در دوران کودکی خود شرایط زندگی فقیرانه‌ای را تجربه کردند. آنها استطاعت نداشتند به مدرسه بروند، برای همین بسیاری بی‌سواد هستند. متوجه شدم که این افراد در طول روند تزکیه عقب نمانده‌اند، و حتی بسیار خوب تزکیه کرده‌اند. مخصوصاً در طول دوره تزکیه، ذهن پاک آنها می‌تواند به هنگام خواندن کتاب‌های دافا شگفتی بیافریند. ایمان استوار آنها به فا حتی تحسین بودها، دائوها، و خدایانی که پشت محتوای دافا هستند را برانگیخته است. تعداد بسیار زیادی از چنین معجزاتی بوده است.

بگذارید به عنوان مثال بگوییم، شخصی بود که نمی‌توانست بخواند، اما می‌دید که همه تمرین‌کنندگان دیگر در حال پیشرفت هستند، کتاب‌ها را می‌خوانند، یا حتی فا را از برمی‌کنند. او فکر کرد: «من حتی یک کلمه هم نمی‌توانم بخوانم، چه کار می‌توانم انجام دهم؟» او عمیقاً نگران بود. افکار درست او واقعاً از قلب حقیقی‌اش بود. بسیاری از افراد در این موقعیت به سختی مطالعه می‌کنند و به تدریج می‌توانند بخوانند. نمونه‌های بسیاری مانند این هست. شاگردی که نمی‌توانست بخواند بسیار نگران و مشتاق بود. بارها و بارها فکر کرد: «باید چه کار کنم؟» درحالی که سرش روی کتاب بود به خواب رفت. وقتی که نیمه‌خواب، نیمه‌بیدار بود متوجه شد که تمام حروف در کتاب، طلایی شدند و هر کلمه به مغز او پرواز می‌کرد. بعد از اینکه بیدار شد، می‌توانست کل کتاب را بخواند، اما هرگز به مدرسه نرفته بود. فردی که حتی نمی‌دانست چگونه نام خود را بنویسد حالا می‌توانست هر کلمه در *جوآن فالون* را بخواند. این پدیده کاملاً رایج است، اما نمی‌تواند از طریق طلب کردن کسب شود. نمی‌توانید فکر کنید از آنجاکه این نوع اتفاق روی داده است، شما نیز می‌توانید آن را امتحان کنید. در این صورت آن را با قصد یا با یک وابستگی انجام خواهید داد. در مورد این فرد، او درباره بدست آوردن چیزی فکر نمی‌کرد. صرفاً بطور حقیقی نگران بود فا را کسب نکند. قلبش متفاوت بود. به همین دلیل گفتم که وقتی شما فا را با ذهنی درست و واقعی مطالعه می‌کنید، عزم‌تان قابل توجه است. حتی خدایان فکر خواهند کرد که اراده‌تان واقعاً چشمگیر است، و از اینرو معجزات می‌توانند روی دهند.

البته نسخه انگلیسی *جوآن فالون* همان تأثیر [نسخه چینی] را دارد. و این فقط در مورد ترجمه انگلیسی صدق نمی‌کند؛ برای تمام نسخه‌ها به زبان‌های دیگر همین‌طور است. فقط این‌گونه است که این فا بطوری گسترده در کشورهای دیگر شناخته شده نیست، بنابراین محیط تزکیه مانند آنچه اکنون در چین است توسعه نیافته است. مردم در چین درکی نسبتاً عمیق از دافا دارند، پس یک محیط تزکیه شکل گرفته است که در آن می‌توانند انگیزه‌ای برای حرکت به سوی بالا داشته باشند.

پرسش: آیا برای فرد لازم است قبل از اینکه بتواند فالون دافا را تمرین کند از مذهب خود دست بکشد؟

**استاد:** در مورد مذاهب، درباره این موضوع بارها صحبت کرده‌ام. من مخالف این نیستم که به هر مذهبی مشغول باشید. روش ما مذهبی سازمانی نیست، پس ما را این طور در نظر نگیرید. اما اصلی را نیز به شما می‌گویم: تزکیه موضوعی بسیار مهم است. عمل به یک مذهب، تزکیه است. آن قطعاً تزکیه است. اگر بخواهید در یک زمان این و آن را تزکیه کنید، آنگاه دقیقاً در حال تزکیه چه چیزی هستید؟ نمی‌توانید در روش تزکیه‌ای به کمال برسید زیرا فقط یک راه را تزکیه نکردید. بنابراین به همه می‌گویم این به خود شما بستگی دارد که چه چیزی را برای تزکیه برمی‌گزینید. اما این را نیز به شما می‌گویم که باید فقط یک راه تزکیه را دنبال کنید. فقط با پیروی از یک راه تزکیه می‌توانید به کمال برسید.

چون موضوع مذهب به میان آمد، می‌خواهم چند کلمه‌ای بیشتر بگویم. ممکن است خبرنگارانی اینجا باشند که به این موضوع علاقه‌مند هستند. گفته‌ام ما مذهبی سازمانی نیستیم. کنفرانس ما در اینجا صرفاً توسط شاگردان به شکلی داوطلبانه سازمان یافته و شروع به کار کرده است. از آنجاکه آنها با هم تمرین‌ها را انجام می‌دهند و همگی، شاگردان محلی اینجا در کانادا هستند، صرفاً خواستند تجربیات خود را با هم به اشتراک بگذارند. تمرین‌کنندگان در مکان‌های دیگر نیز همین کار را انجام داده‌اند. همه آنها هر آنچه که در توان دارند را داوطلبانه انجام داده‌اند. برخی رفتند که یک سالن همایش اجاره کنند؛ برخی مسئول جمع کردن برگه‌های [تبادل تجربه‌ها] هستند؛ برخی این کار را انجام دادند، برخی کار دیگر را - به این شکل این کنفرانس برگزار شد. دافا از نظر شکل شبیه یک مذهب سازمانی نیست.

یک مذهب سازمانی، مکانی برای عبادت دارد یا، اگر مکانی برای عبادت نداشته باشد، نوعی از محیط، محل یا اداره را دارد. ما هیچ یک از اینها را نداریم. هر یک از ما عضوی از جامعه هستیم و شغلی داریم؛ ما کاری که قرار است انجام دهیم را انجام می‌دهیم. فقط این طور است که در وقت‌های آزاد خود مطالعه می‌کنیم، تزکیه می‌کنیم و تمرین‌ها را انجام می‌دهیم. همگی ما به این صورت هستیم، بنابراین آن حتی نزدیک به یک مذهب سازمانی بودن هم نیست. ما نه مراسم عبادت داریم و نه احکام مذهبی، مانند آنچه در بودیسم است. در مذاهب سازمانی، قوانین مشخصی وجود دارد که باید تبعیت کنید، و اگر از آن قوانین پیروی نکنید، قابل قبول نیست. ما هیچ یک از آنها را اینجا نداریم. می‌توانید به میل خود بیایید و بروید، و هیچ کسی شما را اداره نمی‌کند یا شما را محدود نمی‌کند. مسئولیت‌هایی که شاگردان در حال تزکیه به عهده دارند در این بُعد عادی بشری منعکس نمی‌شود. بنابراین چرا باید خود را به زحمت انداخت و به تشریفات مردم عادی چسبید؟ دافا هیچ تشریفات ندارد، پس چگونه می‌توانید آن را مذهبی سازمانی بنامید؟ ما هیچ ثبت‌نام اعضا نداریم که حاوی اسم و آدرس باشد. ما آن را نداریم. بلکه برخی تمرین‌کنندگان داوطلبانه به دیگران خدمت می‌کنند. برای مثال، یک شاگرد خود را معرفی می‌کند و می‌گوید هر کسی بخواهد تمرین‌ها را بیاموزد به او مراجعه کند. او می‌خواهد برای دیگران کاری انجام دهد، و آن را تماماً داوطلبانه انجام می‌دهد. هنوز، برخی افراد ممکن است این را درک نکنند و آن را مذهبی بنامند. برای آن افراد، به جز مذهبی که بطور وسیع در گذشته تصدیق شدند، همه چیز فرقه یا بدعت‌گذاری است. بنابراین می‌گویند شما عضوی از یک فرقه هستید. یک فرقه چیست؟ روش ما در شکل یک مذهب نیست، چه برسد به فرقه. هر کسی می‌داند که یک فرقه خصوصیات زیر را دارد: از راه‌های نادرست ثروت جمع می‌کنند، مردم را فریب می‌دهند، یا مردم را به اجرای اعمال شیطانی هدایت می‌کنند. آنها راستین نیستند؛ شیطانی هستند. در مقابل، آنچه ما انجام می‌دهیم، این است که از همگی شما می‌خواهیم خودتان را تزکیه کنید و مهربان باشید. باید هر جایی که کار می‌کنید کار خود و شغل خود را به خوبی انجام داده و ملاحظه دیگران را بکنید. باید در ذهن دیگران افراد خوبی باشید. وقتی از شما می‌خواهم که تمام این کارها را انجام دهید آیا این فرقه‌ای است؟ از شما نمی‌خواهم کاری غیر از اینها انجام دهید. صرفاً از همه شما می‌خواهم که بهتر عمل کنید، یک فرد خوب باشید، یا حتی فرد بهتری باشید. از شما می‌خواهم حتی بهتر از یک فرد عادی خوب باشید. عاقبت یک شخص فوق‌العاده خواهید شد، و به کمال خواهید رسید.

پرسش: من کاتولیک هستم و همیشه احساس می‌کنم عبادت‌هایم یک پاسخی دارند. آیا می‌توانم فالون دافا را تزکیه کنم و همزمان به عبادت ادامه دهم؟

**استاد:** همان نظر را دارم: شما باید فقط یک روش تزکیه را تمرین کنید. بدون توجه به اینکه چه راهی را انتخاب می‌کنید که در آن تزکیه کنید، من مداخله نخواهم کرد؛ می‌توانید در هر روشی که بخواهید تزکیه کنید. اما به شما توصیه می‌کنم که اگر می‌خواهید تزکیه کنید، باید فقط یک روش تزکیه را برگزینید. نمی‌توانید این و آن روش را در یک زمان دنبال کنید. این را به شما می‌گویم که در قبال شما مسئول باشم. اگر فکر می‌کنید که می‌توانید با پیروی از کلیسای کاتولیک به بهشت بروید، پس پیش بروید. هیچ مخالفتی ندارم. از سوی دیگر، اگر فکر می‌کنید که با تزکیه در فالون دافا می‌توانید به کمال برسید، پس پیش بروید و تزکیه کنید. من این‌گونه به این موضوع نگاه می‌کنم. هیچ راهی برای اجبار شخص نیست که این یا آن را انجام دهد. اگر در ذهن‌تان نخواهید آن را انجام دهید، حتی اگر شما را بطور فیزیکی آنجا قفل کرده و مجبور به انجام آن کنید، عملی نیست. چه فایده‌ای دارد اگر ذهن‌تان آنجا نباشد؟ پس به این شکل تشریفات چیزی نیست که به آن اهمیت دهم. فقط وقتی عملی است که شما خودتان بخواهید آن را انجام دهید.

به هر حال، یک خبرنگار قبلاً سؤالی از من پرسید، می‌گفت: «آیا فکر می‌کنید آنچه انجام می‌دهید در جهان درست‌ترین است؟» من گفتم که فکر می‌کنم آنچه انجام می‌دهم درست‌ترین است. (تشویق) حتی یک ریال از شما جمع‌آوری نمی‌کنم، بلکه فقط چیزهایی به شما می‌دهم. من مطمئناً راستین‌ترین کار را انجام می‌دهم! من کارها را برای نفع شما انجام می‌دهم، تا اینکه بتوانید حقیقتاً به کمال برسید. بدون شک درست‌ترین کار را انجام می‌دهم. همچنین می‌خواهم از این فرصت استفاده کنم تا به همه شما بگویم من مخالف هیچ مذهبی نیستم، و مخصوصاً آن مذاهب راستین مانند کاتولیسم، مسیحیت، یهودیت، و غیره. من هرگز مخالف مذاهب نبوده‌ام، و آن شامل بودیسم نیز می‌شود. اما آیا شما می‌توانید در آن مذاهب به کمال برسید؟ چه کسی می‌تواند به شما کمک کند در آن مذاهب به کمال برسید؟ این واقعاً سؤال برانگیز است. فکر می‌کنم برای خاطر حیات ابدی خودتان، تفکر درباره آن ایده خوبی است. به جرأت می‌توانم بگویم که اگر شما بطور جدی فالون دافا را تمرین کنید، به شما کمک خواهد کرد که به کمال برسید. اگر اکنون در موقعیت متفاوتی هستید یا در مذهب دیگری هستید، پیش بروید و از روحانی یا مؤسس آن مذهب این سؤال را بپرسید: «آیا می‌توانی به من کمک کنی به کمال برسم؟» اگر بتواند این کار را انجام دهد، پس پیش بروید و در آن روش تزکیه کنید. این تمام چیزی است که مایل بودم درباره این موضوع بگویم.

پرسش: آیا بین احساسات و یوان<sup>۱</sup> رابطه‌ای وجود دارد؟ این امکان وجود دارد که بالا و فراتر از احساسات رفت، اما آیا امکان دارد بالاتر و فراتر از یوان رفت؟

**استاد:** احساسات و یوان دو چیز متفاوت هستند، و دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند. در مورد احساسات، آن را کاملاً روشن کرده‌ام. موجودات بشری برای چه زندگی می‌کنند؟ آنها فقط برای احساسات زندگی می‌کنند. بدون توجه به اینکه امروز چه چیزی دوست دارید و چه چیزی را ترجیح می‌دهید، خوشحالی شما، عصبانیت، غم، یا شادی، آنچه دوست دارید یا متنفر هستید که انجام دهید، چطور یک شغل را می‌خواهید و شغل دیگر را نمی‌خواهید، چطور یک نفر را دوست دارید و دیگری را دوست ندارید، اینکه چگونه به کسی عشق می‌ورزید و عاشق دیگری نیستید، یا اینکه چطور یک چیزی را می‌خواهید و چیز دیگر را نمی‌خواهید - تمام آرزوهای شما از احساسات می‌آید. بنابراین موجودات بشری فقط به خاطر احساسات زندگی می‌کنند. اگر می‌خواهید تزکیه کنید، باید بالاتر و فراتر از این احساسات بروید. اگر نتوانید احساسات را پشت سر بگذارید، آنوقت درون احساسات زندگی می‌کنید. احساسات به شیوه‌های بسیاری در موجودات عادی بشری نمایش داده می‌شود. هر چه به آن وابسته هستید، هر آنچه دوست دارید تماماً وابستگی‌هایی هستند که نمی‌توانید از آنها دست بکشید.

اکنون اجازه دهید درباره «یوان» صحبت کنم. برخی افراد امروز به اینجا آمده‌اند. من با شما به عنوان موجودی بشری رفتار می‌کنم، بدون توجه به اینکه چه هدفی شما را به اینجا کشانده است - گزارش اخبار، کسب فایده، گرفتن برخی اطلاعات، در جستجوی اخبار بودن. نظر به اینکه به اینجا آمده‌اید، با شما به عنوان یک موجود بشری رفتار می‌کنم. صرفاً اینطور است که انواع مختلف شغل وجود دارد. حتی اگر یک جاسوس باشید، هنوز قلبی انسانی دارید، بنابراین با شما به عنوان یک فرد عادی رفتار می‌کنم. نوع کاری که انجام می‌دهید اهمیتی ندارد. تمام شغل‌ها در اجتماع بشری چیزی بیشتر از کار مردم عادی نیستند. شما

قادر بوده‌اید به اینجا قدم بگذارید و به آموزش فای من گوش دهید، و بطور خاص فای بودا را شنیده‌اید. آیا این ناشی از *یوان* شما نیست؟ امیدوارم این را ارزش بگذارید. البته وقتی درباره *یوان* با شرحی واقعی صحبت می‌کنیم، انواع مختلف و جنبه‌های مختلف زیادی وجود دارد، زیرا *یوان* یک نوع رابطه از پیش تعیین شده است. برای مثال، در یک زندگی قبل، این شخص به دیگری چیزی بدهکار شد، یا کار بدی مرتکب شد. در زندگی بعدی این دو باید دوباره با هم مواجه شوند؛ او باید آنچه که بدهکار است را بپردازد. این نوعی از *یوان* رنجش است. اما اگر شما در زندگی قبل خیلی خوب با او رفتار کرده باشید، و او قسم بخورد هرطور که باشد جبران کند، حتی با تبدیل شدن به حیوان بارکش برای شما، برای اینکه در زندگی بعدی به شما بپردازد، آنوقت شاید در آن زندگی حیوان بارکش شما شود. ممکن است زن شما شود، یا شاید شوهر شما شود. یا شاید فردی شود که بسیار به شما کمک کند. این نوع دیگری از ارتباط است، که *یوان* قدردانی نامیده می‌شود. *یوانی* که در ارتباط با دافا است *یوان* کاملاً باشکوهی است. شاید ما در زمانی خویشاوند یا دوستان خوبی در میان مردم عادی بودیم. هر کدام از اینها می‌تواند رابطه تقدیری را ایجاد کند تا اینکه ما بتوانیم این *یوان* را در آینده برآورده سازیم. وضعیت اینگونه است. با وجود این، من امیدوارم شما به دافا آسیب نزنید. آن می‌تواند سبب بدترین نوع *یوان* شود. هرگز قادر به پرداخت آن نخواهید بود، و با این حال باید برای همیشه به خاطر آن بپردازید.

پرسش: وقتی با امتحانات بزرگ مواجه می‌شوم کاملاً خوب عمل می‌کنم، اما از برخی حیوانات کوچک، مانند گربه و سگ، و حتی پروانه و پشه، می‌ترسم.

**استاد:** پس شما کمی ترسو هستید. ترسو بودن در حقیقت نوعی وابستگی است، که توسط افکار تان ایجاد شده است. برای مثال، شاید وقتی کوچک بودید از حشرات متنفر بودید. آنها را دوست نداشتید و حتی وقتی آنها را می‌دیدید احساس می‌کردید که کثیف هستند. این ذهنیت به تدریج شکل می‌گیرد، تا اینکه در نهایت نمی‌خواهید به آنها دست زده یا نزدیک آنها بروید. از اینکه به شما نزدیک شوند می‌ترسید. کم‌کم، بیشتر و بیشتر خواهید ترسید. این توسط ذهنیت بشری که پس از تولد شکل گرفته، ایجاد می‌شود. در حقیقت، آن به‌عنوان نوعی از وابستگی ظاهر می‌شود. اما این نوع وابستگی با انواع دیگر متفاوت است. وقتی ایده روشنی از آنچه که می‌خواهید، دارید، و اینکه چگونه می‌خواهید آن را بدست آورید، آن نوعی ذهنیت شکل گرفته شده پس از تولد را منعکس می‌کند.

پرسش: در رؤیاهایم همیشه در حال نجات مردم هستم. درکم این است که باید فا را ترویج دهم تا مردم بیشتری فا را کسب کنند.

**استاد:** این مانند چیزی است که اکنون درباره *یوان* گفتیم. شاید آن به *یوانی* مربوط است که شما در زندگی خود در بُعدهای مختلف بنا گذاشته‌اید. اما، این مستقیماً به تزکیه و رشد مربوط نیست. فقط بطور محکم به دافا بچسبید و تزکیه کنید. بدون توجه به اینکه با چه چیزی مواجه می‌شوید، چه چیزی می‌بینید یا چه رؤیایی می‌بینید، فقط بطور محکم در دافا پابرجا باشید. تمام چیزهایی که با آن مواجه می‌شوید، می‌بینید، یا خواب می‌بینید چیزی بیش از تجلیات یک حالت در تزکیه شما نیستند. برای مثال، آن صرفاً مانند کسی است که توانایی‌های فوق‌طبیعی بسیاری دارد، اما نمی‌خواهد حتی آنها را امتحان کند یا آنها را بررسی کند. حتی یک بار هم نمی‌خواهد آنها را بکار ببرد. احساس نمی‌کند که چنین تمایلی داشته باشد.

پرسش: آیا این حقیقت دارد که بوداها، داتوها، و خدایان از سطوح مختلف وقتی امور خود را اداره می‌کنند از تغییرات کیهانی پیروی می‌کنند؟

**استاد:** خواسته‌های خدایان سطح بالای بزرگ، شرایط کیهانی است. اعمال تمام خدایان تجلیات خاص آن شرایط کیهانی است. آن خدایان همگی از خواست آسمان حمایت می‌کنند. حتی یک رویداد در اجتماع عادی بشری تصادفی نیست، بنابراین بدون توجه به اینکه تمایل بشری چقدر قوی است، یا مردم می‌خواهند چه کاری انجام دهند، یا چقدر به خوبی چیزی را طرح‌ریزی

کرده‌اند، صرفاً نمی‌توانند به آن دست یابند. یک ملت، یک کشور، یا حتی رئیس‌جمهور یک کشور ممکن است خیلی خوب امور را برنامه‌ریزی کرده باشد، اما معمولاً آنها متوجه می‌شوند که قابلیت‌شان برای برآورده ساختن خواسته‌هایشان ناکافی است. در مورد یک موجود بشری، بدون توجه به اینکه چه چیزی طرح‌ریزی کرده‌اید، می‌خواهید چه کاری انجام دهید، یا از چه چیزی می‌ترسید، آنچه قرار است بگیری را دریافت خواهید کرد، و چیزی که قرار نیست را دریافت نخواهید کرد. از نظر من، هر چیزی از پیش تعیین شده است. موجودات بشری صرفاً مسئولیت‌های خود را برپایه آنچه از پیش تعیین شده، انجام می‌دهند. آنوقت سؤال بعدی این است که: از آنجاکه آن از پیش تنظیم شده است، پس آیا ما نباید فقط با جریان پیش برویم؟ یک موجود بشری هنوز یک موجود بشری است. چون او در میان سردرگمی است، به آن باور ندارد. او هنوز مبارزه و رقابت خواهد کرد. هر کاری بخواهد انجام می‌دهد، و از این کارها کارما ایجاد می‌کند.

چه کسی، حتی در عالم اموات، می‌تواند تضمین کند که صاحب موقعیتی عالی‌رتبه در زندگی خواهد شد؟ بسیاری از افراد از مقام و موقعیت خود استفاده می‌کنند تا کارهای خوب زیادی در زندگی خود انجام دهند. وجود یک زندگی برای این نیست که یک موجود بشری بود، بنابراین فقط به خاطر اینکه بدن بشری‌تان مرده است زندگی‌تان از هستی ساقط نمی‌شود. از اینرو، زندگی شما هنوز ادامه دارد. به این دلیل، آن موجودات بشری که نسبتاً دانا و واقعاً باهوش هستند از فرصت‌های مساعد خود استفاده خواهند کرد تا شرایط حتی بهتری برای زندگی آینده خود ایجاد کنند. به عبارت دیگر، آنها اعمال خوب بسیاری انجام می‌دهند. از سوی دیگر، هنوز کسانی هستند که از قدرت خود استفاده می‌برند تا کارهای بد انجام دهند. این تنها کاری است که یک موجود بشری می‌تواند انجام دهد. یعنی، هرگاه چیزی اتفاق می‌افتد، اینکه چه کاری انجام می‌دهید یا اینکه کار درست را انجام می‌دهید یا اشتباه، انتخاب خودتان است. بنابراین این نوع وضعیت وجود دارد، و موجودات بشری در این مورد متفاوت رفتار می‌کنند.

*پرسش: اصلاح کردن به این معنی است که در جستجوی درون خود بود. آیا شکل‌گیری، ثبات، و انحطاط به معنای اصلاح خودکار است؟*

**استاد:** مسئله شکل‌گیری، ثبات، انحطاط، و اصلاح هیچ ارتباطی با تزکیه انفرادی شما ندارد. تزکیه این است که درون خود را بررسی کرده و کوتاهی‌های خود، وابستگی‌ها و افکار بد را یافت، و همین‌طور راه‌هایی پیدا کرد تا بهتر تزکیه کرده و از افکار بد خود خلاص شد. این تزکیه از طریق بررسی درون خود است. شکل‌گیری، ثبات، و انحطاط الگویی است که در جهان اتفاق می‌افتد، و وقتی چیزی دیگر خوب نباشد نیاز به اصلاح دارد، این موضوعی است که بیشتر با فایده ارتباط دارد تا با تزکیه شخصی.

*پرسش: از آنجاکه ما بعد از رسیدن به کمال اصول سطوح بالاتر را نمی‌دانیم، آیا ممکن است با ارتکاب به اشتباه دوباره سقوط کنیم؟*

**استاد:** همه می‌خندند. به عبارت دیگر، شما هنوز موضوعات مربوط به موجودات روشن‌بین را با افکار بشری تصور می‌کنید. نه هرگز قادر خواهید بود به آن شکل آن را درک کنید، و نه اینکه آن امکان‌پذیر است. بعد از اینکه یک فرد به کمال می‌رسد، او ذهن یک خدا را دارد، نه ذهن یک موجود بشری. شیوه تفکر و نقطه شروع او برای فکر کردن کاملاً با تفکر یک موجود بشری متفاوت است. از آن گذشته، محیط و قلمرویی که او در آن است نیز متفاوت است، اصلاً مشابه نیست. مفهوم درک نکردن اصول وجود ندارد، زیرا اگر اصول آن سطح را درک نکنید شما نمی‌توانید به آن سطح برسید. چرا این‌طور است؟ آیا می‌دانید چرا به شما گفته شده است که در طول تزکیه، فا را بیشتر بخوانید و کتاب را بیشتر بخوانید؟ وقتی به سطح بخصوصی برسید، باید اصول آن سطح و فای آن سطح را بدانید تا اینکه بتوانید در آن سطح باشید. اما چون بدن بشری شما هنوز در حال تمرین تزکیه است قطعاً افکار بشری خواهید داشت. اجازه داده نمی‌شود که یک ذهن بشری اصول بسیار زیادی از فا را بداند، بنابراین سمت بشری شما مجاز نیست درباره درک فا در طول تزکیه، زیاد بداند.



در *جوآن فالون* فقط به طور کلی فا را به شما آموزش می‌دهم تا اینکه خودآگاه حقیقی شما را بیدار کنم. چطور موجودات بشری می‌توانستند مجاز باشند که درباره فای واقعی بدانند؟ بنابراین در طول تزکیه‌تان صرفاً می‌توانید احساس کنید که ناگهان یک موقعیت را درک می‌کنید، یا اینکه ناگهان یک اصل را درک می‌کنید، اما معمولاً نمی‌توانید آن را به زبان بشری توضیح دهید. به محض اینکه آن را بگویید، دیگر همان نیست. اما هرگاه آن اصل را درک می‌کنید، درحقیقت در آن سطح هستید. شما فقط اجازه دارید بطور کلی درباره آن اصل بدانید، یک تکه کوچک ساده و مختصر. اگر فردی اجازه می‌داشت اصل عظیم خاصی را به‌طور کامل بداند، آیا سمت بشری آن فرد در سطح یک بودا نمی‌بود؟ آن چگونه می‌تواند مجاز باشد؟ نمی‌تواند مجاز باشد. شما هنوز در حال تزکیه هستید و وابستگی‌های بشری دارید که باید از آنها خلاص شوید، بنابراین آن نمی‌تواند برای شما آشکار شود. صرفاً این اندازه اجازه دارید بدانید، اما آن نیز تجلی رشد و بهبود شما است. پس به هر سطحی که تزکیه کرده باشید، اصول آن سطح را خواهید دانست. در لحظه‌ای که آن بخش از شما که تزکیه را کامل کرده از شما جدا می‌شود، آن پیشاپیش تمام اصول آن سطح را دانسته است.

*پرسش: همانطور که جریان موج شن را غربال می‌کند و افراد دستخوش آزمایش‌ها و سختی‌های بزرگ می‌شوند، برخی ممکن است سقوط کنند یا تسلیم شوند. در آن زمان‌ها، آیا باید در آن میان به آنها کمک کنیم یا بگذاریم خودشان با آن دست و پنجه نرم کنند؟*

**استاد:** تزکیه صرفاً مانند این است که جریان موج، شن را از طلا جدا می‌کند. آنهایی که نمی‌توانند تحمل کنند احتمالاً غربال می‌شوند. آنچه باقی می‌ماند طلای درخشان است، طلای واقعی که می‌تواند حقیقتاً به کمال برسد. فقط این طور است که اینها تعداد کمتری هستند. تزکیه موضوعی جدی است، بنابراین وقتی فرد از میان امتحان‌های سخت و محنت‌ها می‌گذرد، مطلقاً نمی‌تواند در لحظه‌ای حساس بی‌دقت باشد. این مهم‌ترین چیز است که دیده شود قدم بعدی که او برمی‌دارد چیست و او چگونه آنها را درک می‌کند. از آنجاکه این را می‌بینید، اگر می‌توانید او را کمک کنید، پس کمکش کنید. این خوب است که به او بگویید و بیدارش کنید. البته در تزکیه، این از پیش تعیین شده است که او چگونه باید هر آزمایش سخت را اداره کند، چگونه باید با محنت‌ها دست و پنجه نرم کند، و چگونه باید از هر وابستگی رها شود. اگر او فرصت را از دست بدهد، بطور معمول بسیار سخت است که برگردد، مخصوصاً در موقعیتی بحرانی و حساس که تعیین می‌کند آیا او می‌تواند به کمال برسد یا خیر. اگر کسی آزمایش‌های سخت و مهم را نگذراند، آنوقت واقعاً این نوع فرصت خوب را از دست خواهد داد. شاید شانس دیگری داشته باشد، اما فقط می‌توانم بگویم «شاید». فقط مطالعه فا بطور بسیار کامل و ساختن بنیانی بسیار محکم، به شما کمک می‌کند آن امتحان سخت را بگذرانید. آن چیزی نیست که صرفاً بخواهید و بتوانید به لحاظ ذهنی آمادگی داشته یا به نتیجه مطلوب برسید.

*پرسش: هرگاه شما را می‌بینم یا سخنرانی‌هایتان را تماشا می‌کنم چشمانم از اشک پر می‌شود. برخی افراد فکر می‌کنند این عجیب است. چگونه می‌توانم این را به آنها توضیح دهم؟*

**استاد:** نیازی ندارید توضیح دهید زیرا نیازی ندارید تزکیه خود را به دیگران نشان دهید. در موقعیت تزکیه، شما خودتان را تزکیه می‌کنید، و خودتان در حال رشد هستید. در مورد این نوع از اشک‌ها، بسیاری از شما در حقیقت از این مرحله گذشته‌اید. بیشتر شما از این گذشته‌اید، بنابراین تنها کسی نیستید که آن را تجربه می‌کنید. بعضی افراد زندگی پس از زندگی دیگر منتظر بوده‌اند تا این فا را کسب کنند. بعد از رنج کشیدن بسیار زیاد و تجربه انواع و اقسام سختی‌ها، عاقبت این فا را پیدا کردند. همگی درباره آن فکر کنید: آن چه احساسی است! یک موجود بشری جنبه‌ای دارد که درک می‌کند و همچنین جنبه‌ای که درک نمی‌کند. ظاهری‌ترین جنبه یک موجود بشری گم شده و ناآگاه است، اما جنبه‌ای که در بُعد دیگر وجود دارد بی‌نهایت آگاه است. یک موجود بشری کارهایی انجام داده است که خوب یا بد هستند. ارزیابی صورت گرفته از او و جزای کارمایی او کاملاً منصفانه است. ممکن است بگویید ناآگاه بودید، اما صرفاً در سطح ظاهر از آن ناآگاه بودید، زیرا به درون جهالت سقوط کرده‌اید. به همین دلیل است که ناآگاه هستید، اما همچنین جنبه‌ای دارید که آگاه است.

پرسش: بعضی افراد درباره اشاعه فا بسیار اشتیاق دارند، درحالیکه دیگران اشتیاقی ندارند. چرا این تفاوت وجود دارد؟

**استاد:** بعضی افراد صرفاً تمایلی به انجام آن ندارند. این طور نیست که آنها نمی‌توانند تزیه کنند؛ در حقیقت، شاید خیلی خوب تزیه کرده‌اند. فقط این طور است که اشتیاقی برای انجام آن ندارند. تعداد بسیاری از این افراد وجود دارند.

از سوی دیگر، افرادی هستند که تمایل دارند و می‌خواهند برای دیگران کارهای خوب انجام دهند. این افراد در اقلیت نیستند. آن هیچ ارتباطی به توانایی تزیه یا رسیدن به کمال ندارد. اما فکر می‌کنم چون تمرین کنندگان باید به فکر دیگران باشند، حالا که عالی‌ترین چیز را دریافت کرده‌اید، می‌خواهید به دیگران بگویید تا اینکه افراد بیشتری بتوانند نجات یابند. اغلب موضوع این است. به علاوه، گاهی اوقات ممکن است این طور باشد که شما می‌خواهید یک تعهد را به انجام برسانید یا در جستجوی دوستان و خویشان خود از زندگی‌های متعددی در گذشته‌تان هستید تا آنها بتوانند فا را کسب کنند.

پرسش: آیا کسانی که به فا باور ندارند روزی تشخیص می‌دهند که فرصت خود را از دست داده‌اند؟

**استاد:** شاید این فرصت را داشته باشند، شاید نداشته باشند، زیرا از منظر تاریخ هیچ کسی تا به حال به کسانی که از بین برده شده‌اند توجهی نکرده است. اما آنهایی که به خوبی تزیه نکردند، یا آنهایی که در ابتدا به طور کوشا آن را تمرین نکردند اما بعداً شروع می‌کنند به طور کوشا پیشرفت کنند درباره آن تأسف خواهند خورد. آنها این فرصت را خواهند داشت که برای آن افسوس بخورند.

پرسش: برای سالیان زیادی منتظر این دافا بوده‌ام. نمی‌توانم این سؤال را نپرسم: «چرا برای من این طور نظم و ترتیب داده شده که بسیار دیر فا را کسب کنم؟»

**استاد:** شاید بعد از ارزیابی کامل فرد، آن به این شکل تصمیم‌گیری شده، یا ممکن است به خاطر دلیل دیگری باشد. وقتی که فا در حال انتقال بود، ما هیچ رسانه یا تبلیغاتی برای انتشار آن به کار نبردیم. من آن مسیر را برگزیدم. این طور عمل نکردم زیرا دیده‌ام که چیزهای منحرف و ساختگی زیادی در تبلیغات از خود تعریف و تمجید می‌کنند. به این شکل، مردم به چیزهای واقعی توجهی نخواهند کرد، فکر می‌کنند شما هم در حال فریب آنها هستید. تحسین و تمجید از خود مانند آنهایی که در تبلیغات ظاهر می‌شوند این طور می‌بود که دافا خیلی سرسری تلقی می‌شود، بنابراین برای حفظ جدیت دافا تا بیشترین حد ممکن، هرگز آن مسیر را انتخاب نکردیم. برخی افراد به خاطر این شاید دیر فا را کسب کرده‌اند. بدون توجه به اینکه چه باشد، شما فا را کسب کرده‌اید، پس نباید زیاد به آن فکر کنید. فقط ذهن خود را آزاد کرده و تزیه کنید.

گفته‌ای در چین باستان وجود داشت، کسی که در سحر دائو را کسب می‌کند در غروب می‌تواند بمیرد. از آنجاکه شما اکنون فا را کسب کرده‌اید، از چه چیزی می‌ترسید؟ تنها چیزی که باقی می‌ماند این است که دیده شود چگونه تزیه خواهید کرد. در حقیقت، مردم زیادی با رابطه تقدیری هستند که هنوز فا را کسب نکرده‌اند. وقتی آن افراد بی‌مسئولیت در رسانه که واقعاً ما را درک نکرده‌اند اقدام به تهمت زدن به ما می‌کنند، آن مردم کاملاً شانس خود را از دست می‌دهند. واقعاً حیف است. اجتماع حال حاضر بشری تا چنین اندازه‌ای منحرف شده است که برخی خبرنگاران سعی نمی‌کنند واقعاً شما را درک کنند، بلکه همین‌طوری نظر می‌دهند یا منظور خود را بر پایه تصورات و باورهای خود شرح می‌دهند. آنها فکر می‌کنند آنچه که بعد از تولد آموخته‌اند یا دیده‌اند، حقیقت است؛ بنابراین جسارت انجام آن را به این طریق دارند. هم‌اکنون افراد بسیاری هستند که رابطه تقدیری دارند، و برخی که حتی رابطه تقدیری زیادی دارند، اما هنوز فا را کسب نکرده‌اند.

پرسش: قبل از مطالعه دافا من هم جنس‌باز بودم. واقعاً موضوع اهریمن شهوت را درک نکرده‌ام. مطمئن نیستم چطور باید این را حل کنم.

**استاد:** این طور به آن نگاه می‌کنم: اگر دافا را برای خاطر حل کردن این مسئله مطالعه می‌کنید، شاید در انتها آن را حل نکنید. به این خاطر که فا بسیار جدی است؛ آن برای موجودات بشری است که به کمال برسند. آن بطور سرسری آموزش داده نشد، تا مردم عادی مشکلات خود را حل کنند. از سوی دیگر، اگر شما حقیقتاً در تزکیه دافا مصمم هستید و می‌توانید در هر کاری که انجام می‌دهید خود را بر طبق استانداردهای یک تمرین‌کننده و تزکیه‌کننده حقیقی منضبط کنید، و اگر شما خود را بطور باز و موقرانه تزکیه کنید، فکر می‌کنم از این آزمایش سخت فوراً عبور می‌کنید. (تشویق) در حقیقت، وقتی بسیاری از شما نمی‌توانید آزمایش‌هایی که با آنها مواجه می‌شوید را بگذرانید، تماماً به این دلیل است که با آن چیزهای حقیر موجودات بشری کشیده می‌شوید و نمی‌توانید آنها را رها کنید. در نتیجه امتحان سخت طولانی خواهد شد. اگر بتوانید واقعاً وابستگی را جدا کنید و مسیری که می‌خواهید را برگزینید، همه چیز تغییر خواهد کرد. این مخصوصاً در مورد چیزهایی صدق می‌کند که به هنگام مطالعه فا مزاحم شما می‌شوند. آن می‌تواند سریع تغییر کند.

پرسش: مریدان به نظر می‌رسد که احترام خود به معلم را به شیوه‌ای نشان می‌دهند که بسیار تشریفات و احساسات بشری دارد.

**استاد:** به این نیز اشاره کرده‌ام. تاکنون، این نوع مسئله را قبلاً از من پرسیده‌اید و من پاسخ داده‌ام. به اینکه مسائل چه شکل و قالبی می‌گیرند اهمیت نمی‌دهم، اما بدون شکل‌هایی نظیر کنفرانس‌های تبادل تجربه یا تمرین‌های گروهی، مانند آنچه شما امروز برگزار می‌کنید، میدان صلح‌آمیز و هماهنگی که از جمع شدن تزکیه‌کنندگان دور هم ایجاد می‌شود، وجود نمی‌داشت. شما محیطی نمی‌داشتید که در آن، موضوعات صحبت در میان تزکیه‌کنندگان بر پایه درک‌های اصیل و باشکوه باشند. موضوعات مورد بحث در میان مردم در اجتماع عادی بشری، تماماً در مورد نفع شخصی هستند. موجودات بشری به صحبت درباره همان چیزها برای هزاران سال ادامه داده‌اند؛ تنها تفاوت امروز این است که اصطلاحات مدرن بیشتری به کار می‌رود. نداشتن یک محیط فراهم شده توسط تزکیه‌کنندگان مشکلات شدیدی را برای تزکیه‌تان، کمال‌تان، و کوشا بودن‌تان قرار خواهد داد. درست مانند چیزی است که امروز یک شاگرد در سخنرانی خود گفت: او احساس می‌کرد بعد از دو ماه مطالعه شخصی در خانه به‌خوبی عمل کرده است زیرا فکر می‌کرد کاملاً باهوش است. اما وقتی قدم به این محیط گذاشت تفاوت را احساس کرد. به خاطر این محیط، هر کسی می‌تواند به همدیگر کمک کند که ارتقاء یافته و رشد کند، که عالی است! در دنیای بشری شما نمی‌توانید حتی یک قطعه سرزمین پاک پیدا کنید. اگر به یک مکان مذهبی بروید، [خواهید فهمید که] آنچه امروزه آنها در مورد آن صحبت می‌کنند پول و سیاست است. حتی مسائل جنسی به درون مذاهب راه یافته است. فالون دافای ما تنها قطعه سرزمین مطلقاً پاک است. (تشویق)

برخی از خبرنگاران کاملاً درک نمی‌کنند که چرا بیش از صد میلیون نفر در حال مطالعه این روش هستند. آنچه اکنون گفتم پاسخی به سؤال آنها است. این تنها مکان باقی مانده از سرزمین پاک در دنیای بشری است. این نوع از محیط می‌تواند حقیقتاً اخلاقیات موجودات بشری را ترفیع دهد و آن را اصیل و باشکوه گرداند. آن می‌تواند آنان را به افرادی خوب تبدیل کند، و می‌تواند افراد بسیار بد را تغییر دهد و آنها را به بهترین حالت خود بازگرداند. اکنون آیا می‌توانید به من بگویید به غیر از دافا چه چیزی می‌تواند به تمام این دست یابد؟ ما می‌توانیم به این دست یابیم، و به همین دلیل است که افراد بسیار زیادی آمده‌اند.

پرسش: آیا لازم است تکه رگ مصنوعی که قبلاً در طول شیمی‌درمانی برای من نصب شده است، برداشته شود؟

**استاد:** درباره اعمال جراحی که داشته‌اید یا هر آنچه قبلاً انجام داده‌اید نگران نباشید. تا وقتی شما یک تزکیه‌کننده حقیقی هستید، هر چیزی می‌تواند اتفاق بیفتد. کمی پیش یک تزکیه‌کننده داشتیم که در پایش پین و صفحه استیل داشت. همین‌طور استخوان‌ها و برخی بخش‌ها جایگزین شده بودند. بعداً، او متوجه شد که تمام آنها بدون هیچ اثری ناپدید شدند، اما بدن او در شکلی عالی بود. (تشویق) اما از سوی دیگر، من اینجا نیستم که تمام این کارها را برای مردم عادی انجام دهم. من این را برای تزکیه‌کنندگان انجام می‌دهم تا اینکه بتوانند به کمال برسند. شخص هرگز نمی‌تواند این را با ذره‌ای وابستگی در طلب بودن بدست آورد.

پرسش: از وقتی مطالعه فالون دافا را شروع کردم، متوجه شدم که جریان انرژی درون بدنم قویتر و قویتر شده است. اکنون می‌توانم با میدان مغناطیسی بدنم اشیاء را جذب کنم، اغلب نیاز دارم در نور خورشید بمانم تا انرژی بگیرم.

**استاد:** بگذارید به شما بگویم که این در آغاز چیز خوبی است. بعداً، اما شما به آن وابسته شدید، و این وابستگی را شکل دادید. فکر کردید عالی است که چنین توانایی فوق‌طبیعی دارید، و به آن وابسته بودید. اما، هدف تزکیه و رسیدن به کمال در مقایسه با این توانایی اهمیت کمتری برای تان داشته است. از اینرو آن قدرت خود را از دست خواهد داد، و سپس حتی خود این توانایی را هم از دست خواهید داد. فکر می‌کنید که ظاهراً قادر هستید برای تجدید قوای آن انرژی خورشید یا دیگر انرژی‌ها را جذب کنید، اما متوجه خواهید شد که آن ضعیف‌تر و ضعیف‌تر می‌شود. آن نوع از تجدید قوا بسیار ناچیز است به طوری که تقریباً چیزی نیست.

به وضوح در جوآن فالون و هنگ بین به همه گفته‌ام که، «توانایی‌های فوق‌طبیعی چیزی به جز ابزاری ناچیز نیستند.» آنها محصولات جانبی در طول تزکیه هستند. هرگز نباید آنها را هدف تمرین تزکیه خود بدانید. اگر این‌طور باشد، هرگز به هیچ وجه قادر به رسیدن به کمال نخواهید بود. رشد وابستگی دیواری می‌سازد که مسیر شما به سمت کمال را سد می‌کند، و قادر نخواهید بود از بالای آن عبور کنید. فقط با دست کشیدن از تمام وابستگی‌های یک فرد عادی می‌توانید از روی آن عبور کرده و به سوی کمال حرکت کنید. برای بسیاری از شما که اینجا نشستید، لحظه‌ای که کوچکترین کاری برای کمک به شما می‌کردم، قدرت‌های الهی بزرگی به نمایش می‌گذاشتید. اما نمی‌توانم، زیرا باید بگذارم به کمال برسید. در سرتاسر تزکیه‌تان، بطور معمول برخی توانایی‌های فوق‌طبیعی ممکن است رشد کنند، بنابراین مهم در نظر نگرفتن آنها بهترین است. زیاد به آنها اهمیت ندهید، و آنها را در ذهن تان نگه ندارید. اگر آنها را دارید، پس آنها را دارید؛ مهم نیست. وقتی با بوداها و خدایان مقایسه شود آنها چه نوع چیزهایی هستند؟ توانایی‌های فوق‌طبیعی هدفی نیستند که شما در جستجوی آن باشید. آنچه شما در جستجوی آن هستید بسیار بالاتر و بزرگتر است، تا اینکه به کمال برسید. آنوقت شما قدرت‌های الهی بزرگی خواهید داشت، و چیزی نیست که آنها نتوانند انجام دهند. اگر محکم و راسخ باشید و همان‌طور که کمی قبل گفتم عمل کنید، توانایی‌های فوق‌طبیعی شما توسط انرژی در طول تزکیه به تدریج تقویت خواهند شد. فکر می‌کنم درک کرده‌اید که ارتباط بین اینکه آن می‌تواند چیزی خوب یا بد باشد به چه صورت است.

پرسش: در طول روند تزکیه‌مان، پیش از رسیدن به قلمرویی به بلندی مبدأ و سرمنشأ، آیا ماده اصلی می‌تواند تغییر کند؟

**استاد:** در واقع، شما فا را با دقت مطالعه نکردید. این چیزی است که گفتم: ما از میکروسکوپی‌ترین ماده زندگی تان و میکروسکوپی‌ترین ماده‌ای که حیات شما را خلق کرده است، تبدیل را شروع می‌کنیم. آنوقت میکروسکوپی‌ترین ماده زندگی شما کجاست؟ به شما نگفتم. آن می‌تواند بی‌نهایت میکروسکوپی باشد، یا نباشد. این معنای اصلی کلمات من است. ظاهری‌ترین بخش شما به قلمرویی به بلندی سرمنشأ نرسیده است. نمی‌گویم که هیچ یک از شما به آن قلمرو نرسیده‌اید، فقط این‌طور است که من تزکیه شما را معکوس کرده‌ام.

می‌دانید، در گذشته در چین، هر وقت مردم از تزکیه صحبت می‌کردند، مردم بسیاری از نواحی می‌توانستند آن را درک کنند. در طول روند تزکیه، تغییرات اغلب در سطح ظاهر شروع می‌شد. بدن فیزیکی ساخته شده از ذرات مولکولی شروع به تغییر می‌کرد، که لایه دوم ذرات مولکولی آن را دنبال می‌کرد. تغییرات بطور پیوسته به ذرات میکروسکوپی‌تر منتشر می‌شد و سپس به این شیوه ادامه می‌یافت. این مسیری است که آنها در روش‌های تزکیه خود برمی‌گزینند. در نتیجه، کمی بعد از اینکه آنها تمرین تزکیه را آغاز می‌کردند، قادر می‌بودند قدرت‌های الهی بزرگی را به نمایش بگذارند. سطح خارجی آنها بطور کامل به چیزی دیگر تبدیل می‌شد. اما همگی درباره آن فکر کنید: در حال حاضر، من این فا را در اجتماع عادی بشری آموزش می‌دهم، و بنابراین نمی‌توانم اجازه دهم تمرین‌کنندگان با اجتماع مردم عادی مداخله کنند چراکه آنها بخشی از آن هستند. همزمان، اجتماع عادی بشری می‌تواند محیطی برای تزکیه شما فراهم کند، پس ما نمی‌توانیم چنین محیطی را مختل کنیم. به همین دلیل است که شما همانند یک فرد عادی به نظر می‌رسید. شما نیاز دارید شغل و کارهایی داشته باشید که در جامعه انجام دهید. مردم

فرصت‌هایی برای شما فراهم می‌کنند تا در اجتماع عادی بشری تزکیه کنید. آنها برای شما دردسر درست کرده و درد ایجاد خواهند کرد، که از طریق آن می‌توانید خودتان را رشد داده و کارما را از بین ببرید. با به‌خوبی گذراندن هر امتحان سختی، خودتان را ارتقاء می‌دهید. در نتیجه، این محیط نمی‌تواند مختل شود.

فقط با مختل نکردن این محیط ما می‌توانیم اینجا تزکیه کنیم. آنوقت باید یک روش تزکیه باشد که مناسب این نوع از محیط است. آن باید باعث شود شما در سطح، کمتر از بخش‌های میکروسکوپی تغییر کنید. در گذشته، مردم با شروع از سطح ظاهر تبدیل می‌شدند، اما اکنون من وجود شما را با شروع از میکروسکوپی‌ترین سطح تبدیل می‌کنم. با وجود این، به شما می‌گویم که هیچ‌کسی در گذشته به این شیوه آن را انجام نداده است. آن به این خاطر است که برخی از موجودات بشری امروزه از سطوح بسیار بالایی آمده‌اند. حتی آنهایی که قصد داشتند شما را نجات دهند از سطوحی به بلندی سطوح شما نبودند، بنابراین چگونه می‌توانستند اصل و منشأ شما را تبدیل کنند؟ شاید درک کنید اکنون چه گفتم. این‌طور است که می‌گویم هیچ‌کسی در گذشته چنین کاری انجام نداده است، اما اکنون من انجام می‌دهم. اصل و منشأ شما خود واقعی شما است. آن منبع ذهن و افکار شما است؛ آن جایی است که انگیزه هر کاری که می‌خواهید انجام دهید از آنجا سرچشمه می‌گیرد. آن خود واقعی شما است. کلمات و حالت تفکری که شما در میان مردم عادی نشان می‌دهید صرفاً چیزی است که سطح به سطح، به سطح بیرون منتقل می‌شود. همان‌طور که آن در سطوح مختلف عبور می‌کند، افکار از سطوح و قلمروهای مختلف به آن اضافه می‌شود. وقتی به سطح بشری می‌رسد، آن به شکل کلمات، افکار و رفتارها تجلی می‌یابد.

میکروسکوپی‌ترین بخش شما خود واقعی شما است، و من تبدیل شما را از میکروسکوپی‌ترین سطح آغاز می‌کنم. اما این‌طور نیست که بگوییم سطح بیرونی شما اصلاً تغییر نمی‌کند. گذشته از اینها، شما یک تزکیه‌کننده هستید، و با یک فرد عادی تفاوت دارید. بنابراین باید آن چیزهایی که بر تزکیه شما تأثیر می‌گذارند را از بین ببرم و اکثریت بیشتر آن چیزهای بد را پاک کنم. حتی باید بیماری‌هایی که می‌تواند بر تزکیه شما اثر بگذارد را از بین ببرم. برخی افراد می‌گویند که فالون‌گونگ جادویی است؛ لحظه‌ای که آن را تمرین کنید بیماری‌ها و ناخوشی‌هایتان ناپدید می‌شوند. در حقیقت بله، یک تزکیه‌کننده واقعی فوراً تغییر خواهد کرد. بیماری‌ها و ناخوشی‌هایش فوراً برداشته خواهند شد. با این حال اگر شما با این هدف به اینجا می‌آید که از آنها رها شوید، هرگز به آن دست نمی‌یابید، زیرا من اینجا نیستم که آن را برای یک فرد عادی انجام دهم. من این را انجام می‌دهم تا تزکیه‌کنندگان را قادر کنم به کمال برسند.

*پرسش: آیا انرژی از یک رابطه جنسی عاشقانه می‌تواند به یک انرژی معنوی تبدیل شود؟*

**استاد:** به همه شما می‌گویم که آن هیچ انرژی ندارد. آن چیزی به جز احساسات و حرارت بدن بشری نیست. آن نوعی هیجان ایجاد شده از وابستگی شدید شما به احساسات‌تان به علاوه غرایز بدن بشری‌تان است. در مورد این نوع از هیجان، افراد در زمینه پزشکی می‌دانند که وقتی می‌خواهید به آن هیجان برسید، ماده‌ای که کالری نامیده می‌شود نیاز است. وقتی که آن مصرف شود آرام خواهید شد و احساس خستگی خواهید کرد. شاید متوجه شده باشید که چگونه برخی از افراد جوان احساس می‌کنند بسیار پر انرژی هستند و همیشه نیاز دارند کاری انجام دهند، و بنابراین وقتی راه می‌روند حتی جست و خیز می‌کنند. آنها صرفاً حرارت بدنی بسیار زیادی دارند. پس آن شکلی از انرژی نیست و آن را هرگز به عنوان شکلی از انرژی در نظر نگیرید.

*پرسش: وقتی ما با حقیقت جهان در هماهنگی هستیم، شکلی که به آن صورت وجود داریم چگونه خواهد بود؟*

**استاد:** قبلاً هرگز چیزی مانند آن را به شما نگفته‌ام. شاید از روش‌های چی‌گونگ دیگر مانند چی‌گونگ مدرسه دائو چیزهای خاصی را آموخته باشید. وقتی هر چیزی که یک فرد انجام می‌دهد از الزامات فایده‌تبعیت کند، آن یک حیات است که به کمال رسیده است. بسیاری از مردم می‌گویند که یک بودا تصویری ندارد. این تئوری بودیسم ذن در چین است - هیچ بودا و هیچ تصویر. بنابراین روحانی بزرگ، بودی‌دارما خودش گفت دارمای او فقط می‌تواند تا شش نسل منتقل شود، زیرا بعد از آن دیگر هیچ چیز برای آموزش باقی نمی‌ماند. از چین باستان تا پیش از انقلاب فرهنگی، از نظر بودیسم، ذن این‌طور در نظر گرفته

می‌شد که «در شاخ گاو فرو می‌رود.» در آن روزگار، همیشه بین بودیسم ذن و دیگر مدارس مذهبی منازعه وجود داشت. در حقیقت، بودیسم ذن پس از سلسلهٔ سونگ [۹۶۰-۱۲۷۹] پایان یافت، که می‌توان گفت در چین حدود بیش از هزار سال پیش ناپدید شد. اما مردم نسل‌های بعد همیشه احساس کردند که اصول آموزش داده شده توسط روحانی بزرگ بودی دارما نزدیک به فلسفه مردم عادی است، بنابراین بعضی افراد آنها را فلسفه در نظر گرفته و با آن به‌عنوان بالاترین سطح فلسفه برخورد کردند. برخی افراد نابخردانه و نامعقولانه عمل می‌کنند، گویی به اساس و بنیان فلسفه آن روشن و آگاه شده‌اند. در حقیقت، آن درکی بسیار سطح پایین است. چون پایین است، برای فردی عادی پذیرفتن آن راحت است.

یک بودا تصویری دارد، اما بدن او از ذرات میکروسکوپی تری تشکیل شده، که همچنین از ماده ساخته شده است، بنابراین موجودات بشری نمی‌توانند آن را با چشم‌های خود ببینند. با این حال، فقط به خاطر اینکه شما نمی‌توانید آن را ببینید به این معنی نیست که آن وجود ندارد. در کل طیف الکترومغناطیسی، انسان‌ها صرفاً می‌توانند نور مرئی را ببینند، که تقریباً چیزی نیست. هر چیزی که شما می‌بینید از نور مرئی منعکس می‌شود. آنچه که نمی‌تواند از نور مرئی منعکس شود نمی‌تواند دیده شود. آیا می‌توانید وجود آن را انکار کنید؟ امروزه تلسکوپ‌های نجومی عظیم بسیار نیرومندی در ایالات متحده وجود دارند. بدن‌های کیهانی بسیاری که یافت شده‌اند فقط می‌توانند با نوری دیده شوند که فراتر از نور مرئی هستند، مانند اشعه‌های ایکس، اشعه‌های گاما، اشعه‌های مادون قرمز، و اشعه‌های ماورای بنفش. فقط تحت آن شرایط می‌توانید آنها را مشاهده کنید. آیا می‌توانید بگویید که وجود ندارند؟ اگر قبل از اینکه این تلسکوپ‌های عظیم نجومی اختراع شوند شما ادعا می‌کردید که این بدن‌های کیهانی وجود دارند، آیا افراد سرسخت شما را متهم نمی‌کردند که کورکورانه و بدون مدرک به آنها باور دارید؟ آن درست مانند چیزی است که امروز درباره آن درحال صحبت هستیم؛ وقتی می‌گویید که بهشت‌های بوداها و خود بوداها را دیده‌اید، برخی افراد صرفاً باور نمی‌کنند که آن امکان‌پذیر است. از آنجاکه چشمان شما از مولکول تشکیل شده، نه از اتم، نمی‌توانید چیزی که از لایه ذرات اتمی ساخته شده است را ببینید. بدن یک بودا از اتم‌ها ساخته شده است، بنابراین چگونه می‌توانستید آن را ببینید؟ یعنی، آنها در محدودهٔ نور مرئی نیستند.

پرسش: آیا تمام موجودات بر روی زمین به پایان می‌رسند؟ یا در زمانی مناسب یک تغییر وجود خواهد داشت؟

**استاد:** این موضوعی است که درباره آن صحبت نمی‌کنم. درباره آن اینجا صحبت نمی‌کنم. چه آن صحیح باشد چه نباشد، از نظر من، شما نباید درباره آن نگران باشید. و چرا این‌طور است؟ همگی درباره آن فکر کنید: هیچ چیزی در جهان بطور تصادفی وجود ندارد. فقط این‌طور است که موجودات بشری به وجود خدایان باور ندارند، اما آنها همه جا در سرتاسر کل عالم وجود دارند. موجودات بشری جرأت می‌کنند هر کاری انجام دهند؛ اخلاقیات آنها تا نهایت سقوط کرده است. همه درباره آن فکر کنید. امروزه نوع بشر هر کاری دوست دارد انجام می‌دهد. همین‌طوری دیگران را می‌کشند. وقتی که اسلحه دارند، جرأت می‌کنند مردم را بکشند. افکار و عقایدشان مهارنشده است. انحطاط در اخلاقیات انسان باعث شده است که مردم جرأت انجام هر کاری را داشته باشند. بسیاری از مردم می‌گویند که چون موجودات بشری تا چنین درجه‌ای منحرف شده‌اند، بلایا و مصیبت‌های زیادی در قسمت‌های مختلف دنیا وجود دارد. هر چه موجودات بشری بدتر شوند، بلایای بیشتری وجود دارد.

از سوی دیگر، امروز صد میلیون نفر هستند که دافا را مطالعه می‌کنند. بدون توجه به اینکه چه تعداد از افراد به کمال می‌رسند، حداقل این‌طور است که این افراد مردمی خوب می‌شوند. وقتی همه چیز به انتها برسد، چه اتفاقی برای این مردم خوب می‌افتد؟ مخصوصاً امروز، هر کسی در اینجا قادر است تزکیه را تمرین کند و برای تزکیه در دافا مصمم است. برای این مردم خوب و برجسته چه اتفاقی می‌افتد؟ بنابراین به همه شما می‌گویم تا وقتی که تزکیه را تمرین می‌کنید، اصلاً نیازی ندارید درباره چیزهای دیگر نگران باشید. درباره هیچ یک از بلایا نگران نباشید. اگر مصیبت و بلایی وجود داشته باشد، هیچ ارتباطی با شما نخواهد داشت. (تشویق) اما مردم بد قادر به فرار از آن نیستند.

پرسش: استاد گفته‌اند که نوعی از افراد وجود دارند که پایداری و تحمل مادرزادی آنها ثابت است، بنابراین نمی‌توانند به سطوح بالا تزکیه کنند.

**استاد:** مردم در اجتماع بشری، مردم امروزه از تمام سطوح مختلف هستند. برخی از سطوح پایین هستند، بنابراین شاید نتوانند به خیلی بالا تزکیه کنند. با این حال آنها نباید در رفتن به ورای سه‌قلمرو و رسیدن به کمال مشکلی داشته باشند. اما نمی‌توانند به سطوح بالاتر برسند حتی اگر بخواهند. برای فرد این مسئله کوچکی نیست که در فا تزکیه کرده و فا را بدست آورد. این دفعه آن تغییر جایگاه هستی موجودات است، و اگر فردی با آن مقدار به دنیا نیامده باشد، آن کمبود می‌تواند جبران شود. اما برخی از افراد هستند که حتی شایستگی کسب فا را ندارند. و کسانی هستند که مطلقاً نمی‌توانند فا را کسب کنند.

پرسش: من فکر می‌کنم که قدرت عظیم دافا می‌تواند هر چیزی را تغییر دهد. چرا دافا نمی‌تواند آن نوع از مردم را تغییر دهد؟

**استاد:** بگذارید به شما بگویم. یک بودای معین، برای مثال یک تاتاگاتا را در نظر بگیرید: با یک موج دست بودا آمی‌تابا، بودا شاکيامونی، عیسی، یا مریم مقدس همه چیز در اجتماع بشری تغییر می‌کند. چگونه ممکن است آنها قدرت تغییر آن را نداشته باشند؟ پس چرا این کار را انجام نمی‌دهند؟ آن به این خاطر است که موجودات بشری اعمال بدی انجام داده‌اند، و خودشان آنها را انجام داده‌اند. آن کارها را انجام داده‌اند زیرا آن طور خواستند. اگر من کارمای شما را با یک موج دست پاک کنم و چیزهای بدتان ناپدید شود، آنوقت باز می‌گردید و به انجام کارهای بد ادامه داده و کارما جمع می‌کنید. پس چرا باید آن را انجام دهم؟ اگر کسی می‌خواهد موجودات بشری را نجات دهد، این راه آن نیست. فرد باید اجازه دهد موجودات بشری اصول را درک کنند و اجازه دهد قلبشان آنها را تغییر دهد. این حقیقتاً نجات مردم است. حتی یک تاتاگاتا چنین قدرت عظیمی را دارد، بنابراین برای این دافای جهان تغییر یک فرد بسیار آسان است. روزی دیگر مثالی برایتان زدم، یک مثال ساده: آن درست مانند یک کوره ذوب فولاد است. اگر یک ذره خاکاره در آن بیفتد، در چشم به هم زدن ناپدید می‌شود. نمی‌توانید هیچ اثری از آن را پیدا کنید. درون این دافا، موجودات بشری درست مانند آن ذره خاکاره هستند. چرا از شما می‌خواهم خودتان را تزکیه کنید؟ اگر واقعاً شما را با دافا دوباره خلق می‌کردم و اجازه نمی‌دادم خودتان تزکیه کنید، زندگی‌تان از سطح میکروسکوپی تا سطح بیرونی، دیگر شما نبود. هر خاطره، فکر و شکل هستی‌تان تغییر می‌یافت. نمی‌دانستید چه کسی بودید. این خلق مجدد نامیده می‌شود. این چیزی بسیار وحشتناک است. این نجات مردم نیست. چرا نجات و رستگاری مردم باید وجود داشته باشد؟ این طور نیست که فا چنین قدرتی ندارد، این طور است که فا برای مردم چنین فرصتی فراهم کرده است.

پرسش: فرد چگونه در طول تزکیه با سختی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند؟ آیا شما هم همان نوع سختی که ما در طول تزکیه خود تجربه می‌کنیم را تحمل می‌کنید؟

**استاد:** این سؤالی است که توسط یک شاگرد جدید مطرح شده است. هرگز نمی‌خواهم درباره مسائل شخصی خودم صحبت کنم. اما یک چیز هست که به شما اشاره می‌کنم: شما تزکیه‌کننده هستید، اما من نیستم. همه شما بدون استثناء باید مطابق استاندارد یک تزکیه‌کننده باشید. همگی باید به قلمرو و استاندارد کمال برسید. اما من با شما یکسان نیستم. من اینجا هستم تا فا را به شما آموزش دهم. سختی‌هایی که من تحمل می‌کنم سختی‌های موجودات زنده از تمام قلمروها است. آنچه که تحمل کرده‌ام را نمی‌توانم با کسی در میان بگذارم؛ شما قادر به درک آن نیستید. فکر می‌کنید تزکیه ساده است. تمام چیزی که به شما گفته‌ام این است که نیمی از کارمای شما را پاک کردم تا بتوانید تزکیه کنید. اما در واقعیت، فقط درباره آن فکر کنید: در این جهان، آیا کارهای بدی که در گذشته انجام داده‌اید چون تزکیه کرده‌اید به سادگی تسویه حساب خواهد شد؟ این را گفته‌ام. گفته‌ام که می‌دانم چرا عیسی باید به صلیب کشیده می‌شد. آیا پدرش بیوه نمی‌توانست او را آزاد کند؟ آیا خود او نمی‌توانست با استفاده از قدرتش خود را رها کند؟ آیا باید بر روی یک صلیب میخکوب می‌شد؟ این چیزها به گونه‌ای نیستند که شما بتوانید تصور کنید. نجات مردم کاری فوق‌العاده سخت است. برخی افراد در نتیجه کارهای بدی که به‌عنوان فردی عادی زندگی پس از زندگی انجام داده‌اند به دیگران بدهکار هستند، و از اینرو کارما ایجاد کرده‌اند. این بدهی‌ها برای همیشه به آنها ضمیمه شده

است و زندگی پس از زندگی نمی‌تواند از آن رها شوند. برخی افراد در سطوح مختلف بدهی ایجاد کردند زمانی که از آن سطوح سقوط کردند، و این بدهی‌ای است که به خدایان مدیون هستند. چگونه می‌توانستند آن را پرداخت کنند؟ بنابراین نجات موجودات بشری کاری ساده نیست. افراد در بعضی از مذاهب می‌گویند وقتی که تزکیه را کامل کنند مردم را نجات خواهند داد. من می‌گویم که آن یک وابستگی است. آنها چگونه می‌توانستند تورهای درهم‌برهم تنیده شده از کارمایی را از هم باز کنند که موجودات بشری را محدود کرده است؟ آن تورهای کارمایی کاملاً بالاتر و فراتر از سطوح نجات‌دهنده‌ها می‌رود. آیا نجات موجودات بشری چنین کار ساده‌ای است؟! آن تمام چیزی است که می‌خواهم درباره این به شما بگویم.

پرسش: معلم، لطفاً به ما بگویید چه کار می‌توانیم بکنیم تا از شما بت نسازیم؟

**استاد:** من کاملاً احساسات شما را درک می‌کنم. شما به آن صورت هستید زیرا می‌دانید من چه چیزی به شما داده‌ام و شما را از چه چیزهایی خلاص کردم تا بتوانم شما را از مردم عادی پر از کارما به تزکیه‌کننده تبدیل کنم؛ احساسات سپاسگزاری شما را کاملاً درک می‌کنم. برخی افراد می‌خواهند در برخی تشریفات مذهبی درگیر شوند تا احترام خود را به معلم نشان دهند. نمی‌توانم به شما بگویم که به من احترام نگذارید، زیرا از همه اینها گذشته من استاد شما هستم. شما باید به من احترام بگذارید. اما من به شکل و قالب اهمیت نمی‌دهم. بعضی از شاگردان سطح درکی به بلندی برخی دیگر از شاگردان ندارند و اگر کاری برای نشان دادن احترام خود به استاد انجام ندهند احساس دین می‌کنند. و درواقع، آنها هیچ کار اشتباهی انجام نداده‌اند. اما درباره اصلی صحبت کرده‌ام: بعضی از مردم احساس می‌کنند تا وقتی که بوداها را عبادت کنند و معابد بسیاری بسازند قادر خواهند بود که بودا شوند. می‌گویم که آن یک شوخی است. بودا شاکيامونی گفت که فایده باقصد مانند حباب‌های صابون ناپایدار و فانی است. آنها اعمال پر از قصد هستند، و چیزی نیستند. صرفاً می‌تواند به مردم اجازه دهد مقداری تقوای مردم عادی جمع کنند. آیا فکر می‌کنید معبدی که ساخته‌اید برای بوداها است؟ اکنون که معبد را ساخته‌اید، آیا بوداها باید بیایند؟ ممکن است بگویید چون معبد را ساخته‌اید بوداها باید بیایند. آیا بوداها باید از دستورات شما پیروی کرده و بیایند؟ به آن شکل عملی نیست. برخی افراد پیشانی بر خاک می‌گذارند و فکر می‌کنند: «از آنجاکه به تو تعظیم کرده‌ام، باید به من برکت بدهی و از من مراقبت کنی و بگذاری به کمال برسم.» شما فکر می‌کنید بوداها ذهن عادی بشری دارند- فکر می‌کنید چون به من احترام می‌گذارید و چیزهای خوب و زیبا به من می‌گویید من باید خوشحال باشم! آیا فکر می‌کنید من مانند کسی که در دنیای عادی در قدرت است رفتار می‌کنم، که اگر دائم در اطراف من باشید و تمام روز تملق مر بگویید، من متعهد می‌شوم که شما را وارد کادر پرسنل کنم و به شما ترفیع دهم؟ موجودات بشری به بوداها صفات انسانی و احساسی می‌دهند. آنها به هیچ‌وجه آنگونه نیستند. بنابراین من از شما نخواستهم که به روشی خاص با من رفتار کنید. اما در برخی مکان‌ها، برای مثال، بعضی از شاگردان به آداب محلی خودشان انس گرفته‌اند. آنها فکر می‌کنند آن روش‌ها خوب هستند. نمی‌توانم بگویم در اشتباه هستند، اما دافای ما به شکل اهمیتی نمی‌دهد.

به دفعات زیادی درباره این موضوع صحبت کرده‌ام. پس چگونه باید این را اداره کنید؟ قلب‌تان را دنبال کنید. از سوی دیگر، اگر ما این شکل از کنفرانس تبادل تجربه که امروز اینجا داریم، نداشته باشیم عملی نیست. شما با هم تزکیه می‌کنید، و به محض ورود به این میدان احساس می‌کنید که آن صلح‌آمیز و هماهنگ است. هیچ کسی افکار بدی ندارد. آنچه ساطع می‌شود نیکخواهی و انرژی‌های بسیار خوب است. هر موضوعی که افراد درباره آن صحبت می‌کنند مربوط به تزکیه است، و درباره اینکه چطور می‌توانند بهتر عمل کنند. این محیط بخشی جدایی‌ناپذیر از چیزی است که انجام می‌دهیم. با به اشتراک گذاشتن تجربیات، هر کسی کوتاهی‌های خودش را پیدا می‌کند، و بقیه از آن الهام گرفته تا کوشاتر باشند. این شکل بسیار خوب است. به علاوه، این بطور داوطلبانه سازمان‌یافته است: بعضی از تمرین‌کنندگان هزینه اجاره سالن کنفرانس را پرداخت می‌کنند؛ بعضی هزینه مطالب چاپ‌شده را پرداخت می‌کنند؛ درحالی‌که دیگران هزینه انجام کارهای دیگر را پرداخت می‌کنند. همه شما به این شکل انجام می‌دهید. مرکز دستگیری هرگز پولی جمع نمی‌کند. بعد از اینکه کاری انجام شود، آن تمرین‌کننده‌ای که آن را انجام داده [هزینه] آن را پرداخت می‌کند و آن پایان می‌یابد. معمولاً این‌گونه انجام می‌شود.



یادم می‌آید یک بار روزنامه‌ای داستانی درباره من نوشته بود. گفته بود که لی هنگجی از کسی پول نمی‌گیرد، اما آن مرید او ۳۵۰۰۰ دلار پرداخت کرد تا برای کنفرانس تبادل تجربه در نیویورک یک سالن همایش اجاره کند. قلب آن تمرین‌کننده در جایگاه درستی بود؛ او آن را برای فای عظیم و کنفرانس تبادل تجربه مقدس انجام داد، و در ذهنش، دافا سزاوار بهترین مکان بود. موجودات بشری برای انواع و اقسام اعمال غیرقانونی و وحشیانه مقادیر نجومی پول خرج می‌کنند، بنابراین چرا او نباید بتواند مکانی خوب برای چنین کنفرانس تبادل تجربه مقدس و باشکوهی اجاره کند؟ اما همچنان، همه شما باید در آینده دقت کنید و بهترین سعی خود را بکنید تا سالن کنفرانس گرانی اجاره نکنید. ما باید در آینده بیشتر در مورد این موضوع دقت کنیم. شاید سی‌وپنج هزار دلار در ایالات متحده خیلی زیاد به نظر نرسد، اما آن در چین چند صد هزار یوان آر.ام.بی<sup>۲</sup> است. اما موضوع هر چه باشد، من یک سنت از پول را ندیدم، و اثری از آن ندیدم. آن شاگرد صرفاً چکی به مبلغ ۳۵۰۰۰ دلار نوشت و یک سالن کنفرانس اجاره کرد. وقتی که معامله را کامل کرد، به مرکز دستیاری گفتم که آن مکان اجاره شده است و ۳۵۰۰۰ دلار هزینه داشته است، برای اینکه در این یا آن تاریخ مورد استفاده قرار گیرد. همه‌اش همین بود. او واقعاً ۳۵۰۰۰ دلار پرداخت کرد، و آن تمام قلب و خلوص او به دافا را نشان می‌دهد!

اجازه دهید از این فرصت استفاده کرده تا کمی بیشتر بگویم زیرا خبرنگارانی اینجا هستند. بعضی افراد در تعجب هستند: «آیا لی هنگجی یک میلیون است؟» شما می‌توانید مرا میلیونر، میلیاردر، یا بیلیونر در نظر بگیرید. اشکالی ندارد، زیرا آنچه من دارم بیشتر از تمام پول و ثروت در دنیا ارزش دارد. (تشویق طولانی)

در حقیقت، اگر از زاویه‌ای دیگر به آن نگاه کنید، آیا اهمیتی دارد که من پول دارم یا خیر؟ حتی اگر پول می‌داشتم، به آن اهمیتی نمی‌دادم. برای مثال، صد میلیون شاگرد هستند که فا را مطالعه می‌کنند، و اگر اکنون از تمام شما بخواهم یک دلار به من بدهید - درباره آن فکر کنید - اگر تمام شما یک دلار به من می‌دادید، آنوقت من یکصد میلیون می‌داشتم. به علاوه، از آنجاکه تمام شما تمایل می‌داشتید در هر زمانی آن را به من بدهید، صرفاً می‌توانید مرا یک میلیونر تصور کنید! برخی افراد به هر جایی می‌روند تا تحقیق کنند و بررسی کنند که من از فروش کتاب‌ها چقدر درمی‌آورم. می‌توانم به شما بگویم هر بار که کتاب‌های من توسط انتشارات رسمی در چین منتشر می‌شود حق تألیف چند هزار یوان است. کل آن صرفاً بیش از بیست هزار یوان بود، که حدوداً چند هزار دلار آمریکا است. همین. از آنجاکه انتشارات دولتی هستند، حق تألیف را آن‌طور که در کشورهای دیگر است نمی‌پردازند. آن تمام چیزی است که به شما می‌پردازند. برای کتاب‌هایی که در مکان‌های دیگر چاپ می‌شوند، آنها بعد از امضای قرارداد به نویسنده حق تألیف ۵٪، ۶٪، ۷٪ یا در بیشترین حالت ۸٪ می‌پردازند. آنچه من دریافت کرده‌ام بسیار اندک بوده است، اما اساساً با پول حق‌التألیف زندگی می‌کنم. می‌خواهم به شما بگویم: به این موضوع وابسته نباشید. بی‌فایده است که درباره آن جستجو کنید. چرا من تلاش زیادی صرف کنم که پول درآورم؟ تمام چیزی که نیاز دارم این است که به تمام شما بگویم ده دلار به من بدهید، آنوقت یک میلیاردر خواهم بود. چه راه ساده و سریعی می‌بود! شما همگی خوشحال می‌شدید که آن را به من بدهید و من می‌توانستم آشکارا آن را دریافت کنم. چرا به صرف تلاش زیاد متوسل می‌شدم؟ فکر می‌کنم گاهی مردم مقاصد ناپاکی دارند. آنها چیزها را به شکلی احمقانه و کوتاه‌بینانه در نظر می‌گیرند.

پرسش: بعد از اینکه شما کارما را از ما برمی‌دارید آن کجا می‌رود؟

**استاد:** من آن را برای شما از بین می‌برم. (تشویق) نجات موجودات بشری بسیار سخت است. به یاد می‌آورم که یک بار در کنفرانس فا به شما گفتم که شخصی بود که مقدر بود زمانی در زندگی‌اش دچار سگته شود. آن جزای کارمایش بود، بنابراین ناچار به داشتن آن بود، اما بعد از اینکه دافا را مطالعه کرد (اینطور نیست که بعد از مطالعه دافا شما مجبور نیستید برای هر کارمایی بپردازید؛ آن گونه عملی نیست)، چیزهای بسیار زیادی را برای او از بین بردم، تا اینکه او بتواند آن را به راحتی تحمل کند. اما آن شرایط باید پیش می‌آمد. یک روز ناگهان به زمین افتاد و به نظر رسید که علائم سگته دارد، اما او خودش را تمرین‌کننده در نظر نگرفت. باوجود آن، کارمایش از بین برده شد، در نتیجه آن قدر وخیم نبود. اگر خود را به‌عنوان یک تمرین‌کننده در نظر می‌گرفت و با وجود همه چیز می‌ایستاد، فوراً خوب می‌شد. آن آزمایش این‌طور بود، اما او از آن عبور نکرد.

حتی با اینکه به آن اندازه که می‌توانست سخت باشد، نبود، او آن را نگذراند. باز هم، در واقع آزمایش آنقدر سخت نبود، بنابراین او توانست سه روز بعد از تختخواب بلند شود و یک هفته بعد توانست راه برود. یک ماه بعد، به شکلی بود که گویی اتفاقی برای او نیفتاده بود. هر کسی می‌داند که هیچ کسی نمی‌تواند به این سرعت از سکنه بهبود یابد حتی اگر در بیمارستان مورد معالجه قرار گیرد. و با این حال او پرسید: «حالا که فالون گونگ را یاد گرفته‌ام، چرا هنوز دچار سکنه شدم؟» آن زمانی بود که من تازه آموزش فا را شروع کرده بودم. آنوقت فکر کردم که نجات موجودات بشری واقعاً بسیار سخت است. او نمی‌دانست که وقتی من سختی را برای او تحمل کردم مجبور شدم یک کاسه زهر بنوشم. (تشویق)

پرسش: احساسات از طریق افکار و عقاید اثر می‌گذارد. افکار منحرف موجودات بشری منحرف مدرن از احساسات سوءاستفاده می‌کنند.

**استاد:** این طور نیست که افکار منحرف از احساسات سوءاستفاده می‌کنند؛ این طور است که موجودات بشری دیگر به چیزی باور ندارند و دیگر با هیچ اخلاقیاتی مهار نمی‌شوند. هر کسی در گذشته می‌دانست که مذهب وجود داشت. موجودات بشری حداقل می‌دانستند که اگر کار بدی انجام دهند مجازات می‌شوند. در عین حال، موجودات بشری مدرن، مخصوصاً افراد جوان، فکر می‌کنند که آن خنده‌دار است. چه مجازاتی؟ خدا کجاست؟ آنها به آن باور ندارند. آنها باور ندارند که خدایان وجود دارند. همگی درباره آن فکر کنید: آنها نمی‌دانند وقتی که کارهای بد انجام می‌دهند خدایان در حال نظاره کردن هستند. آنها نمی‌دانند که اگر کار بدی انجام دهند مجازات خواهند شد. بدون این محدودیت‌ها، آیا جرأت انجام هر کاری را ندارند- ارتکاب به قتل، ایجاد حریق و هر جنایت قابل تصویری را؟

چرا انسان‌های باستان، مردم در گذشته، ارزش‌های اخلاقی بالاتری داشتند؟ موجودات بشری در واقع بسیار ناتوان هستند، بنابراین این طور نیست که آنها واقعاً ارزش‌های اخلاقی خیلی بالایی داشتند؛ صرفاً اینطور است که آنها باور داشتند و می‌دانستند که برای کارهای بد مجازات و برای کارهای خوب پاداش وجود دارد. [آنها می‌دانستند که] موجودات بشری باید در زندگی مهربان باشند. بدون داشتن این محدودیت‌ها در ذهن‌شان، موجودات بشری امروزه رفتن به کلیسا را صرفاً چیزی در نظر می‌گیرند که افراد متمدن انجام می‌دهند. رفتن به معابد را وسیله‌ای برای جستجوی ثروت، فرزند پسر، و حفاظت، و همچنین وسیله‌ای برای خلاص شدن و حل و فصل سختی‌ها در نظر می‌گیرند. آنها واقعاً ایمان ندارند. درباره این فکر کنید، از آنجاکه اجتماع امروزه به لحاظ محدودیت اخلاقی خارج از کنترل است، آیا موجودات بشری جرأت انجام هر کاری را نخواهند داشت؟ آنها تمام تأکید خود را بر فردیت می‌گذارند: «من هر کاری بخواهم انجام می‌دهم.» شما هر کاری بخواهید انجام می‌دهید؛ فکر می‌کنید آن عالی است، اما خدایان فکر می‌کنند آن خوب نیست. فراموش نکنید که شما توسط خدایان خلق شده‌اید. وقتی خدایان فکر کنند شما دیگر خوب نیستید، شما را رها کرده و نابود می‌کنند!

پرسش: در گذشته موجودات زنده در عالم درباره قانون جهان نمی‌دانستند. آیا موجودات زنده در جهان آینده، شامل مریدانی که به کمال رسیده‌اند، می‌توانند تمام اصول فا در سطوحی که در آنها مقیم هستند را بدانند؟

**استاد:** می‌توانم به شما بگویم، آنچه شما می‌دانید و آنچه درک می‌کنید، با آنچه که خودتان بر پایه فا در طول خواندن کتاب‌ها درک کرده‌اید یکسان است. آنچه که درک می‌کنید صرفاً بخشی است که قانون بزرگ جهان اجازه داده به آن آگاه شوید. شما مجاز نیستید فای واقعی را بدانید. این نه تنها در مورد موجودات بشری صدق می‌کند، بلکه تمام موجودات در جهان اجازه ندارند شکل خاص وجود این فا را بدانند. آنچه من انجام داده‌ام صرفاً این است که این حقیقت را بطور کلی و با استفاده از زبان و تفکر انسان عادی به شما می‌گویم. اما شما اجازه ندارید که شکل واقعی وجود آن را بدانید. شاید ایده خاصی در خودآگاه خود داشته باشید، و در آینده خواهید دانست فا در جهان وجود دارد. اما هیچ راهی ندارید که بدانید بطور خاص آن چه چیزی است. زیرا موجودات در سطوح مختلف و در قلمروهای گوناگون در حالت‌های مختلف آن قلمروها هستند، یکی شاید خدایی در سطح

خودش باشد، اما همزمان در چشم خدایی که بسیار بالاتر از اوست یک فرد عادی باشد. هر چه سطح بالاتر باشد، استاندارد بالاتر است.

پرسش: اگر من جوان فالون را با ذهنی خالص بخوانم، در مواجهه با مشکلات درون خود را بررسی کنم، و بطور باز و درست خودم را تزکیه کنم، آیا این کوشا بودن توصیف می‌شود؟

**استاد:** این مطمئناً نشان‌دهنده کوشا بودن است. اگر شما بتوانید آن را انجام دهید، آن علامتی از کوشا بودن است. اگر می‌خواهید به کمال برسید، احتمالاً سختی‌هایی وجود دارد که بر آنها غلبه کنید. من می‌دانم که شما شاگردان درک بسیار عمیقی از فا دارید. از طریق صفحه مانیتور به سخنان تان گوش می‌دادم، و می‌گویم که شاگردان همه بالغ شده‌اند. موضوع این است. شاگردان در چین بسیار به بلوغ رسیده‌اند، زیرا آنها چند سال پیش کوشا بودن را شروع کرده‌اند. امروز، تعداد بسیار زیادی از شاگردان خارج از چین نیز بطوری فزاینده بالغ شده‌اند. شما قادر هستید درباره فا برپایه فا صحبت کنید. این بسیار خوب است.

پرسش: «ما یک مذهب نیستیم اما نژاد بشر ممکن است در آینده ما را یک مذهب در نظر بگیرد.» باید چه کار کنیم تا در طول اشاعه فا این برداشت را در مردم ایجاد نکنیم؟

**استاد:** موقعیت‌ها براساس مناطق [مختلف]، متفاوت است. شما باید به هنگام انتشار فا از این آگاه باشید. شما می‌خواهید دیگران فا را کسب کنند - می‌خواهید کسانی که رابطه تقدیری دارند و هنوز فا را کسب نکرده‌اند، فا را کسب کنند. باید در اجتماع توجه خاصی به این داشته باشید. این برداشت را در مردم شکل ندهید که این به نظر یک مذهب است. از سوی دیگر، این را نیز به شما خاطرنشان کرده‌ام که برای غربی‌های مدرن، اگر مردم در ظاهر با هم تمرین کنند یا باهم کاری را انجام دهند آنها می‌گویند مذهب است. آنها هیچ مفهوم استانداردی از مذهب ندارند.

پرسش: آیا سطح کمال که از طریق تزکیه بدست می‌آید با امتحان مرگ و زندگی که یک تمرین‌کننده باید بگذراند مستقیماً در ارتباط است؟

**استاد:** درباره این موضوع در کنفرانس فا در استرالیا صحبت کرده‌ام. در حقیقت، در تزکیه‌تان، اینکه بتوانید به کمال دست یابید یا خیر در لحظه آخر تعیین نمی‌شود، بلکه در طول دوره تزکیه‌تان تعیین می‌شود. وقتی فرد نزدیک به این است که بتواند آن را انجام دهد، آزمایش‌ها برای اینکه تعیین شود او به کمال خواهد رسید یا خیر شروع می‌شوند. بنابراین اینها بسیار حیاتی و مهم هستند. تا وقتی شما یک تزکیه‌کننده هستید، مطمئناً با این مواجه خواهید شد. برای یک موجود بشری، این امتحان دقیقاً یک آزمایش مرگ و زندگی است. البته هر کسی با موقعیتی مواجه نخواهد شد که در آن کسی سعی کند شما را بکشد یا کاری انجام دهد که آن تأثیر را داشته باشد. لزوماً به آن شکل نخواهد بود. درست مانند مثالی است که توصیف کرده‌ام. گفتم که در لحظات بحرانی، برخی افراد قادرند از آینده، شغل، و حرفه خود دست بکشند. اگر موضوع این باشد، آیا این افراد از این امتحان عبور نکرده‌اند؟ موجودات بشری برای چه زندگی می‌کنند؟ آیا آنها برای امکان داشتن یک آینده خوب در میان مردم عادی و رضایت از حرفه خود برای برآورده کردن رؤیاهایشان زندگی نمی‌کنند؟ آنها می‌خواهند کارهای بخصوصی را انجام دهند. وقتی این چیزها در مقابل آنها قرار می‌گیرد، در چالش‌ها آیا می‌توانند از آن بیرون بیایند؟ اگر آنها بتوانند از آن بیرون بیایند، آیا یک امتحان مرگ و زندگی را نگذرانده‌اند؟ آیا موجودات بشری برای آن چیزها زندگی نمی‌کنند؟ وقتی بتوانند اینها را رها کنند، آیا قادر نیستند وابستگی به زندگی را رها کنند؟

در لحظه بحرانی آیا فرد می‌تواند از وابستگی به زندگی دست بکشد، ترس از دادن به اصطلاح «خوشبختی» را رها کند و آن قدم را بردارد و از وابستگی دست بکشد؟ آیا آن یک امتحان مقرر شده برای شما نیست؟ بارها گفته‌ام و دوباره می‌گویم که

هیچ چیزی تصادفی روی نمی‌دهد. چرا برخی افراد می‌توانند آن قدم را بردارند، در حالیکه دیگران نمی‌توانند؟ آنها حتی فکر می‌کنند چیزی که می‌گویند درست است و سعی می‌کنند دیگران را درباره آن متقاعد کنند.

*پرسش: آیا درست است که بگوییم عقاید و تصورات به خاطر کارما وجود دارند و اینکه، بدون کارما، هیچ عقاید و تصوراتی نخواهد بود؟*

**استاد:** ارتباط بین این دو به این شکل است: وقتی یک فرد به دنیا می‌آید، ذهنش پاک است. او هیچ‌یک از افکار نوعی مردم که به ناچار بعداً شکل گرفته‌اند را ندارد. موجودات بشری فکر می‌کنند که چیزهای بخصوصی خوب هستند و بقیه خوب نیستند، و اینکه کارها باید به شیوه خاصی انجام شوند. به تدریج آنها افکار و عقاید خود را شکل می‌دهند. بعضی افراد حتی به فرزندان خود یاد می‌دهند که چگونه مراقب خود و منافع خود باشند، و چگونه از مردم دیگر انتقام بگیرند. آنها آگاهانه به فرزندان خود آموزش می‌دهند تا افرادی بد باشند و آنچه آموزش می‌دهند را تجربیاتی خوب برای کودکان در نظر می‌گیرند که باید یاد بگیرند. اگر به‌عنوان یک فرد بزرگسال طبیعی شما چنین عقاید و تصوراتی نداشته باشید، پس شما معقول‌تر هستید، و درباره همه چیز روشن و آگاه هستید. وقتی قضاوت می‌کنید به دام هیچ عقیده و تصویری نمی‌افتید. با یک نگاه درباره هر چه که با آن روبرو می‌شوید و هر چه که می‌بینید آگاه هستید. این خود حقیقی شما است و این خرد است.

وقتی فردی می‌داند چگونه از مغز خود استفاده کرده و مشکلاتی که ظاهر می‌شوند را حل کند، آن چیزی است که مردم عادی زرنگی می‌نامند؛ آن خرد نیست. آن چیزی زرنگ و موذی است که برای حفاظت از منافع فرد بکار می‌رود و توسط عقاید و تصورات گوناگون کسب‌شده پس از تولد شکل گرفته است. آن می‌تواند بطور مستقل کارهای بد انجام دهد و منجر به این شود که کارما ایجاد کنید. این عقاید و تصورات شکل گرفته‌اند زیرا شما می‌خواهید از منافع خود مراقبت کنید. وقتی این عقاید کارهای بد انجام می‌دهند کارما بوجود می‌آید. عقاید و تصورات اعمال شما را به پیش می‌برند. وقتی شما کاری انجام می‌دهید، کارما ایجاد می‌شود، اما کارما یک عقیده یا تصور نیست. بعضی افراد فکر می‌کنند که کاملاً خوب زندگی می‌کنند؛ دیگران در مورد خودشان این‌طور فکر می‌کنند که بسیار باهوش و توانا هستند. آنها شدیداً علیه سایرین مبارزه می‌کنند تا کمی بیشتر بدست آورند. در حقیقت فکر می‌کنم آنها بسیار با بدبختی زندگی می‌کنند. نمی‌دانند برای چه زندگی می‌کنند. فکر می‌کنند که باهوش هستند. هرگاه کاری انجام می‌دهند، فکر می‌کنند که ذهن‌شان آن را انجام می‌دهد. در حقیقت، عقاید و تصوراتشان اعمال‌شان را به آنها دیکته کرده و آنها را کنترل می‌کند. آن افراد سرشت حقیقی خود را ندارند. اکثریت قاطع مردم در اجتماع در این حالت معلق هستند. آیا آنها به‌عنوان خود حقیقی‌شان زندگی می‌کنند؟ موجودات بشری آن‌طور هستند و نمی‌توانند خودشان را از آن رها کنند. بنابراین عقاید و تصورات ناچار به شکل گرفتن هستند، اما میزان آن متفاوت است.

*پرسش: موجودات بشری، با وجود اینکه همگی در یک سطح هستند، اما در سرشت اصلی و سرمنشأ خود با هم متفاوت هستند. آیا این درست است که موجودات بشری که از سطوح پایین سقوط کرده‌اند آن ماده اصلی که موجودات سطوح بالاتر دارا هستند را ندارند.*

**استاد:** انسان‌ها همه در قلمروی موجودات بشری هستند، اما مبدأ و سرمنشأهای متفاوتی دارند. بنابراین، برخی افراد ذرات میکروسکوپی‌تری که سرمنشأ موجودات از قلمروهای بالاتر را می‌سازند، ندارند، که این معنا را دارد که اساسی‌ترین ذراتی که موجودات را می‌سازند متفاوت هستند. بعضی موجودات از چنان قلمروی بالایی نیستند و خیلی میکروسکوپی نیستند؛ ایده این است. در اینجا تفاوتی وجود دارد.

اما شما که اینجا نشسته‌اید نیازی ندارید درباره این فکر کنید. شما نگرانید که وجودتان به اندازه وجود دیگران میکروسکوپی نیست پس نمی‌توانید به سطح بالایی تزکیه کنید. در حقیقت، با ذهن بشری در حال تفکر درباره این هستید. اساسی‌ترین چیز این است که آیا می‌توانید برگردید و به کمال برسید. وقتی به کمال دست یابید و بتوانید واقعاً بازگردید، متوجه خواهید شد که دیگر این نوع افکار بشری را ندارید. جهان بسیار بی‌کران است و، در مورد رسیدن به آنچه ورای درک شماست، چیزها آن‌طور که شما

فکر می‌کنید نیستند. آنها مطلقاً به آن شکل نیستند. به عنوان یک مثال: بعضی افراد همیشه احساس می‌کنند که خانه آنها بهترین است بدون توجه به اینکه کجا بروند. آنها می‌خواهند به خانه برگردند. این تشبیه مناسب نیست، اما نکته اینجاست که، شما افکار بشری نخواهید داشت و احساس خواهید کرد که مکان‌تان بهترین است. هیچ مکان دیگری قابل قیاس نیست و هیچ مکان دیگری بدون توجه به اینکه چقدر بالا است نمی‌تواند به آن خوبی باشد. این مستلزم یک روش تفکر کاملاً متفاوت است.

پرسش: ما چگونه بین علائم بازگشت به خود واقعی اصلی‌مان و آن علائمی که انجام کاری جدید فقط برای متفاوت بودن از روی وابستگی‌هایمان است، تمایز قائل شویم؟

**استاد:** از منطق استفاده کنید و آن را از منظر فاش مشاهده کنید. چیزهایی که با فاش‌سو نیستند، و نیز رفتار مردم عادی‌گونه که در حال انجام کارهایی برای دافا نشان داده می‌شوند، هر دو چیزهایی هستند که باید از آنها خلاص شوید. درحالی‌که بر روی چیزی خاص کار می‌کنید، مانند اشاعه فاش، کسی ممکن است رویکردی خوب داشته باشد طوریکه می‌تواند باعث شود مردم بیشتری فاش را کسب کنند، و همزمان، به تصویر دافا آسیب نمی‌زند و دیگران را وادار به مطالعه فاش نمی‌کند. آن طبیعی و مناسب است. آن هیچ ارتباطی به وابستگی‌ها و انجام کارهایی جدید برای متفاوت بودن ندارد. راه‌های مختلف را امتحان کردن برای اینکه به افراد دیگر اجازه داد فاش را کسب کنند ارائه نجات بطور واقعی است. این، همراه با فکر تمایل داشتن به بازگشت به اصل زندگی‌تان با رسیدن به کمال، به عنوان یک وابستگی طبقه‌بندی نمی‌شود. می‌توانم به همگی بگویم که شما در روند تزکیه هستید؛ هر یک از شما در حال تزکیه هستید. برای این است که بگویم شما همه وابستگی‌های عادی بشری دارید. وقتی به سؤالاتی می‌رسد که مطرح می‌کنید، چیزهایی که درباره آنها فکر می‌کنید، چگونه درباره دیگران صحبت می‌کنید، چگونه با یکدیگر و حتی با خودتان کنار می‌آید، ممکن است کاملاً وابستگی‌ها درگیر باشند، زیرا هر یک از شما وابستگی‌های فردی عادی را دارید. اگر کسی کارهای دافا را برای جستجوی شهرت و منفعت انجام دهد، من می‌گویم که او بدون خلاص شدن از آن وابستگی نمی‌تواند به کمال دست یابد. و اگر شما خالصانه می‌خواهید کاری برای دافا انجام دهید، باید دافا را در ابتدا قرار داده و افکارتان را بعد از آن بگذارید. اگر شما همیشه بر خودتان تأکید کنید و دافا را نادیده بگیرید، فکر نمی‌کنم آن درست باشد. دافا باید اول بیاید.

پرسش: جن-شن-رن همیشه باقی می‌ماند. اگر موجودات زنده کمتر و کمتر خالص باشند، آیا امکان دارد که جن-شن-رن نیز تغییر کند؟

**استاد:** بدون توجه به اینکه موجودات زنده خالص باشند یا خیر، فاش تغییر نمی‌کند. بگذارید به این صورت بگویم: مهم نیست چه باشد، سه کلمه جن، شن، رن همیشه جن، شن، رن باقی می‌مانند. نمی‌توانید جن، شن، رن را چیز دیگری بنامید، آیا می‌توانید؟ در مورد میزان فاصله‌ای که موجودات از استانداردها منحرف شده‌اند، این مسئله آن موجودات است. بنابراین ما بطور مستمر در حال اصلاح کردن - براساس فاش، فای تغییرناپذیر - آن موجوداتی هستیم که به فاش پشت کرده‌اند. این هماهنگ‌سازی نامیده می‌شود.

پرسش: پسر من پانزده ساله است. مجبورم او را در مرکز بازپروری نگه دارم زیرا نمی‌توانم او را کنترل کنم. من عاشق پسرم هستم و می‌خواهم هر کاری برای کمک به او انجام دهم. آیا این یک وابستگی است؟

**استاد:** در طول تزکیه‌تان، این نوع از عشق والدین در حال حاضر نمی‌تواند یک وابستگی نامیده شود. اما، به مریدانم که در حال تزکیه هستند می‌گویم که هر شخصی در حقیقت سرنوشت خودش را دارد. شما وظیفه خود را به عنوان یک پدر یا مادر انجام داده‌اید؛ فرزند شما حالت ذهنی خود را شکل داده یا بزرگ شده است؛ بسیار سخت است اکنون او را تغییر داد. البته تعلیم و تربیت او چیزی است که شما باید انجام دهید. اگر نتوانید دیگر به او آموزش دهید، و او به انجام کاری اصرار دارد، کار دیگری نیست که بتوانید انجام دهید. تا وقتی که او مرتکب جرم نشده، شما واقعاً کار زیادی نمی‌توانید انجام دهید - البته اگر مرتکب

جرائمی شود می‌توانید با استفاده از سیستم قانونی او را مقید کنید. اما اگر هیچ جرمی مرتکب نشود، اما کار بدی انجام دهد و به شما گوش ندهد بدون توجه به اینکه به او چه می‌گویید، هیچ کاری نیست که بتوانید انجام دهید، مگر اینکه او دافا را مطالعه کند.

هر کسی سرنوشت خود را دارد و هیچ کسی نمی‌تواند سرنوشت دیگران را تغییر دهد، حتی اگر آن افراد فرزندان شما باشند. شما فکر می‌کنید که می‌خواهید او چنین و چنان آینده‌ای داشته باشد. به شما می‌گویم که اگر برای او میلیاردها دلار به ارث بگذارید، اما آن بخت خوب برای او نباشد، آن ممکن است با آتش‌سوزی از بین برود، یا به سرعت و با ولخرجی تمام آن را مصرف کند. او باید آن بخت و اقبال خوب را داشته باشد تا پول را به ارث ببرد. یعنی فرد باید آن سرنوشت را داشته باشد. بعضی افراد شاید فکر کنند می‌خواهند پسر یا دخترشان به چنین و چنان مدرسه برود، و اینکه از طریق تلاش خودشان رفتن به آن مدرسه را میسر کنند. حقیقت این است، آن چیز در زندگی او وجود دارد. تلاشی که شما به آن وابسته هستید و رها نمی‌کنید تبدیل به نوعی عمل می‌شود که یک فرد عادی باید انجام دهد، زیرا موجودات بشری قطعاً در رختخواب منتظر نمی‌مانند تا غذای روزانه‌شان از آسمان بیارد. اگر به آنها بگویید که چیزهای خاصی در زمان‌های خاصی اتفاق می‌افتند، آن را باور نخواهند کرد. بنابراین، موجودات بشری عجله و شتاب می‌کنند و به هر طریقی به سختی کار می‌کنند. از اینها گذشته موجودات بشری صرفاً موجودات بشری هستند، سخت کار کردن آنها اجتناب‌ناپذیر است. اگر فرزندان به بلوغ نرسیده است، می‌توانید به تعلیم و تربیت او ادامه دهید. اگر بزرگ شده باشد و آموزش به او واقعاً سخت باشد، این تقصیر شما نیست.

*پرسش: در مورد افرادی که توسط روح کمکی خود کنترل می‌شوند، آیا راهی هست که به آنها کمک کنیم خودآگاه اصلی خود را قوی کنند؟*

**استاد:** به همه شما گفته‌ام که من فقط مسئول تزکیه‌کنندگان هستم. اگر آنها تزکیه‌کننده باشند، این مسئله نباید وجود داشته باشد. این قبلاً برای آنها اتفاق افتاد زیرا آنوقت تزکیه را تمرین نمی‌کردند. اکنون، چون در حال تزکیه هستند، باید به روشی باوقار و درست تمرین کنند و تمام آن را رها کنند. صرفاً به تزکیه ادامه دهید، و تمام مشکلات حل خواهند شد زیرا شما یک تزکیه‌کننده هستید. اگر شما تمرین‌ها را فقط برای حل شدن این مشکل انجام دهید، آن کار نخواهد کرد، زیرا آنگاه شما کاملاً یک تمرین‌کننده یا تزکیه‌کننده نیستید. بخشی در تمرین شما وجود می‌داشت که برای حل این مشکل است و شما یک وابستگی کوچک آنجا می‌داشتید، هنوز بطور کامل خود را به‌عنوان یک تزکیه‌کننده در نظر نمی‌گرفتید.

شما می‌پرسید آیا راهی برای کمک به او هست. همگی می‌دانید که ما حدود صد میلیون شاگرد داریم. در میان آنها، چه کسی می‌داند که آنان چه تعداد مشکل داشتند که بسیار جدی‌تر از این بودند و با این وجود حل شده‌اند. به علاوه، آنچه شما در پرسش خود درباره آن گفتید ممکن است لزوماً موضوع روح کمکی نباشد. شما حقیقتاً شرایط واقعی افراد دیگر را نمی‌دانید. بنابراین گفتیم که اگر بخواهید واقعاً تزکیه کنید، باید بطور حقیقی این را فراموش کنید و درباره آن نگران نباشید. با این حال انجام آن سخت است زیرا تمام چیزها دلایل کارمایی در پشت خود دارند؛ آنها تصادفی نیستند. شاید او و دیگران قبلاً محبت و نیکی یا کینه و دشمنی به یکدیگر بدهکار هستند. بنابراین شما باید واقعاً خودتان را تزکیه‌کننده در نظر بگیرید. ممکن است هنوز با این نوع از سختی‌ها روبرو شوید، و آنها ممکن است مدت زمانی طول بکشند. می‌خواهم ببینم که شخص چگونه آنها را اداره می‌کند و آیا استوار و ثابت قدم هست. اگر دیگر در مورد آن نگران نباشید، اگر محکم و استوار شده باشید و واقعاً یک حالت ذهنی تزکیه‌کننده را حفظ کنید، آنوقت شاید قبل از اینکه آن را درک کنید ناپدید شود. آن احتمالاً برای شما تنظیم شده بود. بنابراین تزکیه موضوعی بی‌نهایت جدی است. آن قطعاً بازی کودکانه نیست. آن شبیه اجتماع عادی انسانی نیست که برای حل مشکل به فردی دیگر پول پرداخت کنید. اینها چیزهایی نیستند که با پول بتوانند خریداری شوند.

*پرسش: آنهایی که در میان مردم عادی گم شده‌اند با این حال بنیان اساسی خوبی دارند آیا پس از اینکه حقیقت افشاء شود این فرصت را دارند که به‌عنوان انسان دوباره شروع کنند؟*

**استاد:** شما به شدت در این باره نگران هستید. آن موضوعی از آینده است. فا در حال اصلاح جهان است، موجودات ذی شعور آن از فای جهان منحرف شده‌اند. موجوداتی که برای یک سطح مشخص مناسب نباشند از آن سطح سقوط خواهند کرد. و وقتی دوباره مناسب نباشند، دوباره سقوط می‌کنند - به سطوح حتی پایین‌تر. بیشتر به سقوط خود ادامه می‌دهند. برخی از آنها به سطوح پایین‌تر فرو خواهند افتاد، درحالی‌که برخی به نقطه‌ای خواهند افتاد که موجودات بشری می‌شوند. برخی حتی شایستگی ندارند که انسان باشند. یعنی، تمام موجودات زنده خودشان را در موقعیت‌های متفاوت قرار می‌دهند. این توسط تجلی واقعی رفتار آنها و قلمروهای آنها تعیین می‌شود. در جهان امروز استانداردی برای سنجش تمام رفتارها هست، یا به عبارت دیگر، موجودات بشری در حال تعیین کردن جایگاه آینده خود هستند. جهان نمی‌تواند برای همیشه این‌گونه به انحطاط ادامه دهد. بعضی از موجودات زنده ممکن است نابود شوند؛ برخی از طریق تزکیه به بالا بروا خواهند گشت؛ و برخی ممکن است موجودات بشری یا چیزی دیگر شوند. یعنی، رفتار و حالتی که موجودات نسبت به دافا نشان می‌دهند جایگاه آنان را تعیین می‌کند.

*پرسش: در بسیاری از زمان‌ها احساس می‌کنم که می‌دانم براساس اصول باید چه کار کنم. اما چون آن از سرشت حقیقی من نمی‌آید، نمی‌تواند قلب دیگران را تکان دهد.*

**استاد:** در طول تزکیه، گاهی هیچ علاقه‌ای به چیزهایی که برای فردی عادی یا دنیای مادی مهم است نشان نمی‌دهید. اما شاگردان ما نیز افکار عادی دارند، بنابراین گاهی از چیزهایی که شاگردان مان می‌گویند کسل می‌شوید. این نوع اتفاق می‌تواند رخ دهد. اما اگر ببینید که نسبت به مطالعه فا بی‌علاقه هستید، آنوقت آن یک مشکل است. اگر چیزی که در کارهای دافا می‌گویید با فا سازگار باشد، قلب دیگران را تکان خواهید داد؛ اگر آنچه می‌گویید از فا دور باشد، نخواهید توانست.

*پرسش: یک تمرین‌کننده غربی که می‌خواهد دافا را یاد بگیرد اکنون در حال مطالعه کتاب طب چینی تزکیه درونی باستانی امپراطور زرد است، که بخشی از تحصیل او است. او می‌خواهد بی‌رسد آیا آن بر او اثر خواهد داشت؟*

**استاد:** آن هیچ اثری نخواهد داشت. چرا این‌طور است؟ زیرا در این وضعیت یا شرایط مشابه، ما آن را مانند یک امر عادی، شغل او در نظر می‌گیریم. هر آنچه که یاد می‌گیرد چیزی بیش از مهارت‌های یک فرد عادی نیست. ما راه‌هایی برای اداره کردن چیزهایی مانند این داریم. آن نباید تأثیری بر او داشته باشد.

*پرسش: وقتی من هنوز در انجام حالت لوتوس کامل مشکل دارم آیا امکان‌پذیر است که مدار آسمانی بزرگتر را باز کرد؟*

**استاد:** شما می‌پرسید وقتی هنوز درد زیادی در انجام حالت لوتوس کامل احساس می‌کنید آیا مدار آسمانی بزرگتر می‌تواند باز شود، درست است؟ آیا منظورتان این است؟ هیچ نظم و ترتیب یکنواخت ثابتی برای تزکیه فرد وجود ندارد. وقتی که تزکیه می‌کنید، هر چقدر که رنج ببرید، نمی‌توانید به آن این‌طور نگاه کنید که چیزی است که در انزوای مطلق روی می‌دهد. دردی که تجربه می‌کنید گواهی بر حل و فصل کارما است، و بدن‌تان همان‌طور که تمرین می‌کنید دستخوش تغییراتی می‌شود. آنها دست در دست هم دارند. اما ممکن است برسید، اگر وقتی در حال تمرین نیستید پاهایتان را دراز کنید یا ضربدری بنشینید، آنوقت چه؟ از آنجاکه شما یک تزکیه‌کننده هستید، تمام فرصت‌ها برای رشد و بهبود در دسترس شما قرار خواهد گرفت.

*پرسش: اگر روزی توسط دیگران هدف آزار و اذیت قرار بگیرم، چگونه باید فا را مطالعه کنم؟*

**استاد:** فقط به تزکیه استوار در دافا ادامه دهید بدون توجه به اینکه چه وضعیتی باشد. چرا درباره مورد آزار قرار گرفتن توسط دیگران فکر می‌کنید؟ به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، اگر هر چیزی که در اطرافتان روی می‌دهد را در زمانی که اتفاق می‌افتد یا بعد از آن، با دقت بررسی کنید، خواهید فهمید که دلیلی برای آن وجود داشته است.

پرسش: معنای چندین بار فراتر از قانون دنیای سه‌گانه رفتن چیست؟

**استاد:** منظور تان مکرراً تزکیه کردن است، درست است؟ آن واقعاً روی می‌دهد. شما باید تمام مسیر تزکیه کنید تا اینکه به قلمرویی برسید که کمال تان باید آنجا باشد. خدایان در بهشت‌ها برای شما سختی‌هایی ایجاد نخواهند کرد، بنابراین باید در میان موجودات بشری تزکیه کنید. اگر قرار است به سطوح بسیار بالایی رسید، بعد از کامل کردن یک دور از تزکیه، فرد فوراً باز خواهد گشت، و دوباره شروع خواهد کرد، روند را تکرار می‌کند تا اینکه به استاندارد می‌رسد. گوناگون شما آن بالا در حال رشد است و در سطوح نفوذ می‌کند، در حالیکه شما در میان موجودات بشری تزکیه می‌کنید. آن به این معناست. مواردی مانند آن هستند، اما همه شما این‌طور نیستید.

پرسش: بعضی از شاگردان توجه خاصی به دایره‌ای می‌کنند که روی پیشانی‌شان رشد می‌کند. آیا آن ارتباطی با چندین بار رفتن به ورای قانون دنیای سه‌گانه دارد؟

**استاد:** موضوع این نیست. در حقیقت، در طول روند تزکیه تبدیل بدن شما سطح به سطح فرق می‌کند، و همه آنها متفاوت هستند. اگر می‌توانستید تصویر تزکیه خودتان را ببینید، ابتدا حیرت‌زده می‌شدید، و بعد ذهن تان دیگر نمی‌توانست آن را تحمل کند. موجودات بشری نمی‌توانستند تماشای منظره‌ای عالی و باشکوه خدایان و بوداها، حالتی پیچیده که نمی‌تواند با زبان بشری توصیف شود، و تجلیات بخصوص در وضعیت‌های ظاهری در سطوح گوناگون را تاب بیاورند. به شما می‌گویم که هر سطح شکل تجلی خود را دارد، و آن تغییرات در همه جای شما روی می‌دهد، از سر تا نوک انگشت پا، شامل میدانی که بدن تان را احاطه می‌کند. بنابراین وقتی بعضی از افراد موفقیت‌ها و رشد سریع در سطوح بدست می‌آورند، تغییرات هر روز رخ می‌دهند. ممکن است تصویر یک بودا را دیده باشید که چهار سر دارد، و سه سر در بالای آن چهار سر وجود دارد؛ علاوه بر آن، دو سر در بالای آن سه سر وجود دارد، و به دنبال آن یک سر دیگر در بالای اینها وجود دارد. آن مانند انباشته کردن آرهاهاست. همچنین آن تصویری حقیقی از بوداهاست که در سطوح گوناگون به نمایش درمی‌آید. آنها باشکوه و باوقار هستند، فراتر از تصور ذهن بشری.

پرسش: درک می‌کنم که باید از سختی‌های بیشتری رنج ببرم تا تزکیه کنم، اما من زندگی را دوست دارم، به دنبال چیزهای خوب هستم، و می‌خواهم کارها را به خوبی انجام دهم. آیا این یک وابستگی است؟

**استاد:** اینها در طول تزکیه تان وابستگی به حساب نمی‌آیند. نگفتم که باید از زندگی شاد و آرزوها و اهداف خود دست بکشید و در شغل تان به خوبی عمل نکنید. برعکس، از شما خواستم تا شغل تان را به خوبی انجام دهید. چگونه می‌توانستید بدون درست انجام دادن شغل تان فردی خوب باشید؟ فقط اگر در هر جایی که هستید فردی خوب باشید، می‌توانید یک تزکیه‌کننده واقعی باشید. پس فقط به شما می‌گویم که در طول دوره تزکیه باید کتاب را بیشتر بخوانید، فا را بیشتر بخوانید؛ باید خودتان را تزکیه کنید و وقتی آزمایش‌ها را می‌گذرانید و دچار مشکلات می‌شوید باید با خودتان محکم باشید. شما باید وقتی با اختلاف و تضاد مواجه می‌شوید درون خود را جستجو کنید. تا وقتی که این رویکرد را برگزینید، قلمرو تان به تدریج رشد می‌کند. در مورد سؤالی که مطرح کردید، یک دید تازه و یک درک تازه خواهید داشت. اما آن از، عمداً آرزوی متفاوت فکر کردن، نخواهد آمد. آن نوع از ارتقاء و درک تازه بطور طبیعی با پیشروی در تزکیه اتفاق خواهد افتاد.

پرسش: من یک مرید ده ساله هستم. وقتی که تمرین‌ها را انجام می‌دهم، پاهایم بطور مداوم تکان می‌خورند. لحظه‌ای که آن را کنترل می‌کنم، از حرکت بازمی‌ایستد.



**استاد:** این موقعیت موقتی است. چون شما یک کودک هستید، آن نوع از درد مشقت‌باری که بزرگسالان در مدیریتش تحمل می‌کنند را تجربه نخواهید کرد. اما همچنان حالتی از حل و فصل کارما را نشان خواهید داد. ممکن است آنقدر دردناک نباشد، با این حال آن تجلی یک حالت است. بعداً باید درست شود.

پرسش: به هنگام صحبت درباره مفهوم ماده اعلی، معلم گفتند که آن مادی‌تر از این بُعد ما است.

**استاد:** شما دوباره در مورد آن چیزها علاقه نشان می‌دهید. استاد سخنرانی فیزیک ارائه نمی‌کند. من به ساختار جهان اشاره می‌کنم فقط وقتی که ارتباطی با وضعیت حال حاضری دارد که شما به آن صعود کرده‌اید، پس به آن وابسته نشوید. اکنون زمان این نیست که همه چیز درباره ساختار جهان را به شما بگویم و تمام آن را برای شما تعریف کنم. از این گذشته، جهان بسیار پیچیده است و با زبان بشری غیرقابل توصیف است. وقتی که در حال آموزش فایده‌آمیز بودم جهان را تشریح کردم. همان طور که درباره آن صحبت می‌کردم، بطور روشن توضیح دادن درباره آن را سخت یافتم. وقتی روی کتاب کار می‌کردم، بازبینی‌های دقیقی انجام دادم. اگر کتاب را بخوانید احتمالاً درباره آن روشن‌تر می‌شوید. در حقیقت، من آن اندازه می‌توانستم درباره آن صحبت کنم، چراکه کلماتی برای توضیح روشن آن وجود ندارد. همچنین، لحظه‌ای که آن را به زبان عادی بشری توضیح می‌دهید، آن کاملاً صحیح بیرون نمی‌آید.

پرسش: من می‌توانم همیشه موسیقی فالون گونگ را بشنوم. گاهی می‌توانم آن را در خوابم بشنوم.

**استاد:** این چیز خوبی است. آن موسیقی دافا است، بنابراین در تزکیه‌تان آن سمتی از فا را به شما نشان داده است، و موسیقی نیز معانی عمیق‌تری از فا را دارد.

پرسش: در کنفرانس فا در کالیفرنیا در ابتدای سال، استاد «چهار بزرگ» را ذکر کردند. آیا امکان دارد بیشتر درباره آن توضیح دهید؟

**استاد:** در حقیقت، «چهار بزرگ» اولین بار توسط بودا شاکیامونی مورد بحث قرار گرفت. آنها خاک، آب، آتش، و باد هستند. آن تجلی علت وجودی جهان در آن قلمرو است، اما آن علت نهایی نیست. بنابراین برای شما، آن مانند یک جهان است. وقتی جهان کامل را می‌بینید فکر می‌کنید جهان است، اما آن صرفاً کره یک جهان کوچک است. جهان‌های بی‌کرانی مشابه آن یکی وجود دارند و آنها در سرتاسر یک جهان بزرگتر هستند. آن درست مانند مولکول‌هایی است که در تمام این بُعد پخش شده‌اند و اینکه چگونه هر چیزی اینجا از مولکول ساخته شده است. همان مفهوم است. آن شکلی از جهان است که در یک قلمروی خاص تجلی یافته است. و در آن قلمرو، فا وجود دارد که تجلی فای بزرگ در آن قلمرو است. در آن قلمرو، اگر به حد استاندارد فا نباشد، آنوقت سیستم کامل زیر آن قلمرو خوب نخواهد بود. بنابراین، متوجه شدم که «چهار بزرگ» دچار فساد شده بودند، و آن این طور به نظر می‌رسد که گویی در حال فروریختن بود زیرا در طول دوره‌ای طولانی از زمان از فا منحرف شده بود. به هر حال آن شرایط قبل از این بود که هر چیزی تازه و نو شود.

پرسش: موجودات از نظر تعداد کم یا زیاد نمی‌شوند. آنها در سطوح خاصی از بدن کیهانی کل وجود دارند...؟

**استاد:** موجودات به لحاظ تعداد کم یا زیاد نمی‌شوند - مطمئناً این طور است. اگر در یک قلمرو یک موجود نبود شود، موجود جدیدی خواهد بود که در یک سطح همانند خلق می‌شود. در حقیقت، در تاریخ زمین یک فرد کمتر یا یک فرد بیشتر وجود نداشته است. اما امروز که درباره آن صحبت می‌کنیم، کسی آن را باور نخواهد کرد. چین هنوز طرح‌های خانواده را توسعه می‌دهد؛ چون این به مسائلی در خصوص سیاست‌گذاری در چین مربوط است، ما درباره این چیزها صحبت نمی‌کنیم. جمعیت امروزه در غرب کم است. شاید آنها [که زمانی در غرب بودند] آنجا [در چین] باز پیدا شده‌اند تا فا را کسب کنند. (تشویق)

در حقیقت، امروزه مهم نیست شما چه [نژادی] هستید- اروپایی، آفریقایی، استرالیایی، آسیایی- در حقیقت، شاید واقعاً زرد، سفید، و غیره نباشید. بنابراین سفیدپوستان بسیاری در ایالات متحده هستند که به‌عنوان مردم سیاه یا بومی آمریکا بازپیدا شده‌اند. برخی سیاه‌پوستان به عنوان سفیدپوست بازپیدا شده‌اند. به همین دلیل است که سفیدپوستانی وجود دارند که از منافع مردم سیاه حمایت می‌کنند.

پرسش: معلم گفتند که افکار و عقاید بشری می‌تواند زندگی فرد را کنترل کند. اگر او آنها را تغییر ندهد، به تسلط خود ادامه خواهند داد.

**استاد:** این درست است. یک بار این را گفتم: گفتم که وقتی فردی غربی فا را بدست می‌آورد، اگر بر اساس اصول، آن را به او توضیح دهید، آن را خواهد دید: «اوه، من درک می‌کنم. این حقیقت است.» یعنی، اصول در افکار و عقایدی که او پس از تولد کسب کرده است نفوذ می‌کند. پوسته بیرونی که حقیقت را پوشانده و او را از دیدن حقیقت بازمی‌دارد، شکافته و کاملاً باز می‌شود. اما چینی‌ها متفاوت هستند: آنها افکار و عقاید باستانی دارند. آنها تمدنی پنج تا شش هزار ساله دارند، با تمام مکتب‌های تفکر گوناگون بین زمان‌های سلسله پیش از چین<sup>۳</sup> و اوائل سلسله هان<sup>۴</sup>، و سپس از اواخر آن تا به حال حاضر. پیش از دوره جنگ‌های داخلی<sup>۵</sup> انواع و اقسام عقاید و باورها وجود داشت، بنابراین افکار و عقاید به دلیل عوامل مختلف شکل گرفته بودند. آن عوامل، که زندگی پس از زندگی دیگر شکل گرفتند، همگی در کل وجود شما ذخیره شده‌اند. وجود شما نمی‌میرد، در حالیکه پوسته بشری‌تان مانند لباس پوشیدن است: یک زندگی پس از زندگی دیگر آن را تغییر می‌دهید. حالت‌های ذهنی و ادراکات و خاطرات که از هر دور زندگی قبلی به ارث رسیده‌اند، [در شمای حال حاضر] ظهور خواهند یافت. اینها، البته، برای یک فرد عادی به راحتی قابل حس نیست.

به‌علاوه، فرهنگ چین عمیق است؛ آن حاوی چیزهایی از نسل‌های زیادی است. آن به این معنا است که چینی‌ها چیزهای بسیار زیادی را تجربه کرده‌اند، و به این شکل عبور از افکار و عقایدشان سخت است. وقتی حقیقت را به آنها می‌گویید، آنها آن را درک می‌کنند: «اوه، پس اینطور است. اما چرا این‌طور است؟» آنوقت شما به آنها می‌گویید که به خاطر این یا آن دلیل این‌طور است. می‌گویند: «اوه، درک می‌کنم.» اما خیلی طول نمی‌کشد که دوباره با تعجب می‌گویند: «آنوقت چرا این یا آن، دلیل این‌طور بودن آن است؟» شما باید از هر یک لایه عبور کنید، تمام مسیر تا پایین تا آنها این را درک کنند و سوالات دیگری نداشته باشند. بنابراین گاهی متوجه می‌شوم که مردم از ملت‌هایی با فرهنگ‌های عمیق‌تر باهوش هستند، تجربیات زیادی دارند. اما اگر از آنها بخواهید حقیقت را درک کنند، آن چیزها نقشی منفی ایفاء خواهند کرد. برای مثال، سفیدپوستان در اجتماع غرب، ذهنی ساده دارند زیرا فرهنگ آنها چنین معانی عمیقی ندارد، و از این رو آنها موانع زیادی ندارند. به محض اینکه تشخیص می‌دهند آن حقیقت است، آن را درک می‌کنند.

پرسش: نظریه‌های کنفوسیوس اغلب در ذهنم پدیدار می‌شوند. سعی می‌کنم در برابر آن مقاومت کنم. آیا کار درست را انجام می‌دهم؟

**استاد:** از آنجاکه یک تزکیه‌کننده هستید، کار درست را انجام می‌دهید. کنفوسیوس صرفاً درباره اصول موجودی انسانی بودن صحبت کرد. در حقیقت، آموزه‌های کنفوسیوس تأثیری نیرومند بر ذهن تمام چینی‌ها دارد. هر چند شاید همه چیز در حال جدید و نو شدن است. از همه اینها گذشته آنها چیزهای بشری هستند، پس برای تزکیه شما خوب است که آنها را پاک کنید؛ آنچه دریافت خواهید کرد اصول بالاتر و پاک‌تر است. بدون توجه به اینکه آن آموزش‌ها چقدر خوب هستند، چیزی بشری است. منظورم این است. اگر آن با تزکیه شما مداخله کند، اگر بطور مداوم در ذهن‌تان پدیدار شده و بر تزکیه‌تان اثر بگذارد، آنوقت باید در برابر آن پایداری کرده و آن را نپذیرید. نمی‌گویم که یک مکتب فکری خاصی را رد کنید: به تزکیه‌کنندگان می‌گویم که چگونه تزکیه کنند. بیشتر شما که اینجا نشسته‌اید در حال انجام تزکیه هستید، بنابراین من در حال آموزش فا به مریدانم هستم، نه به مردم عادی. باید تفاوت را درک کنید.

پرسش: شوهر من استاد چی‌گونگ در مدرسه‌ای دیگر است. هر زمان که در وضعیت پاکسازی کارما هستم با استفاده از روش‌هایش مرا درمان می‌کند.

**استاد:** شما همگی می‌دانید آنچه که به آن اهمیت می‌دهم ذهن شما است. به او بگویید: «من قاطعانه دافا را تزکیه می‌کنم و چیزهای شما را قبول نمی‌کنم. ما می‌توانیم زن و شوهر باشیم، اما تزکیه جدی است.» نمی‌توانید از آنچه به شما اجبار می‌کند فرار کنید، زیرا بازوهای او قوی است و نیروی بیشتری دارد. بنابراین هیچ راهی برای شما نیست که در برابر آنچه او می‌خواهد انجام دهد مقاومت کنید. اما، اگر در ذهن‌تان محکم و قاطع باشید، فکر می‌کنم چیزها تغییر خواهند کرد. همچنین، اگر او بر انجام درمان شما اصرار کند، هیچ تأثیری نخواهد داشت. استاد از شما مراقبت می‌کند. راحت است که او را مسدود کرد، اما خودش چیزی نخواهد دید.

پرسش: وقتی که در طول تمرین‌ها، ذهن افکار پرت و گیج دارد، آیا نتیجه این می‌شود که ندانسته در راهی شیطانی تمرین می‌کنیم؟

**استاد:** داشتن ذهنی پر از افکار پرت و گیج چیزی است که برای هر یک از شما اتفاق می‌افتد زیرا تزکیه می‌کنید. هر چند آن اثری بر شما ندارد. وقتی درباره چیزهایی صحبت کردم که ممکن است منجر به تمرین در روشی بد یا شیطانی شود، درباره چیزهایی گفتم که به هنگام تمرین در ذهن‌تان عمداً اضافه می‌کنید، چیزهایی از روش‌های تزکیه دیگر؛ یا وقتی که توسط برخی خودآگاه‌های دیگر کنترل می‌شوید. به غیر از اینها، چیزهایی که ربطی به تزکیه شما ندارند هیچ چیزی را شکل نمی‌دهند، اما شما باید افکار پرت و گیج خود را پاک کنید.

پرسش: به هنگام انجام مدیتیشن، آیا احساس نشستن در یک پوسته تخم‌مرغ فقط وقتی روی می‌دهد که پاها دیگر دردی نداشته باشند؟

**استاد:** لزوماً به آن شکل نیست. اگر بتوانید برای نیم ساعت مدیتیشن کنید و در آن نیم ساعت دردی احساس نکنید، پس آن می‌تواند در طول آن زمان اتفاق بیفتد. وقتی روزی ذهن‌تان بتواند به آن سطح از سکون برسد و بتوانید تا آن اندازه خود را آرام و ساکن کنید، ممکن است وارد آن حالت شوید. ضرورتاً خیلی طول نخواهد کشید. شاید فقط برای چند ثانیه یا چند دقیقه به طول انجامد، و آنوقت شما از سکون بیرون می‌آیید. ممکن است به این شکل روی دهد.

پرسش: در بسیاری از اوقات ناآگاهانه از جن-شن-رن منحرف شده‌ام. بسیاری از وابستگی‌ها در اعماق درونم توسط آن وابستگی‌های ظاهری پوشانده شده‌اند.

**استاد:** اهمیتی ندارد. نگران نباشید. تا زمانی که در تزکیه پایداری داشته باشید، بتوانید بطور مداوم این چیزها را پاک کنید، و بتوانید افکار بد را تشخیص داده و آنها را پاک کنید، شما در روند تزکیه خود هستید. مشکل تنها می‌تواند این باشد که به وابستگی‌هایی بچسبید و رها نکنید. به غیر از آن، هیچ چیز دیگری واقعاً این یا آن مشکل را برای شما ایجاد نمی‌کند. آن به این خاطر است که هنوز در حال تزکیه هستید، و درواقع در حال اصلاح و پالایش خود هستید.

پرسش: آیا تمام وابستگی‌های من نشان داده خواهند شد؟

**استاد:** آنها مطمئناً نشان داده خواهند شد. من قطعاً تمام آنها را به شما نشان خواهم داد. سؤال این است که وقتی زمانش برسد آیا قادر هستید بر آنها غلبه کنید. وقتی آنها نشان داده می‌شوند و شما وابستگی‌هایی را پیدا می‌کنید که نباید آنجا باشند، و بطور واضح می‌دانید که آنها وابستگی‌هایی هستند که نباید آنجا باشند، نباید بر آنها سرپوش بگذارید و باید از آنها خلاص شوید. هر زمانی که یک ناسازگاری و تضاد وجود دارد، من درحال تلاش هستم تا به شما بگویم وابستگی‌تان به نمایش درآمده است. اما

اغلب برای اشتباهات، خود را بررسی نمی‌کنید، و در عوض به این نگاه می‌کنید که دیگران چگونه بطور بدی با شما رفتار کرده‌اند، دیگران چه اشتباهی انجام داده‌اند، و اینکه چگونه دیگران با نظرات و افکار شما ناسازگار هستند. اگر موفق شوید درون خود را جستجو کنید وابستگی‌هایتان را خواهید دید.

پرسش: آیا بعد از اینکه موجودات بشری آینده استاندارد اخلاقی را دوباره زنده کنند، سطوح موجودات دوباره آشکار می‌شود؟

**استاد:** موجودات در بدن‌های کیهانی در سطوح مختلف توانایی‌های متفاوتی دارند. سطوح موجودات بشری توسط میزان خوبی در برابر بدی و همچنین مقدار تقوا در برابر کارمایی که دارند، تعیین می‌شود. بر روی زمین، موجودات انسانی بالاتر از تمام حیوانات و گیاهان هستند. من همچنین به مشکلی اشاره کردم: چینی‌های بسیاری هستند، و مخصوصاً چینی‌هایی که خارج از سرزمین اصلی چین زندگی می‌کنند، که پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی بسیار نیرومندی دارند، قوی‌تر از پیوند آنها به فا. فکر می‌کنم آن قطعاً مانعی بزرگ برای کسب فا توسط آنان است. اما در طول روند تزکیه واقعی، بسیاری از آنها بر این مانع غلبه کرده‌اند. اما من این را مانعی بسیار بزرگ یافته‌ام. اگر موجودات بشری از استانداردهای موجودات بشری پیروی نکنند موجودات بشری در نظر گرفته نمی‌شوند. چرا ما میمون‌ها را موجودات بشری در نظر نمی‌گیریم؟ زیرا انسان‌ها استانداردها، و رفتار، تفکر، و ارزش‌های اخلاقی موجودات انسانی را دارند. آن زمانی است که آنها موجودات بشری در نظر گرفته می‌شوند. اگر به افراط بروید هنوز عملی نیست.

پرسش: آیا درست است که در تاریخ بشر فقط هفت میلیارد نفر هستند که در میان خودشان بازیید/شده‌اند؟

**استاد:** شاید این‌طور باشد. شما همگی به این موضوع علاقه دارید... حقیقت این است که، در تاریخ هرگز اجتماعی مانند اجتماع امروزه وجود نداشته است. ممکن است مقاله شخصی را در روزنامه خوانده باشید که درباره سخنانی من در موضوع فرازمینی‌ها بود، و او آن را خنده‌دار می‌دانست. همگی درباره آن فکر کنید: هرگز در تاریخ، نژاد بشری این چینی وجود نداشته است، اما دوره‌هایی از زمان در تاریخ بوده است که تکنولوژی نژاد بشر پیشرفته‌تر بود- بسیار فراتر و پیشرفته‌تر از آنچه امروز هست. موجودات بشری امروزه نمی‌توانند یک ماه بسازند و در آسمان قرار دهند، اما در تاریخ نژاد بشر، انسان‌ها قادر به این کار بودند. به هر حال، علم توسط نژاد بشری امروزی توسعه یافت و مقتضیات فعلی امروزه تنها مسیر در کل روند رشد و پیشرفت نژاد بشر نیست. مسیرهای مختلف برای رشد و توسعه وجود دارد. علم نژاد بشری امروزه، در حقیقت، توسط فرازمینی‌ها آورده شد. بعضی افراد فرازمینی‌ها را مطالعه می‌کنند و به اصطلاح سیگنال‌های آنان را جمع‌آوری می‌کنند. در حقیقت، آنها دقیقاً اطراف شما هستند، فقط اینکه با شما ارتباط برقرار نمی‌کنند. همچنین به روشی بسیار نظام‌مند آنچه قصد دارند را انجام می‌دهند.

همگی درباره آن فکر کنید: روزی دیگر، وقتی ذکر کردم که علم یک مذهب است، همه شما کاملاً به خوبی درک کردید. در مذاهب، آنها مؤسس و روحانی دارند، در حالیکه در علوم نیز عناوین گوناگونی وجود دارد: رئیس دانشگاه، دکتر، استاد، لیسانس، پروفیسور، استادیار، و غیره. و به علاوه، آن شکلی کامل از مذهب است، مذهبی که همه جا وجود دارد و به شدت نظام‌مند است. موجودات انسانی بیشتر از اینکه به هر مذهبی باور داشته باشند به آن اعتقاد دارند، و این باور بطوری نامحسوس ایجاد شده است. اگر آن را خوب مطالعه نکنید، توسط این اجتماع بیرون رانده می‌شوید: شغل خوبی پیدا نمی‌کنید یا آینده خوبی نخواهید داشت. هر کسی می‌داند که یک مذهب قاعده‌مند و منظم سبب می‌شود شما به لحاظ ذهنی به آن باور داشته باشید، و آنوقت باعث می‌شود شما ببینید، بشنوید، و وجود واقعی و حقیقی خدایان را احساس کنید. در مقابل، مذهب علم، باعث می‌شود بر یک پایه و اساس مادی مشاهده کنید و به جلو پیش بروید تا اینکه سپس به لحاظ ذهنی به آن وابسته شوید. آن رویکردی برعکس را برمی‌گزیند.

اما من مخالف علم نیستم، زیرا آن نیز محصولی از این جهان است. صرفاً این را می‌گویم که علم چیست. علم، علمی نیست، و بارها برای نژاد بشر بلا و مصیبت به ارمغان آورده است که هرگز اصلاح نخواهد شد. شما همگی درباره آلودگی هوا می‌دانید. هوا که صنایع، آن را آلوده کرده‌اند هرگز نمی‌تواند به پاک‌ترین حالت خود برگردد. صنایع، آب را نیز آلوده کرده‌اند، و بدون توجه به

اینکه روش‌های شما چه اندازه خوب باشد، هرگز نمی‌توانید آن را به تمیزترین حالت خود برگردانید. موجودات بشری این هوا را تنفس کرده و این آب را می‌نوشند. اگر این‌طور ادامه پیدا کند، نژاد بشری (به غیر از مریدان دافا) از شکل خواهد افتاد. ساختار دست و پای‌شان از شکل خواهد افتاد و بدتر و بدتر خواهد شد. آن بلایی است که در این قلمروی مادی پدیدار شد. در قلمروی معنوی، علم قبل از اینکه به آن موضوع برسد، ادعا می‌کند که شما غیرعلمی و خرافاتی هستید، و اگر درباره هر چیزی که علم هنوز نشناخته است حرف بزنید، یا اگر درباره وجود خدایان یا این حقیقت که خوبی پاداش و بدی مجازات دارد صحبت کنید، با چماق دانش به شما حمله می‌کند. نتیجه آن نوع از صدمه چیست؟ آن باور انسان به الهیات و مفاهیمی که ارزش‌های اخلاقی موجودات بشری را پایدار نگه می‌دارد تخریب می‌کند. و وقتی این چیزها تخریب شوند، استانداردهای اخلاقی که نژاد بشری را پایدار نگه می‌دارند کاملاً نابود می‌شوند. بنابراین امروزه هیچ کار بدی نیست که مردم از انجام آن بترسند. آیا تمام این توسط علمی ایجاد نشده است که در واقع آنقدرها هم پیشرفته نیست؟

من صرفاً در حال گفتن حقیقت به شما هستم. نمی‌گویم که مخالف علم هستیم. فقط به خاطر باور کورکورانه مفرط موجودات بشری به آن است که نژاد بشر را به خطر انداخته است. و بیشتر اینکه، علم توسط فرازمینی‌ها به اینجا آورده شد. پس هدف آنها چه بود؟ آنها بطوری نظام‌مند موضوعاتی مانند ریاضی، فیزیک، و شیمی را آوردند. آنوقت در بدن و ذهن شما، آن قالب تفکری که آنها می‌خواستند، شکل گرفته است. امروزه، محصولات و ابزار کار، شکل‌ها کار، نیازهای روزانه، و همچنین روش‌های زندگی توسط علم ایجاد شده است که روش‌های تفکر انسان و تمام رفتار او را شکل داده است. این به‌طور کامل حالتی ذهنی شکل داده است که انسان مدرن منحرف را به وجود می‌آورد. امروزه، تقریباً همه این‌طور هستند. آنها همه افکاری دارند که توسط فرازمینی‌ها شکل گرفته، و هیچ کسی قادر نیست از آن فرار کند زیرا هر چیزی که شما با آن روبرو هستید توسط علم مدرن ایجاد شده است. آن تمام فرصت‌ها را ربوده است، بنابراین هر بخشی از زندگی شما از علم جداشدنی است.

در نتیجه، ذهن شما یک روشی از تفکر و ذهنیت را بر پایه درکی از دنیای مادی شکل داده است - یک ظاهری بیرونی که علم مدرن خلق کرده است. آن نیز یک لایه از ذرات است. رفتار شما توسط ذهن تان دیکته می‌شود. آنوقت، چیزهایی که شما انجام می‌دهید، خودروهایی که می‌رانید - تمام کارهایی که انجام می‌دهید - همگی توسط علم ایجاد شده‌اند. به این ترتیب، هم در بدن و هم در ذهن بشر یک لایه از ذرات شکل گرفته است. علمی که توسط فرازمینی‌ها برای موجودات بشری آورده شده است یک لایه از ذرات را شکل داده که به دانش آنها تعلق دارد. این دقیقاً طرح منظمی است که توسط فرازمینی‌ها ایجاد شد تا بدن موجودات بشری را بدست آورند.

بنابراین، همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، علم از تمایلاتی که مردم دارند سوءاستفاده کرده است، و تمایلات موجودات بشری، آنها را تحریک به پیشروی می‌کند. هر وقت کسی تردیدهایی درباره علم امروزه مطرح می‌کند، معمولاً آن مخالفت دانشمندان را موجب می‌شود. موجودات بشری نمی‌دانند که این نوع از بی‌تحملی در برابر شک و تردید، خودش نتیجه‌ای از علم است. آن باید روشن شود که بی‌تحملی این «دانشمندان» از روی احساسات در سمت آنان برمی‌خیزد نه از روی دلیل و منطق. می‌توانم بگویم که بعد از رسیدن به این نقطه، چیزهایی که توسط دانشمندان اختراع و خلق شده است در حقیقت ابداعات موجودات بشری نیستند. پس ابداعات چه کسانی هستند؟ آنها بوسیله ساختاری ایجاد شدند که توسط فرازمینی‌ها کنترل شده و در مغز انسان شکل گرفته است. و آن ساختار دقیقاً چیزی است که شدیداً توسط فرازمینی‌ها کنترل می‌شود. آنها به شما الهام می‌کنند و باعث می‌شوند چیزی را اختراع کنید. آنها شروع کردند تا بطوری نظام‌مند جایگزین نژاد بشر شوند.

وقتی آن اتفاق افتاد، آنگاه تمایلات مردم توسعه بشر را به پیش راند. در ابتدا مردم خواستند که ربات‌ها را بسازند، اما اکنون فقط ربات‌ها نیستند. آنها می‌خواهند موجودات بشری بسازند - موجودات بشری را همانندسازی کنند. اگر موجودات بشری واقعاً از طریق همانندسازی ایجاد شوند، درباره آن فکر کنید... موجودات بشری توسط خدایان اداره می‌شوند. وقتی یک فرد به دنیا می‌آید، اگر او هیچ روحی نداشته باشد، پس فقط یک جسد است. چرا یک انسان با اینکه هیچ مشکلی در بدن فیزیکی خود ندارد ممکن است بمیرد؟ چگونه می‌تواند به ناگهان بمیرد؟ به این دلیل که روحش ترک کرده است. بدون آن روح، صرفاً تکه بزرگی از پوست و گوشت است. او با روحش، زنده است. یک بدن بشری مانند یک تکه لباس است: وقتی توسط یک موجود بشری

پوشیده می‌شود، زنده است؛ اگر پوشیده نشود، مرده است. پس درباره آن فکر کنید: اگر خدایان یک روح درون یک موجود همانندسازی شده قرار ندهند، به این دلیل که توسط موجودات بشری ساخته شده است و خدایان مطمئناً آن را تصدیق نمی‌کنند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ یک فرازمینی با قراردعی خودش به جای روح آن انسان، آن جای خالی را پر خواهد کرد. بنابراین آنوقت آن یک بدن بشری خواهد داشت و یک موجود بشری را تصاحب خواهد کرد. تعداد بیشتر و بیشتری از این نوع موجودات وجود خواهند داشت. و به خاطر تمایلاتشان، به موجودات بشری فرمان داده می‌شود تا بطور دائم آنها را بسازند. تعداد بیشتر و بیشتری از آنها ساخته خواهند شد. این موجودات اکثریت خواهند شد، و عضوی از نژاد بشری خواهند بود، و از انسان باهوش‌تر خواهند بود. ذهن موجودات انسانی هم‌اکنون یک لایه‌ای از ذرات آنها را در خود دارد و توسط آنها کنترل می‌شود. بنابراین آنها قوانینی را تنظیم خواهند کرد که اجازه نخواهد داد موجودات بشری از یک مرحله به بعد فرزند به دنیا بیاورند. تمام [موجودات] به اجبار همانندسازی خواهند شد. و آن زمانی است که آنها زمین را در دامنه‌ای وسیع مورد هجوم قرار خواهند داد. در ظاهر آنها شبیه موجودات بشری هستند، اما نیستند؛ آنها موجودات فضایی هستند. پس درباره آن فکر کنید: من به هیچ‌وجه در حال بافتن داستان‌هایی برای مردم نیستم! (تشویق)

البته، در رویارویی با رویداد حاضر، موجودات بشری کاملاً درمانده هستند. آنها نمی‌توانند از تمام چیزی که علم به موجودات بشری داده است فرار کنند، زیرا علم توسط فرازمینی‌ها کنترل می‌شود، و شما حتی نمی‌توانید آنها را مکان‌یابی کنید. موجودات بشری می‌خواهند که با فرازمینی‌ها ارتباط برقرار کنند، اما تقریباً همه چیز موجودات انسانی امروزه توسط آنها اختراع شده است. موجودات بشری فکر می‌کنند که آنها با شما تماس برقرار نخواهند کرد، اما در حقیقت شما تمام مدت با موجودات فرازمینی در ارتباط هستید. آیا واقعاً نیازی دارید که در جستجوی آنها باشید؟ بنابراین موجودات بشری در مواجهه با تمام این درمانده هستند. آنها نمی‌توانند آن را حل کنند. این چیزی است که من به‌عنوان بزرگترین مشکل برای نژاد بشری در حال حاضر می‌بینم. اکنون به مردم گفته‌ام و صحبت کرده‌ام.

گفتم که نمی‌خواهم با به‌اصطلاح علم مخالفت کنم، اما وضعیت خطرناک واقعی نژاد بشر را دیده‌ام. از آنجاکه در این محیط نجات را به شما عرضه می‌کنم، باید در این محیط زندگی کنم، سوار ماشین شوم و با هواپیما سفر کنم. علم و فرازمینی‌ها نیز محصولاتی از این جهان هستند. در عین حال، توسعه نژاد بشری همیشه ابتدای خود را خواهد داشت و تا انتهای خود رشد خواهد کرد. این یک قانون است. تمام کاری که انجام داده‌ام این است که یکی از پدیده‌های امروز را به شما بگویم تا شاگردانم همانطور که تزکیه می‌کنند این جهان را درک کنند. اگر وارد جزئیات شوم بسیاری از مردم عادی آنها را درک نخواهند کرد، بنابراین درباره آنها صحبت نمی‌کنم. رشد و توسعه کامپیوتر در حقیقت چیزی وحشتناک برای انسان است. شما ممکن است خودتان را نابود کنید بدون اینکه حتی بدانید چگونه خود را تخریب کردید. این روزها مردم داده‌ها را ذخیره کرده و سپس نتایج را با کامپیوترها تجزیه و تحلیل می‌کنند. با توسعه بیشتر، مردم شاید از کامپیوترها استفاده کنند تا تصمیماتی بگیرند، و آن نشانه‌ای از شروع فرمانبرداری انسان‌ها از کامپیوتر است. کامپیوترها آنوقت شروع می‌کنند تا کاملاً به مردم فرمان دهند. کامپیوترها بیشتر و بیشتر باهوش می‌شوند، و موجودات بشری از همیشه بیشتر به کامپیوتر وابسته می‌شوند، تا اینکه در نهایت بطور کامل توسط کامپیوترها کنترل می‌شوند. به این شکل تمایلات انسان برای نابودی نژاد بشر بکار می‌رود.

پرسش: مقاله نوشته شده توسط استاد بطور معمول به مقتضیات خاصی اشاره کرده است. آیا این بر درکی که مریدان خارج از کشور از فا دارند تأثیر می‌گذارد؟

استاد: خیر، نمی‌گذارد. یکسان است. نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر اساساً برای اصلاح مداوم مشکلاتی است که همراه با تزکیه شما ظاهر می‌شوند. و در مورد اینکه چگونه تزکیه می‌کنید، شما فقط می‌توانید محکم به جوآن فالون بچسبید. هیچ مشکلی نباید وجود داشته باشد.

پرسش: در طول مطالعه گروهی، به نظر رسید در نقطه‌ای خاص از خواندن مان به چیزی آگاه شدم. وقتی کاملاً آن را درک کردم، دو پاراگراف خوانده شده بود.

**استاد:** اهمیتی ندارد. هدف از خواندن فا این است که شما بتوانید درک کنید. فهمیدن فا مهمترین است. به هنگام خواندن فا باید معنای کلماتی که می‌خوانید را بدانید. حداقل، باید معنای ظاهری را درک کنید. اگر بگویید: «فراموش کردم اکنون چه خواندم»، احساس آشفتگی نکنید. مهم نیست. فقط پیش بروید و بخوانید. اما اگر بگویید: «من حتی معنای کلماتی که می‌خوانم را نمی‌دانم، و صرفاً می‌خوانم و می‌خوانم، با دهانم که زمزمه می‌کند و چشمانم که می‌بیند، اما ذهنم جای دیگری است»، آنوقت آن عملی نیست، و شما به هدف تزکیه دست نخواهید یافت.

پرسش: چرا مدرسه بود/ درباره روابط تقدیری بسیار دقیق و خاص است؟

**استاد:** در حقیقت، هر کسی درباره رابطه تقدیری دقیق است. حقایق بسیاری درباره جهان وجود دارد که من نمی‌توانم درباره آنها به شما بگویم، زیرا آنها [شامل] خدایان می‌شود، و من نمی‌خواهم شما درباره خدایان با تفکر بشری فکر کنید. موجودات بشری فکر می‌کنند تا وقتی که خودشان را در مذاهب تزکیه کنند می‌توانند به بهشت‌های آسمانی بروند. آنها فکر می‌کنند: «تا وقتی به آن احترام بگذارم و از آموزه‌های آن پیروی کنم، از من مراقبت خواهد کرد.» در حقیقت، شما آن را اصلاً درک نکرده‌اید. در گذشته تزکیه به سوی بالا بی‌نهایت سخت بود. از وقتی که شما سقوط کردید، آنها به هیچ‌وجه نمی‌توانستند به شما اجازه دهند با آن به بالا برگردید. شما اجازه ندارید به بالا بازگردید، زیرا آنها فکر می‌کنند که شما به پاکی آنها نیستید، و بدون توجه به اینکه چگونه خودتان را تزکیه می‌کنید باعث آلوده شدن آنها می‌شوید. اما امروز آن تغییر کرده است. همگی شما می‌دانید که از مبدأ اصلی، ما نه تنها بهتر می‌شویم، بلکه همچنین هر چیزی از گذشته را پشت سر می‌گذاریم، به حالتی می‌رسیم که بسیار فراتر از بهترین دوره تاریخ جهان می‌رود. (تشویق)

پرسش: بسیاری از مریدان حسی از ورای قانون دنیای سه‌گانه ندارند. آیا آنها زمان کافی برای تزکیه به کمال دارند؟

**استاد:** از آنجاکه شما فا را کسب کرده‌اید، تمام چیزی که نیاز دارید این است که بدون نگرانی تزکیه کنید. اگر زمان کافی وجود نداشت من نجات را عرضه نمی‌کردم. در حقیقت، بزرگترین نگرانی من زمان نیست، بلکه این است که شما بتوانید تمام مسیر تا انتها در دافا تزکیه کنید. درخصوص آن حس، برخی از شما به سطح کاملاً بالایی رسیده‌اید اما هنوز چیزی احساس نکرده‌اید. شما واقعاً نمی‌توانید سطح فرد را با احساسات فیزیکی قضاوت کنید. آن احساس چه ارزشی دارد؟ به برخی افراد عمداً اجازه داده نمی‌شود که چیزها را احساس کنند زیرا آنها از سطوح بالا هستند. احساس کردن حتی به مقدار اندک تاحدی قانون توهم و روشن‌بینی را می‌شکند، و آنوقت آنها شاید هرگز به مکان اصلی خود بازنگردند. آن به این دلیل است که برای آنها باید استانداردهای بالا در نظر گرفته شود. دیگران می‌توانند چیزها را ببینند و هنوز بازگردند، درحالی‌که این افراد نه اجازه دارند ببینند نه به لحاظ فیزیکی احساسی داشته باشند. حتی یک ذره اندک مانع آنها می‌شود که به مکان‌های اصلی خودشان برگردند. حقیقت این است. آیا این‌طور نیست؟

پرسش: با خواندن کتاب هنگ بین استاد، از شکوه قهرمانانه استاد محترم بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. طوری‌که اشک از چشمانم جاری شد. من شدیداً رحمت بیکران را احساس کردم به شکلی که با کلمات قابل توصیف نیست. (تشویق) اگر نتوانم برای معلم جبران کنم تا ابد تأسف خواهم خورد.

**استاد:** درواقع، هیچ چیزی برای تأسف وجود ندارد. برای شما راحت نبوده که فا را کسب کنید. تمام چیزی که شما می‌دانید این است که ظاهراً بطور اتفاقی کسی درباره فا به شما گفت، و بنابراین آن را بدست آوردید. حقیقت این است که آن چیزی بود که در اعماق قلب‌تان پنهان شده بود، مانند یک دوشاخه برق. لحظه‌ای که اتصال برقرار شود، تکان می‌خورید. اما برای بعضی افراد

آن دوشاخه دیگر کار نمی‌کند، زیرا با آلودگی و غبار پوشیده شده است. حتی با اینکه دوشاخه به پریز متصل شده است، هیچ برقی وجود ندارد. بسیاری از افراد زندگی‌هایشان را در گذشته از دست دادند تا بتوانند فا را بدست آورند. آنها در گذشته تزکیه کرده‌اند و آزمون‌های تزکیه‌ای سخت بسیاری را متحمل شده‌اند.

پرسش: اگر کودکان راه تزکیه را انتخاب نکنند، وقتی والدین آنها در تزکیه به کمال برسند چه اتفاقی برای آنها خواهد افتاد؟

**استاد:** با توجه به شرایط کنونی شما، نمی‌توانم بگویم به این وابسته هستید؛ این قلمروی حال حاضر شما است. اما اگر از قلمرویی بالاتر به این نگاه کنید، یک وابستگی است. شما حتی نمی‌دانید آیا می‌توانید به کمال برسید - چرا نگرانی‌های غیرضروری بسیار زیادی دارید؟

درباره آن فکر کرده‌اید: چگونه می‌تواند امکان‌پذیر باشد که وقتی تا کمال تزکیه می‌کنید به سادگی دست‌های خود را از آلودگی بشویید و از تمام بدهی‌هایی که زندگی پس از زندگی بدهکار هستید، و از تمام نیکی‌هایی که دریافت کرده‌اید و تمام کینه‌های قدیمی که به بار آوردید، پای خود را کنار بکشید؟ آنچه شما بازپرداخت کرده‌اید فقط بدهی‌های معنوی است؛ شما آن بخش مادی بدهی‌ها را نپرداخته‌اید. پس چگونه می‌توانید به کمال برسید؟ من تمام آنها را برای شما تسویه خواهم کرد و کارهای زیادی برایتان انجام خواهم داد. فقط درباره آن فکر کنید: تمام نیکی‌ها و کینه‌های قدیمی شما باید تسویه شود. اما چگونه؟ اول از همه، اگر بتوانید به کمال برسید بهشت شما نمی‌تواند خالی باشد. آیا بودها از نجات تمام موجودات ذی‌شعور صحبت نمی‌کنند؟ موجودات ذی‌شعور در بهشت شما وجود خواهند داشت. بسیار امکان دارد که آنها زندگی‌هایی باشند که شما یک بار گرفته‌اید، یا کسانی که به آنها بدهکار بودید، یا کسانی که دوستان صمیمی بودید. هر دو نوع ارتباطات کارمایی - نیکی‌ها و کینه‌های قدیمی - باید برای شما تسویه شوند. بنابراین موجودات زیادی موجودات ذی‌شعور در بهشت شما می‌شوند.

تمام نیکی‌ها و کینه‌های قدیمی از گذشته باید برای شما تسویه شوند، بنابراین آیا ارتباط‌های کارمایی حال حاضر شما نیز نباید مورد مراقبت قرار گیرند؟ شیوه‌ای که بسیاری از شما بانوان با افراد مورد علاقه‌تان رفتار می‌کنید... آن واقعاً تزکیه شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وابستگی را رها کنید و در تزکیه پیش روید. در واقعیت، بدون توجه به اینکه آن چقدر برایتان سخت است که از احساسات خود نسبت به کسی دست بکشید، زمانی که دار فانی را وداع می‌گویید، مجبورید [به آن دست یابید]. بعضی از شما شاید سال‌های زیادی از عمرتان باقی نمانده باشد و شاید یک روزی به زودی به پایان برسد. پس به هر حال باید از آن دست بکشید. اگر بتوانید تا کمال تزکیه کنید، آنوقت استادان می‌دانند چه کسی را می‌خواهید نجات دهید. اما نمی‌توانید آن را یک وابستگی در نظر بگیرید و به شیوه‌ای متفاوت به آن وابسته شوید.

پرسش: کسی که در تزکیه به خوبی عمل کرده است یک بار گفت: «داشتن قصد نیز بخشی از بی‌قصد بودن است.» من کمی احساس سردرگمی کردم.

**استاد:** آیا این مداخله نیست؟ اگر آن چیزی از فایه‌ای که گفته‌ام نیست درباره‌اش فکر نکنید. حتی اگر توسط مریدی که در دافا تزکیه می‌کند گفته شده باشد، شاید چیزی باشد که او در وضعیت‌های مختلف خود و در قلمروهای مختلف به درک آن رسیده باشد. می‌تواند درست یا اشتباه باشد. درباره آن نگران نباشید، و همان‌طور که من آموزش داده‌ام عمل کنید. ذهن خود را بر فا متمرکز کنید و به چیزهایی که دیگران می‌گویند وابسته نباشید.

همگی باید روشن باشند که آموزش فا و ارائه نجات به موجودات بشری درون مفهوم قصد یا بی‌قصدی نیست. آن نمی‌تواند توسط یک موجود عادی درک شود. به علاوه، چیزهایی که بوده‌اند، اینجا در میان موجودات بشری ظاهر نمی‌شوند. قبلاً به شما گفتم که بهشت‌های بوداها بی‌نهایت غنی و متنوع است. آنها حتی باشکوه‌تر هستند، اگر غیر از این بود چه کسی می‌خواست به آنجا برود؟ آن چیزی نیست که موجودات بشری تصور کرده‌اند. در چشم بوداها، دانه‌ها، و خدایان، بسیاری از کارهایی که موجودات بشری انجام می‌دهند موانعی هستند که بطور جدی از رفتن آنها به بهشت بوداها جلوگیری می‌کند. بنابراین آنها تماماً



وابستگی‌های قصد داشتن است. اما ارائه نجات به موجودات بشری موضوعی متفاوت است. همچنین، می‌توانم به شما بگویم که نجات موجودات بشری تنها کاری نیست که در حال انجام آن هستیم. آن صرفاً بخشی از چیزی است که می‌خواهم انجام دهم، بنابراین دلایل دیگری وجود دارد. منظورم را با مثال روشن خواهم کرد. فرض کنید این جهان محکوم به فروپاشی است. یک خدا قادر است از آن جلوگیری کند، اما هیچ کاری درباره آن نمی‌کند. آیا می‌گویید اگر او قدم پیش بگذارد «قصد دارد» و اگر قدم پیش نگذارد «فارغ از قصد» است؟ من در حال تشریح موضوعات از قلمرویی بسیار بالا به زبان بشری هستم، اما در چنین قلمروی بالایی آن متفاوت است. مفهوم بشری «باقصدی» نمی‌تواند یک قلمروی بالاتر یا قلمروی بوداها را توصیف کند.

پرسش: پیوندی جدانشدنی بین من و کوه تالی است، و من سؤالات بسیاری درباره این دارم. آیا استاد می‌توانند کمک کنند کمی از این راز را حل کنم؟

**استاد:** خیر، من فقط موضوعات تزکیه را به تزکیه‌کنندگان توضیح می‌دهم. من مسئول شما هستم تا به کمال برسید. شما نمی‌توانید آن را بدست آورید اگر به آنچه در طول زندگی‌های پیشین تجربه کردید، وابسته باشید. اگر آنها را به شما توضیح دهم باعث می‌شود بیشتر وابسته شوید.

پرسش: گاهی چنین آرزویی دارم که یک دستیار باشم یا مسئول یک مرکز دستکاری باشم. آیا آن یک وابستگی قوی است، و آیا من در حالت داشتن قصد هستیم؟

**استاد:** در واقع، بسیاری از دستیاران ما انتخاب نشده‌اند. اتفاقی که افتاده این است که، آنها فا را بدست آوردند و در مناطق آنها اشخاص دیگری نبودند که تمرین کنند، بنابراین یک گروه از افراد دور هم جمع شدند تا یاد بگیرند، و بطور طبیعی آنها مسئول یک مرکز دستکاری یا یک دستیار شدند. مسئول یک مرکز دستکاری چیزی منحصر به دافای ما نیست. آن صرفاً عنوان مردم عادی است. در گذشته، یک مرکز تابعه مؤسسه تحقیقات چی‌گونگ یک مرکز نامیده می‌شد. آنها همگی مراکز دستکاری نامیده می‌شدند.

این چیز خوبی است که شما می‌خواهید برای دیگران کاری انجام دهید، اما این چیز خوبی نیست اگر بخواهید آن را به خاطر رئیس شدن انجام دهید. هیچ مقام رسمی برای فرد وجود ندارد، و هیچ پرداختی نیز وجود ندارد. اصلاً چیزی نیست. من می‌دانم که شما می‌خواهید کاری برای دیگران انجام دهید. می‌توانید هرگاه شرایط اجازه داد آن را انجام دهید. بدون یک عنوان، شما هنوز می‌توانید برای مردم از روی اشتیاق و جدیت کارهایی انجام دهید. هم‌اکنون افراد بسیاری در مناطق زیادی هستند که دافا را مطالعه می‌کنند. آن نتیجه‌ای از فعالیت‌های زیاد اشاعه فا است که شاگردان مان انجام داده‌اند.

پرسش: وقتی ما اینجا در حال گوش دادن به آموزش فا توسط شما هستیم، آیا بدن‌هایمان در تمام بُعدهای دیگر همان کار را انجام نمی‌دهند؟

**استاد:** آیا از ابتدا بدن تان را از مبدأ نهایی آن تبدیل نکردم؟ چرا هنوز درباره آن نگران هستید؟ (تشویق) در این بُعد، شما فقط در حال گوش دادن به فا هستید و تغییرات اندک هستند. اما تغییرات واقعی در بُعدهای دیگر در حال روی دادن است.

پرسش: هر بار قبل از شرکت در یک کنفرانس فا، من با سختی‌ها و موانعی روبرو می‌شوم. آیا آنها توسط کارمای خودم ایجاد می‌شوند یا کاری که اشتباه انجام دادم؟

**استاد:** هرگاه مشکلاتی دارید درون خود را بررسی کنید. سختی‌ها اتفاقی پیش نمی‌آیند. آنها قطعاً به این منظور هستند که از وابستگی‌های خاصی، خودتان را رها کنید تا اینکه شاید خود را رشد دهید.

پرسش: هر بار که فا را مطالعه کرده‌ام، احساس کردم که انجام دادن یا ندادن کارهای عادی دیگر موضوع مهمی نیستند. اگر هنوز وابستگی به انجام کارهای خاصی داشته باشم چگونه می‌توانم تشخیص دهم؟

**استاد:** اجازه دهید این را بیشتر برای شما توضیح دهم. با تزکیه در میان مردم عادی، شما باید بهترین سعی خود را بکنید که درحالی‌که با روش مردم عادی تطابق دارید تزکیه کنید. آنچه اکنون گفتم دامنه وسیعی را دربرمی‌گیرد: غذایان، سرپناه‌تان، و حمل و نقل‌تان، و همچنین شغل و تحصیل‌تان - هر چیزی شامل می‌شود. شما باید در حالی‌که خودتان را تا بیشترین حد با مردم عادی وفق می‌دهید تزکیه کنید. از نمونه و سرمشق تزکیه‌کنندگان گذشته پیروی نکنید. آنها به محض اینکه تزکیه را شروع می‌کردند، به نظر می‌رسید فریب دنیای انسانی را نمی‌خوردند: «من دنیای مادی را ترک خواهم کرد.» از شما می‌خواهم که در میان مردم عادی تزکیه کنید. همچنین به شما می‌گویم که با هر کاری که انجام می‌دهید، باید آن را حتی بهتر از قبل انجام دهید. آن به این دلیل است که وقتی فا برای اولین بار منتشر شد، این را مورد توجه قرار دادم که مردم امروزه، که شغل‌ها و برنامه زندگی شلوغی دارند، چگونه می‌توانند تزکیه کنند. بنابراین اگر از اوقات فراغت خود برای تزکیه و مطالعه فا استفاده کنید قطعاً عقب نمی‌افتید یا جا نمی‌مانید. وابستگی‌های شما چیزهایی هستند که می‌خواهم از آن خلاص شوید، نه چیزهای مادی‌تان. اگر موضوع، این دومی می‌بود، آنهایی که در خیابان‌ها گدایی می‌کنند تزکیه‌کنندگان سطوح بالا می‌شدند. اما موضوع این نیست. آنچه باید برداشته شود تفکر بشری است، وابستگی‌هایی که نمی‌خواهید رها کنید.

گفته‌ام که خانه شما می‌تواند از آجرهای طلا باشد، اما به آن اهمیت نمی‌دهید، آن را به عزیزی جانتان در نظر نمی‌گیرید، و حرص و طمع شدید ندارید. اگر چیزی مانند آن را دارید، بگذارید باشد، زیرا آن، آنجا در زندگی شما است و به آن اهمیت نمی‌دهید. اگر بتوانید این را انجام دهید - یعنی، اگر بتوانید از وابستگی خلاص شوید - آنوقت هر چه داشته باشید مهم نیست. اگر وابستگی نداشته باشید، اما مردم با شما به خوبی رفتار می‌کنند و اصرار دارند به شما مقام مدیریتی بدهند، آنوقت آن را قبول کنید. اهمیتی ندارد. اگر تجارت شما گسترده شود و بزرگ شود و پول زیادی درآورد، بگذارید باشد. اهمیتی ندارد. می‌توانید تزکیه کنید بدون توجه به اینکه در چه رده اجتماعی باشید. نباید به افراط بروید. در گذشته وقتی برخی افراد فای واقعی را کسب می‌کردند و تزکیه را شروع می‌کردند همه چیز را متوقف می‌کردند. آن راه صحیح انجام کارها نیست. آنچه به شما آموزش می‌دهم این نوع روش تزکیه [که توضیح دادم] است. افرادی که دفا را تزکیه می‌کنند پیش از اینکه به کمال برسند مطمئناً وابستگی‌های یک فرد عادی را دارند. و به این صورت، می‌توانند کار مردم عادی را انجام دهند، و تا حدی احساسات عادی خواهند داشت.

پرسش: یک وابستگی احتمالی را تشخیص داده‌ام اما موفق به رها کردن آن نشدم. آیا امکان دارد که آن مانند وابستگی به گوشت، توسط گونگ به سطح آورده شده باشد؟

**استاد:** حالا که آن را شناسایی کرده‌اید چرا از آن خلاص نشدید؟ البته، نمی‌توانید آن را یک شبه انجام دهید، و آن در مورد همه صدق می‌کند. اما اگر بطور مرتب خودتان را مهار کرده و خودتان را ملزم بدانید که حتی بهتر عمل کنید، آیا به تدریج به آن دست نمی‌یابید؟ اما اگر بگویید: «معلم گفته است که ما می‌توانیم آن را به تدریج انجام دهیم، پس بگذارید کم‌کم آن را انجام دهیم»، آنوقت با قدرت به سمت بالا قدم‌های بلند برنمی‌دارید، و شما در برابر تزکیه خود مسئول نیستید. آن تماماً درباره این است که همانطور که تزکیه می‌کنید چگونه با خود به‌عنوان یک تمرین‌کننده رفتار می‌کنید. من فکر می‌کنم اگر شما حقیقتاً بتوانید با خودتان به این صورت رفتار کنید، درک هر چیز دیگری راحت خواهد بود.

پرسش: در طول این کنفرانس فا، بعضی شاگردان درباره این صحبت کرده‌اند که در جستجوی سختی فیزیکی هستند تا کارما را از بین ببرند.

**استاد:** آن اشتباه است، این صحیح نیست. شما نمی‌توانید به دنبال سختی باشید و راه تزکیه خود و از بردن کارما را تنظیم کنید. آن عملی نیست. با انجام آن، شما در حال مختل کردن سیستمی هستید که من برای شما قرار می‌دهم. بنابراین تمام چیزی که

نیاز است انجام دهید این است که کتاب را بخوانید، فا را بخوانید، و خودتان را تزکیه کنید. هر زمان با مشکلاتی مواجه می‌شوید درون خودتان را بررسی کنید. انجام بهتر شغل‌تان در محل کار و یک شاگرد بهتر بودن در مدرسه کافی است. (تشویق)

پرسش: هر چه بیشتر تزکیه می‌کنم، عقاید و تصورات بشری عادی/ام قوی‌تر به نظر می‌رسند- تا حدی که حتی نمی‌دانم آیا یک تزکیه‌کننده هستم.

**استاد:** به همه شما می‌گویم که در تزکیه، اگر بیشتر و بیشتر وابستگی‌های خود را بطور واضح حس کنید، آن یک قدم به عقب نیست. آن یک گام به جلو است. یک فرد عادی نمی‌تواند چنین چیزهایی را بشناسد، اما شما می‌توانید درکی واضح و روشن از آنها داشته باشید. حقیقتاً می‌توان گفت که شما کاملاً خوب تزکیه کرده‌اید، اما چطور می‌شود که در حال حاضر بعضی از وابستگی‌هایتان سخت است که پاک شوند؟ آن به این دلیل است که روش تزکیه‌ای که من برای شما طرح‌ریزی کردم غیرممکن می‌سازد که شما از تمام وابستگی‌های خود به یک باره خلاص شوید. آنها لایه لایه پاک می‌شوند- هر بار یک لایه کم می‌شود. به این صورت، شما مقداری وابستگی‌های عادی خواهید داشت تا بتوانید در میان مردم عادی زندگی کنید، به تدریج تزکیه کرده و پیشرفت کنید. در غیراینصورت، بدون آن وابستگی‌ها، نمی‌توانستید هیچ رشد بیشتری داشته باشید، و تزکیه‌تان خاتمه می‌یافت و نمی‌توانستید در میان مردم عادی بمانید. بنابراین روش تزکیه دافا این است.

پرسش: به هنگام خواندن جوآن فالون بعد از تمام کردن خواندن یک سخنرانی به عقب برگشتم تا چند جمله را تکرار کنم تا بعضی از محتوای آن را حفظ شوم. آیا انجام آن بدون اشکال است؟

**استاد:** بدون اشکال است، اما می‌توانم به همه شما بگویم بهترین روش این است که آن را مکرراً از اول تا آخر بخوانید.

پرسش: هیچ کانال فرعی زیر چشم راست وجود ندارد. آیا این مربوط به فا است؟

**استاد:** این شکل وجودی‌ای است که فا برای موجودات زنده در این سطح آفریده است؛ آن همچنین یک تجلی در یک سطح است. آن در یک سطح بسیار بالا تغییر خواهد کرد. در آن سطح بالا، چشم می‌تواند فوراً در سطوح بُعدهای زیادی نفوذ کرده و آنها را مشاهده کند. آن می‌تواند از میکروسکوپی تا میکروسکوپی چیزها را تشخیص دهد. آن همچنین می‌تواند وجود موجودات زنده پیچیده‌تر و همین‌طور شکل هستی بُعدها را به خوبی تشخیص دهد. موجودات زنده در بُعدهای سطح بالا مانند موجودات بشری کارهای بد انجام نمی‌دهند، بنابراین این شکل از چشم در این سطح، آنجا کار نمی‌کند. بنابراین چشم‌ها مطمئناً در هر سطح تغییر می‌کنند. آیا همین الان به شما نگفتم بدن فیزیکی انسان‌ها در هر سطح شکل‌های متفاوتی نشان می‌دهند؟ تغییرات حتی در شکل سطحی ظاهر اتفاق می‌افتد. برای مثال، در یک سطح خاص کل صورت شاید نمایشی از یک چشم باشد مانند چشم یک سنجاقک- با چشم‌های بی‌شمار درون آن. این می‌تواند اتفاق بیفتد. در طول روند تزکیه، تجلیات گوناگون در سطوح مختلف بسیار پیچیده هستند. من نمی‌خواهم درباره این چیزها به شما بگویم؛ به عبارت دیگر، شما نباید به آنها وابسته باشید. اگر در هر سطح آن چیزها را دیده بودید، برای باقی عمرتان به آنها وابسته می‌شدید، و در نتیجه، باز نمی‌توانستید در تزکیه خود به بالا حرکت کنید. به آنها وابسته می‌شدید و دائماً به آنها فکر می‌کردید- «آنها عالی هستند!» بنابراین آن مجاز نیست. در یک سطح بسیار پایین در تزکیه، اینجا هیچ کانال فرعی وجود ندارد زیرا موجودات بشری تمایل دارند این چشم را وقتی بکار ببرند که با اسلحه به دیگران شلیک می‌کنند. همین‌طور در مورد پرتاب تیر از کمان. در یک کلام، این چشم همیشه برای انجام کارهای بد مورد استفاده بوده است. البته دلائل دیگر هم وجود دارد، بنابراین، آن نمی‌تواند به یک چشم حقیقی با خرد رشد یابد.

پرسش: هرگاه تمرین نشسته را انجام می‌دهم سرم نوسان دارد و تکان می‌خورد.

**استاد:** آن کاملاً پدیده‌ای طبیعی است. بسیاری از شما می‌دانید که وقتی مدار آسمانی نصف‌النهار در آستانه باز شدن است، بدون توجه به اینکه آن یک مدار آسمانی کوچک باشد یا بزرگ، تا وقتی شکل مدار آسمانی نصف‌النهار باز باشد، سر شخص تکان می‌خورد. اگر کانال انرژی به عقب برگردد، سر فرد به عقب خم می‌شود. وقتی که کانال انرژی به جلو برمی‌گردد، سر فرد تکان می‌خورد. وقتی به عقب برمی‌گردد، سر به عقب خم می‌شود. جریان انرژی سر را هل می‌دهد که تکان بخورد. اگر مدار آسمانی مائوئو باز باشد، سر فرد به نوسان درمی‌آید. وقتی انرژی به این سمت هل می‌دهد، سر فرد به این سمت نوسان دارد. وقتی انرژی به آن سمت هل می‌دهد، سر فرد به آن سمت نوسان دارد. اما شما نباید انرژی را دنبال کرده و سرتان را نوسان دهید. آن یک وابستگی خواهد بود، حسی از هیجان. بنابراین باید بهترین سعی خود را بکنید تا آرام و ساکن بمانید. هیچ بودا یا دائویی سر خود را تکان نمی‌دهد، آیا این کار را انجام می‌دهد؟ فکر نکنم این‌گونه باشد. این نوع پدیده در مرحله اولیه انجام تمرین تان روی خواهد داد. باید بهترین سعی خود را بکنید که با حرکت آن همراه نشوید.

پرسش: درباره معرفی یک زندگی‌نامه مختصر از معلم به یک روزنامه فکر می‌کنم. آیا این مناسب است؟

**استاد:** خیر، من نمی‌خواهم درباره مسائل شخصی خود صحبت کنم، و شما هم نباید این کار را بکنید. یک زندگی‌نامه مختصر و ساده از من به جوآن فالون اضافه شده بود زیرا مردم می‌خواستند بدانند من چه کسی هستم. حتی درخواست کردم آن را بردارند. آنچه به شما آموزش داده‌ام فا است، و همه شما باید فقط این فا را مطالعه کنید. به سابقه و پیش‌زمینه من علاقه نداشته باشید. فقط این فا را مطالعه کنید، و آن شما را قادر خواهد کرد به کمال برسید. (تشویق)

پرسش: یک شاگرد در یک شرکت کار می‌کند. اگر رئیس او از او بخواهد که به خاطر شرکت دروغ بگوید چه می‌شود؟

**استاد:** درباره این مسئله بخصوص صحبت کرده‌ام. هر چه انجام می‌دهید، باید خودتان را تزکیه کنید. اداره کردن آن باید راحت باشد. اگر در کل نمی‌توانید از آن اجتناب کنید، آنوقت آن اشتباه شما به حساب نمی‌آید. هر چند، اگر یک تزکیه‌کننده واقعی باشید، چنین موردی باید به تدریج کمتر پیش بیاید. همچنین، وقتی به انجام کار خاصی می‌رسد، می‌توانید قضاوت خود را به کار ببرید. شما خودتان باید وضعیت‌های خاص را اداره کنید. تحت آن شرایط من نمی‌توانم به شما بگویم چه کار کنید، وگرنه چیزی برای شما باقی نمی‌ماند که حل کنید.

پرسش: در نسخه‌هایی از کتاب که بدون اجازه چاپ شده‌اند، علامت فالون قبل از تصویر شما قرار داده شده است. آیا این کتاب‌ها مشکل دارند؟

**استاد:** این روزها نسخه‌های از کتاب که بدون اجازه چاپ می‌شوند همه جا پخش شده‌اند. این حقیقت دارد که کتاب‌های دافای من درباره اصول بالاتر صحبت می‌کند، در عین حال بهترین سعی خود را کردم تا درباره آنها از دیدگاه علمی صحبت کنم. چیزهای کثیف و آلوده، مسائل شهوت‌برانگیز در جامعه - چیزهایی که دیگر نمی‌توانست شهوت‌برانگیز باشد و به مردم آموزش می‌دهد کار اشتباه انجام دهند - آن چیزهای آشفته، درون خود هر چیزی دارند، و با این حال آن کتاب‌ها مجوز انتشار می‌گیرند. کتاب‌های ما به مردم می‌آموزد که چطور افرادی خوب باشند، و با این حال مجوز انتشار نمی‌گیرند. این شرایط چه مشکلی دارد؟ درباره آن فکر کنید: با صد میلیون نفر که دافا را مطالعه می‌کنند، دولت می‌توانست سود مالی قابل توجهی از درآمد مالیات داشته باشد. از آنجاکه کتاب ما مجاز به چاپ نیست، نسخه‌های غیرمجاز متداول شدند. البته، هیچ درآمد مالیاتی از نسخه‌های غیرمجاز کتاب وجود ندارد، و بنابراین دولت هیچ درآمدی از آنها نخواهد داشت. چیزی در جایی اشتباه است.

در مورد نسخه‌های غیرمجاز کتاب، فکر می‌کنم آنچه باید انجام شود، این است. چون منبع آنها را نمی‌توانیم پیدا کنیم، باید چه کار کنیم؟ کتاب‌هایی که حروف چینی آنها دوباره انجام شده است را نخرید، زیرا مطمئناً اشتباه چاپی دارند. هر کسی می‌داند که بازخوانی کتاب پیش از چاپ بسیار سخت است؛ از آنجاکه این فا است، مداخله اهریمنی وجود دارد. و همچنین کارمای فکری

موجودات بشری در دسر درست می‌کند، بنابراین انجام آن بی‌نهایت سخت است. کارکنان انتشاراتی شاگردان دافا نیستند، بنابراین احتمال این زیاد است که نتوانند به خوبی آن را انجام دهند. وقتی کتاب زمانی توسط انتشارات رسمی در چین چاپ شد، بازخوانی توسط شاگردان ما انجام شد. از این رو، نسخه‌های غیرمجاز کتاب قطعاً اشتباه دارند، با کلماتی که جا افتاده یا حتی صفحاتی که جا افتاده یا ترتیب‌شان بهم خورده است. بنابراین آنها را نخرید. فقط اگر آنها از روی کتاب اصلی ما توسط یک صفحه چاپگر کپی شده باشند می‌توانید آنها را بخرید، زیرا در آن صورت آنها محتوای دافا را تغییر نداده‌اند.

*پرسش: دانشمندان کشف کرده‌اند که سرعت انبساط جهان، که در حال کاهش بود، به ناگهان افزایش یافته و به بالاترین سرعت خود تا به کنون رسیده است. دانشمندان در حال تأمل هستند که چه نیرویی آن را هل می‌دهد.*

**استاد:** این جهان از طریق مشاهده با تلسکوپ برای موجودات بشری شناخته شده است که همچنین چیزی در بُعد ساخته شده توسط ظاهری‌ترین لایه از ذرات است، که از مولکول تشکیل شده است. بنابراین آن هنوز درون محدوده این بُعد است. در مورد حرکت این جهان، البته، هر کسی می‌داند که زمین به دور خورشید می‌چرخد، و الکترون‌ها دور هسته اتم می‌چرخند؛ اشیاء در حال حرکت هستند. اگر چه، در واقعیت، حتی شکل‌های عالی‌تری از حرکت وجود دارد. دانشمندان چند سال پیش کشف کردند که این‌طور است که گویا زمین در حال نفس نفس زدن بود- آن منبسط و منقبض می‌شد. زمین ما از مولکول تشکیل شده است. آنوقت، از یک نقطه ثابت میکروسکوپی‌تر و ترکیبات کوچکتر موجودات زنده، یا از ترکیبات موجودات زنده که درون زمین هستی دارند، آیا زمین یک جهان نیست؟ آیا مولکول‌هایی که زمین را می‌سازند بدن‌های کیهانی نیستند؟ آنها نیز یک لایه از جهان هستند. پس درباره آن فکر کنید: حرکت آنها به چه شکل است؟ آیا آن همان نوع پدیده‌ای نیست که توسط دانشمندان امروزی در جهان مشاهده شده است؟ در مورد افزایش یا کاهش ناگهانی در سرعت، دلائل دیگری برای آن وجود دارد. البته، به شما گفته‌ام که اصلاح فا از تمام زمان‌ها و همچنین تمام بعدها فراتر رفته است؛ در غیراینصورت هرگز نمی‌توانست موفق شود، حتی اگر کل یک دوره زندگی سپری می‌شد.

*پرسش: گاهی اوقات فکری که در زمان انجام کار بد داشتیم در ذهنم ظاهر می‌شود. احساس می‌کنم که من واقعاً صلاحیت ندارم دافا را تمرین کنم.*

**استاد:** تسلیم نشوید. برعکس، این چیز خوبی است که می‌توانید مداخله از سوی آن چیزها را تشخیص دهید. یعنی، می‌توانید حس کنید که آن چیزها شما نیستید. تا وقتی آنها را مهار کنید و بر آنها غلبه کنید، در واقع در حال پاک کردن آنها هستید. اگر درباره چیزی فکر نمی‌کردید و یک فکر بد به ذهن آمد، و به خودی خود ظاهر شد، پس آن کارمای فکری است که در حال مداخله با شما است. آن سعی دارد شما را از انجام تمرین‌ها بازدارد به این شکل، که باعث می‌شود احساس کنید شایستگی تمرین را ندارید؛ آن اتفاق می‌افتد زیرا تمام چیزها زنده هستند. یعنی، کارما در ذهن‌تان شکل گرفته بود، بنابراین ارتباطی مستقیم با ذهن‌تان دارد و می‌تواند خودش را در ذهن شما ظاهر کند. آن باعث می‌شود فکر کنید که آنها افکار خود شما هستند، اما نیستند.

*پرسش: ما تمرین‌کنندگانی از استرالیا هستیم. آیا برای ما اشتباه است که به این کنفرانس فا در کانادا بیاییم؟*

**استاد:** هرگز. چگونه می‌تواند برای شما اشتباه باشد که در جستجوی فا باشید؟ استاد صرفاً نگران است که شما زمان کافی برای اینکه خودتان را حقیقتاً تزکیه کنید نداشته باشید.

*پرسش: با نگاه به گذشته و آزمایش‌هایی که گذرانده‌ام، متوجه شدم که از آنها فقط بطور ظاهری عبور کرده‌ام و بطور واقعی از اعماق قلبم نبوده است.*

**استاد:** اینکه می‌توانید این را تشخیص دهید و بطور اساسی خودتان را تغییر دهید، به سختی‌هایی که در گذشته گذراندید نگاه کنید و کوتاهی‌های خود را پیدا کنید، به شما می‌گویم، این تزکیه/است! مخصوصاً، متوجه شده‌اید که به اندازه کافی خوب تزکیه نکرده‌اید، و سعی می‌کنید کوشاتر باشید. این عالی است.

پرسش: دیده‌ام که مراکز دستپاری مختلف، سنجاق‌های فالون گونگ به همدیگر اهدا می‌کنند. همچنین، تمرین‌کنندگان همگی لباس تمرین زرد یکسان می‌پوشند. این چیزهایی را به یاد می‌آورد که در طول انقلاب فرهنگی اتفاق افتاد.

**استاد:** احتمالاً انقلاب فرهنگی اثری عمیق بر شما گذاشته است. اما [تفاوت این است،] انقلاب فرهنگی طرفدار حق شورش و طغیان بود، در حالیکه ما شورش را ترویج نمی‌دهیم. ما از شما می‌خواهیم با دیگران به مهربانی رفتار کنید و فردی خوب باشید.

در مورد لباس‌های تمرین، بسیار خوب، به آنها گفتم که وقتی یک فعالیت گروهی وجود دارد و لازم است که یک لباس مشترک بپوشند، اگر بخواهید می‌توانید بپوشید. من واقعاً نمی‌دانم آن لباس‌ها کجا دوخته می‌شوند. به نظر می‌رسد مناطق مختلف لباس‌های خود را آماده می‌کنند. وقتی احساس کردند آن را دوست دارند ظاهراً تعدادی لباس متحدالشکل دوختند و همگی آنها را پوشیدند. مانند یونیفرم‌های ورزشی. اما فکر می‌کنم نباید آنها را در طول تمرین روزانه خود بپوشید. اولاً، آن برای مردم، مذهبی به نظر می‌آید. و دوماً، وقتی با یونیفرم تمرین می‌کنید، مردمی که آنها را نپوشیدند اما دوست دارند تمرین‌ها را یاد بگیرند احساس غریبه بودن خواهند کرد. بنابراین در طول تمرین روزانه آنها را نپوشید. اگر در فعالیت‌های گروهی لازم است، پوشیدن آنها اشکالی ندارد.

پرسش: استاد محترم گفتند که اگر کسی دشمن خود را دوست نداشته باشد نمی‌تواند به کمال برسد. یک سال گذشته است، و من هنوز نمی‌توانم مطابق استاندارد استاد محترم باشم و خودخواهی و دورویی دیگران را بیخشم.

**استاد:** شما منظور مرا متوجه نمی‌شوید. همه درباره آن فکر کنید: موجودات بشری با خودخواهی و ریاکاری در حال تخریب خود هستند. آیا آنها رقت‌انگیز نیستند؟ آنها خودخواه و دورو هستند. وقتی بطور روزافزون کارهای شرورانه انجام می‌دهند، آنچه با آن روبرو می‌شوند نابودی است. برعکس، [همانطور که تزکیه می‌کنید] آنچه بدست می‌آورد چیزهایی هستند که بطور فزاینده‌ای بهتر هستند، و شما در حال صعود به بالاتر هستید. آیا برای آنها احساس تأسف نمی‌کنید؟ اما خود خودخواهی و ریاکاری چیزی نیست که برای آن متأسف بود. موجودات بشری متفاوت هستند، بنابراین شما باید آنها را ببخشید. همچنین آنهایی که موجودات بشری «دشمنان» در نظر می‌گیرند چیزی به جز دشمنان موجودات بشری نیستند. درباره آن فکر کنید: آنها دشمنان تزکیه‌کنندگان نیستند. شما باید فراتر از مردم عادی بروید. آیا یک خدا می‌تواند با موجودات بشری به‌عنوان دشمنانش رفتار کند؟ یک موجود بشری که از مردم عادی فراتر رفته است نمی‌تواند با آنها به‌عنوان دشمن خود رفتار کند. بنابراین، به شما می‌گویم که اگر دشمنان خود را دوست نداشته باشید نمی‌توانید به کمال برسید. (تشویق) موجودات شیطانی که به دافا آسیب می‌زنند استثناء هستند.

پرسش: مریدان دافا از چهل و هشت منطقه از بیست و پنج استان، شهر، و ناحیه در چین بهترین دروهای خود را از طرف تمام مریدان دافا در منطقه‌شان به استاد می‌فرستند.

**استاد:** از همه متشکرم. (تشویق)

پرسش: مریدان دافا از شانزده کشور بهترین دروهای خود را از جانب مریدان دافا در کشورهاشان به استاد می‌فرستند.

**استاد:** از همه متشکرم. (تشویق)

پرسش: آیا استاد لطفاً یک سری از مودراهای بودای بزرگ را پس از اتمام [کنفرانس] انجام می‌دهند؟

**استاد:** مودراهای بودای بزرگ را انجام دهم؟ این طور نیست که نمی‌توانم آن را برای شما انجام دهم. قطعاً می‌توانم. اما از حالا به بعد، لطفاً در فرصت‌های دیگر درخواستی مانند این را مطرح نکنید، زیرا برای بسیاری از شاگردانمان سخت است که معنی واقعی مودراهای بودای بزرگ را درک کنند. با آنها مانند یک اجرایی که استاد ارائه می‌دهد برخورد نکنید. اگر این طور باشد من ناراحت خواهم شد. اگر موجودات بشری معنی عالی آنها را درک نکنند من مودراها را انجام نخواهم داد. مطمئن شوید که این را مورد ملاحظه قرار می‌دهید.

بسیار خوب، اجازه دهید یک سری از مودراهای بودای بزرگ را انجام دهم.

### نکات پایانی به وسیله استاد:

کنفرانس فای ما در حال اتمام است، زیرا صحبت من درباره فای، بخش آخر است.

می‌دانم که شاگردان قدیمی بیشتر به بلوغ رسیده‌اند. با دیدن این، واقعاً خشنود شدم. شما می‌توانید فای را از منظر فای درک کنید و بطور حقیقی خودتان را به عنوان تزکیه‌کنندگان اداره کنید. این حقیقت به تنهایی بطور استوار و قوی، شکل دافا را در دنیای عادی تثبیت می‌کند. هیچ چیزی نمی‌تواند آن را تخریب کند. آن به محکمی صخره است. (تشویق)

آنچه فرد می‌خواهد در ذهن خود انجام دهد نمی‌تواند با هیچ نیروی خارجی مورد تداخل قرار گیرد. البته، من از مردم می‌خواهم کارهای خوب انجام دهند، و تمام شما در حال انجام تزکیه هستید. من اثر ثبات قدم مستحکم و مانند کوه استوار تمرین‌کنندگان را دیده‌ام. همزمان، افرادی نیز اینجا نشسته‌اند که زیاد درباره دافا نمی‌دانند. هنوز کسانی هستند که برای دلایل دیگری به این کنفرانس آمده‌اند. بدون توجه به اینکه شما یک خبرنگار باشید، یک کارآگاه، یا هر شغل دیگری که احتمالاً انجام می‌دهید، فکر نمی‌کنم تا به حال در تمام زندگی خود با چیزی مانند این برخورد کرده باشید. آنچه من به شما آموزش داده‌ام چیزی نیست که یک فرد عادی بتواند درباره آن صحبت کند، حتی عالی‌ترین پروفیسور یا بالاترین دانشمند نمی‌تواند، زیرا هیچ چیز آن از دانش بشر سرچشمه نمی‌گیرد. شما نمی‌توانید با جستجو در هیچ کتابی آن را پیدا کنید، چه آنها خارجی یا داخلی، باستانی یا مدرن باشند. در حقیقت در آن بیرون برخی کتاب‌ها درباره تزکیه وجود دارند، اما هیچ کدام از آنها واضح و شفاف نیستند، و اسرار واقعی افشاء نشده‌اند، بنابراین نمی‌توانند به عنوان راهنما برای تزکیه فرد بکار بروند. تعداد بسیار کمی از افراد در این دوره تمدن بشری بوده‌اند که توانستند هر چیزی که درباره تزکیه واقعی وجود دارد را آشکار کنند. در حال مقایسه آنها با خودم نیستم - نمی‌خواهم آن کار را انجام دهم. اما آنچه به شما گفته‌ام در حقیقت چیزی است که شما هرگز دوباره نخواهید شنید. (تشویق طولانی)

زندگی بشری طولانی نیست، و مردم مسیر خود را انتخاب می‌کنند. مردم تصمیم می‌گیرند که چگونه راه خود را انتخاب کنند، و هیچ کسی آن را به دیگری تحمیل نمی‌کند. مردم اینجا احساس می‌کنند [که این فای] خوب است. آنها احساس خوبی نسبت به آن دارند، بنابراین تزکیه را تمرین می‌کنند. پس تمامی شما باید خودتان را در آن موقعیت قرار دهید و فکر کنید شما برای چه زندگی می‌کنید، و برای چه کسی زندگی می‌کنید. ممکن است بگذارید فرصت از دست برود، و اهمیتی ندارد چقدر درد یا تأسف بعد از آن تا ابد احساس می‌کنید، این زبانی غیرقابل برگشت است. مهم نیست چطور و چرا امروز به اینجا آمدید، این شاید چیزی باشد که شما را به سوی فای هدایت کند. (تشویق)

وقتی من، لی هنگجی، تصمیم گرفتم این را انجام دهم، به دقت به آن فکر کردم که می‌خواهم نسبت به موجودات بشری و همچنین اجتماع مسئول باشم؛ فقط آنوقت این وظیفه را عهده‌دار شدم. اگر جامعه و مردم را مایوس کرده بودم، هرگز این را انجام نمی‌دادم، و هرگز این تعداد زیاد از مردم برای یادگیری فای نیامده بودند. حقایق نشان می‌دهند که من در دسری برای جامعه به بار نیوردم. برعکس، انحراف بسیاری از چیزهای منحط در مقابل من و دافا آشکار شد، بنابراین آنها به من و دافا حمله‌ور شدند. آن اشتباه من نبود. من از مردم می‌خواهم کارهای خوب انجام دهند. به هیچ وجه مشکلی در این نیست. و مشکلی در این

نیست که از مردم می‌خواهم رشد کنند. دقیقاً به خاطر اینکه آنچه شاگردان و من انجام داده‌ایم بسیار درست است، تمام آنهایی که منحرف و نادرست هستند یا آنقدرها درست نیستند احساس نامتعادل بودن کردند.

بله گفته‌ام سخت است که از کسی خواست تا فردی خوب باشد. آن درباره ایجاد تغییرات ظاهری نیست. یک فرد خودش را تغییر نخواهد داد مگر اینکه قلبش حقیقتاً تکان بخورد. و تغییراتی که متحمل آن می‌شود نمی‌تواند توسط هیچ نیرویی خرد شود. (تشویق) من همچنین دیده‌ام که موجودات بشری سرشت بودایی دارند. بدون توجه به اینکه چگونه بطور بدی اجتماع بشری به انحطاط رفته است، مردم هنوز قلبی مهربان دارند، و به همین خاطر است که این را انجام داده‌ام.

حقیقت اثبات کرده است که من به نتایجی که می‌خواستم رسیدم. دیده‌ام که مریدان دافا قادرند در دافا کوشا باشند و دائماً سطح خود را بالا ببرند. این برایم خوشایندترین است. در مورد اینکه جامعه چطور به ما نگاه می‌کند، فکر می‌کنم تا وقتی دافا و من مسیری درست را برگزینیم و شاگردانم کار درست را انجام دهند، مهم نیست چه تعداد عقاید متعصبانه آن بیرون وجود دارد، آنها تغییر مسیر خواهند داد. (تشویق) تمام آنهایی که ما را درک نمی‌کنند، و آنهایی که به ما حمله می‌کنند، نظر یکسانی دارند: «شما به این خوبی عمل کرده‌اید؟ این امکان ندارد.» یعنی، آنها باور ندارند که هنوز افراد خوب در این دنیا هستند. بسیار خوب پس، بگذارید با اعمالمان به آنها نشان دهیم! (تشویق)

فکر می‌کنم دلیل اصلی اینکه کسانی که حقیقت را نمی‌دانند با ما مخالفت می‌کنند این است که آنها واقعاً ما را درک نمی‌کنند. بنابراین، ما می‌توانیم به آنها کمک کنیم که ما را درک کنند و به شناختی از ما برسند - بکار بردن هر روشی خوب است. چه از طریق مجرای معمولی باشد یا نه، بیایید در را بطور گسترده باز نگاه داریم و بگذاریم آنها هر آنچه که می‌خواهند را بدانند و هر آنچه که می‌خواهند را ببینند. اگر می‌خواهید چیزی را درک کنید، تا وقتی که قصد نداشته باشید برای ما مشکلی درست کنید، می‌توانید آن طور که دوست دارید عمل کنید. اگر واقعاً مشکلاتی وجود می‌داشت، آنگاه ما سرزمین پاکی که داریم را نمی‌داشتیم. همه شما را تشویق می‌کنم که این را انجام دهید، من جرأتش را دارم که بگذارم این را انجام دهید، زیرا ما می‌توانیم به آن دست یابیم؛ ما واقعاً یک سرزمین پاک در اینجا داریم! (تشویق)

روش ما در شکل یک مذهب نیست، چه برسد به فرقه. شاگردان من فقط تزکیه می‌کنند. آنهایی که نمی‌توانند به کمال دست یابند هنوز می‌توانند عضوی خوب از جامعه باشند. با تعداد زیادی از مردم که جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، آنها به دنیا سود می‌رسانند بدون توجه به اینکه در کدام کشور باشند. دافا می‌تواند بطور مستحکم یک جامعه را تثبیت کند و قلب مردم را به خوبی برگرداند، بنابراین فکر می‌کنم دافا در هر کشوری مورد استقبال قرار خواهد گرفت. شاگردان دافا و من قطعاً قصد نداریم به خودی خود، کاری برای جامعه عادی انجام دهیم. من، لی هنگجی، مدت‌ها پیش گفتم که قصد ندارم برای اجتماع عادی کاری انجام دهم، اما چیزهایی که انجام داده‌ام باید به اجتماع عادی سود رسانده باشد. من نمی‌خواهم برای اجتماع عادی هیچ کاری انجام دهم؛ صرفاً می‌خواهم نسبت به تزکیه‌کنندگان مسئول باشم. البته، مردم زیادی خواهند بود که دافا را یاد می‌گیرند، و آنها مطمئناً بطوری مثبت بر جامعه تأثیر می‌گذارند. آنها میدانی عظیم شکل خواهند داد، و یک گروه بزرگی از مردم را شکل می‌دهند. آنها بازگشت اخلاقیات را در کل موجب می‌شوند.

بسیاری از خبرنگاران و دیگران گیج شده‌اند، در شگفتی هستند: چرا تعداد بسیاری از مردم این فا را مطالعه می‌کنند؟ افرادی که امروز اینجا نشسته‌اند شاید پاسخ را دیده باشند. و آن چیست؟ اینجا از مردم می‌خواهیم تا در مسیری درست قدم بردارند و واقعاً افرادی خوب باشند. هیچ چیز آلوده و کثیفی درگیر نیست، مانند آنچه بیرون در اجتماع است. ما هر چیزی را که درست نیست پاک می‌کنیم و تا آن زمان که به استاندارد کمال برسیم، افرادی می‌شویم که به دیگران و جامعه سود می‌رسانند. ما شهریه نمی‌گیریم، شما را به انجام کار بد راهنمایی نمی‌کنیم، و در سیاست درگیر نمی‌شویم. به همین خاطر افراد بسیاری هستند که [آن را] یاد می‌گیرند. آنهایی که باور ندارند هنوز مردم خوب در اطراف وجود دارند ما را دست کم گرفته‌اند!!! (تشویق)

من نمی‌خواهم خودم را تبلیغ کنم، بنابراین سعی نمی‌کنم با رسانه‌ها ملاقات کنم. برای آنهایی که درک نمی‌کنند و می‌خواهند مصاحبه‌هایی را برنامه‌ریزی کنند، ما شاگردان بسیاری داریم، و آنها به شما توضیح خواهند داد. اگر شما فای ما را درک نکنید و



بخواهید از من بپرسید که فالون گونگ درباره چیست، من شما را نخواهم دید حتی اگر بر آن اصرار کنید. شما اول باید کتاب مرا بخوانید و سعی کنید این گروه از مردم را درک کنید. بعد از آن شما را خواهم دید. (تشویق)

شما همگی می‌دانید که آن نمی‌تواند بطور واضح در چند کلمه توضیح داده شود، زیرا دافا چیزی عادی نیست. به این ترتیب، خبرنگاران که ما را درک نمی‌کنند کلمات مرا خارج از متن نقل می‌کنند، و بر اساس عقاید و تصورات خودشان نظراتی می‌دهند. نمی‌خواهم ببینم آن باز هم اتفاق بیفتد. شاگردان من همگی سعی دارند که افرادی خوب باشند، با این حال برچسب «شیطانی» می‌خورند. آن بسیار بی‌انصافی است، و آن احساسات آنان را جریحه‌دار می‌کند. (تشویق) آن گزارش‌های خبری بسیار به گمراهی رفتند. اینجا نمی‌خواهم زیاد درباره آن بگویم. امیدوارم که تمام مریدان دافای من کوشا بمانند و با بیشترین سرعت ممکن به کمال برسند. (تشویق طولانی)

از همه سپاسگزارم!

---

<sup>۱</sup> یوان - مقدر شده، یک رابطه از پیش تعیین شده یا مقدر شده

<sup>۲</sup> یوان آر.ام.بی - نام واحد پول در چین

<sup>۳</sup> قبل از سلسله کین (قبل از ۲۲۱ ق.م)

<sup>۴</sup> سلسله هان (۲۰۶ ق.م - ۲۲۰ ب.م)

<sup>۵</sup> (سده پنجم ق.م - ۲۲۰ ب.م)